```
قانون تجارت
                                               مصوب ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۳۱۱ شمسي (کمیسیون قوانین عدلیه)
                                                                                                  باب اول
                                                                                     تجار و معاملات تجارتي
                                    ماده ۱ - تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجارتی قرار بدهد.
                                                                   ماده ۲ - معاملات تجارتي از قرار ذيل است:
            1) خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول بقصد فروش یا اجاره اعم از اینکه تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد.
                                           ۲) تصدي به حمل و نقل از راه خشكي يا آب يا هوا بهر نحوي كه باشد.
٣) هر قسم عمليات دلالي يا حقالعملكاري (كميسيون) و يا عاملي و همچنين تصدي بهر نوع تأسيساتي كه براي انجام
          بعضي امور ایجاد میشود از قبیل تسهیل معاملات ملکي یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات و غیره.
                      ۴) تأسيس و به كار انداختن هر قسم كارخانه مشروط بر اينكه براي رفع حوائج شخصي نباشد.
                                                                                  ۵) تصدي بعمليات حراجي.
                                                                   ۶) تصدي بهر قسم نمايشگاههاي عمومي.
```

۷) هر قسم عمليات صرافي و بانكي.

۹) عملیات بیمه بحری و غیر بحری

۸) معاملات برواتي اعم از اينكه بين تاجر يا غير تاجر باشد.

۱۰) کشتيسازي و خريد و فروش کشتي و کشتيراني داخلي يا خارجي و معاملات راجعه به آنها.

ماده ٣ - معاملات ذيل باعتبار تاجر بودن متعاملين يا يكي از آنها تجارتي محسوب ميشود:

- ۱) کلیه معاملات بین تجار و کسبه و صرافان و بانکها.
- ۲) کلیه معاملاتي که تاجر یا غیر تاجر براي حوائج تجارتي خود مینماید.
- ٣) كليه معاملاتيكه اجزاء يا خدمه يا شاگرد تاجر براي امور تجارتي ارباب خود مينمايد.
  - ۴) کلیه معاملات شرکت های تجارتي.

ماده ۴ - معاملات غیر منقول بهیچوجه تجارتی محسوب نمیشود.

ماده ۵ - كليه معاملات تجار تجارتي محسوب است مگر اينكه ثابت شود معامله مربوط بامور تجارتي نيست.

باب دومر

دفاتر تجارتي و دفتر ثبت تجارتي

فصل اول - دفاتر تجارتی

ماده ۶ - هر تاجري به استثناي كسبه جزء مكلف است دفاتر ذيل يا دفاتر ديگري را كه وزارت عدليه بموجب نظامنامه قائممقام اين دفاتر قرارميدهد داشته باشد:

- ۱) دفتر روزنامه.
  - ۲) دفتر کل.
- ٣) دفتر دارائي.
- ۴) دفتر کپیه.

ماده ۷ - دفتر روزنامه دفتري است که تاجر بايد همه روزه مطالبات و ديون و داد و ستد تجارتي و معاملات راجع به اوراق تجارتي (از قبيل خريد وفروش و ظهرنويسي) و بطور کلي جميع واردات و صادرات تجارتي خود را بهر اسم و رسمي که باشد و وجوهي را که براي مخارج شخصي خودبرداشت ميکند در آن دفتر ثبت نمايد.

ماده ۸ - دفتر کل دفتري است که تاجر بايد کليه معاملات را لااقل هفته يکمرتبه از دفتر روزنامه استخراج و انواع مختلفه آن را تشخيص و جدا کرده هر نوعي را در صفحه مخصوصي در آن دفتر بطور خلاصه ثبت کند.

ماده ۹ - دفتر دارائي دفتري است که تاجر بايد هر سال صورت جامعي از کليه دارائي منقول و غير منقول و ديون و مطالبات سال گذشته خود را بريز ترتيب داده در آن دفتر ثبت و امضاء نمايد و اين کار بايد تا پانزدهم فروردين سال بعد انجام پذيرد.

ماده ۱۰ - دفتر کپیه دفتري است که تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورتحسابهاي صادره خود را در آن بترتیب تاریخ ثبت نماید. تبصره - تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورتحسابهاي وارده را نیز بترتیب تاریخ ورود مرتب نموده و در لفاف مخصوصي ضط کند.

ماده ۱۱ - دفاتر مذکور در ماده ۶ به استثناءِ دفتر کپیه قبل از آنکه در آن چیزي نوشته شده باشد بتوسط نماینده اداره ثبت (که مطابق نظامنامه وزارت عدلیه معین میشود) امضاء خواهد شد. براي دفتر کپیه امضاءِ مزبور لازم نیست ولي باید اوراق آن داراي نمره ترتیبي باشد. در موقع تجدید سالیانه هر دفتر مقررات این ماده رعایت خواهد شد.

حق امضاء از قرار هر صد صفحه یا کسـور آن دو ریال و بعلاوه مشـمول ماده(۱۳٫۵) قانون ثبت اسـناد اسـت.

ماده ۱۲ - دفتري كه براي امضاء بمتصدي امضاء تسليم ميشود بايد داراي نمره ترتيبي و قيطان كشيده باشد و متصدي امضاء مكلف است صفحات دفتر را شمرده در صفحه اول و آخر هر دفتر مجموع عدد صفحات آنرا با تصريح باسم و رسم صاحب دفتر نوشته با قيد تاريخ امضاء و دوطرف قيطان را با مهر سربي كه وزارت عدليه براي اين مقصود تهيه مينمايد منگنه كند. لازم است كليه اعداد حتي تاريخ با تمام حروف نوشته شود.

ماده ۱۳ - كليه معاملات و صادرات و واردات در دفاتر مذكوره فوق بايد بترتيب تاريخ در صفحات مخصوصه نوشته شود -تراشيدن و حككردن و همچنين جاي سفيد گذاشتن بيش از آنچه كه در دفترنويسـي معمول اسـت و در حاشيه و يا بين سـطور نوشتن ممنوع اسـت و تاجر بايد تمام آن دفاتر را از ختم هر سـالي لااقل تا ده سـال نگاهدارد.

ماده ۱۴ - دفاتر مذكور در ماده ۶ و ساير دفاتري كه تجار براي امور تجارتي خود بكار ميبرند در صورتي كه مطابق مقررات اين قانون مرتب شده باشد بين تجار - در امور تجارتي - سنديت خواهد داشت و غير اينصورت فقط بر عليه صاحب آن معتبر خواهد بود.

ماده ۱۵ - تخلف از ماده ۶ و ماده ۱۱ مستلزم دویست تا ده هزار ریال جزاي نقدي است. این مجازات را محکمه حقوق رأساً و بدون تقاضايمدعيالعموم ميتواند حکم بدهد و اجراي آن مانع اجراي مقررات راجع به تاجر ورشکستة که دفتر مرتب ندارد نخواهد بود.

فصل دوم - دفتر ثبت تجارتي

ماده ۱۶ - در نقاطي كه وزارت عدليه مقتضي دانسته و دفتر ثبت تجارتي تأسيس كند كليه اشخاصي كه در آن نقاط بشغل تجارت اشتغال دارند اعماز ايراني و خارجي باستثناي كسبه جزء بايد در مدت مقرر اسم خود را در دفتر ثبت تجارتي به ثبت برسانند و الا بجزاي نقدي از دويست تا دو هزارريال محكوم خواهند شـد.

ماده ۱۷ - مقررات مربوطه بدفتر ثبت تجارتي را وزارت عدلیه با تصریح بموضوعاتي که باید به ثبت برسـد بموجب نظامنامه معین خواهد کرد.

ماده ۱۸ - شـش ماه پس از الزامي شـدن ثبت تجارتي هر تاجري كه مكلف بثبت اسـت بايد در كليه اسـناد و صورت-حسـابها و نشـريات خطـي يا چاپييخود در ايران تصريح نمايد كه در تحت چه نمره بثبت رسـيده و الا علاوه بر مجازات مقرر در فوق بجزاي نقدي از دويسـت تا دو هزار ريال محكومميشـود.

ماده ۱۹ - کسبه جزءِ مذکور در این فصل و فصل اول مطابق مقررات نظامنامه وزارت عدلیه تشخیص میشوند. باب سـوم شركتهاي تجارتي فصل اول در اقسام مختلفه شركت ها و قواعد راجعه بآنها ماده ۲۰ - شرکتهای تجارتی بر هفت قسم است: ۱) شرکت سهامی. ۲) شرکت با مسئولیت محدود. ۳) شرکت تضامنی. ۴) شرکت مختلط غیر سهامي. ۵) شرکت مختلط سـهامي. ۶) شرکت نسبي. ۷) شرکت تعاوني تولید و مصرف. مبحث اول - شرکت سهامي ۱ - کلیات ماده ۲۱ - شرکت سهامي شرکتي است که براي امور تجارتي تشکيل و سرمايه آن به سهام تقسيم شده و مسئوليت صاحبان سهام محدود بسهامآنها است. ماده ۲۲ - در اسم شرکت سهامي نام هيچيك از شركاء قيد نخواهد شد - در اسم شرکت بايد كلمه (سهامي) قيد شود. ماده ۲۳ - سهام ممكن است با اسم يا بياسم باشد. ماده ۲۴ - سهام بياسم بصورت سند در وجه حامل مرتب و دارنده آن مالك شناخته ميشود مگر آنكه خلاف آن قانوناً ثابت گردد - نقل و انتقالااین نوع سهام به قبض و اقباض بعمل ميآید.

ماده ۲۵ - انتقال سهام با اسم باید در دفتر شرکت به ثبت برسد صاحب سهم باید شخصاً یا به توسط وکیل انتقال را در دفتر شرکت تصدیق و امضا نماید.

ماده ۲۶ - سـهام ممكن اسـت نقدي باشـد يا غير نقدي - سـهام غير نقدي سـهامي اسـت كه در ازاءِ آن بجاي وجه نقد چيز ديگري از قبيل كارخانه وامتيازنامه و غيره داده شـود.

ماده ۲۷ - قیمت سهام و همچنین قیمت قطعات سهام (در صورت تجزیه) متساوی خواهد بود.

ماده ۲۸ - در صورتیکه سرمایه شرکتهای سهامی از دویست هزار ریال تجاوز نکند سهام یا قطعات سهام نباید کمتر از پنجاه ریال باشد و هر گاه سرمایه زائد بر دویست هزار ریال باشد سهام و قطعات سهام کمتر از یکصد ریال نخواهد بود.

ماده ۲۹ - مادام که شرکت سهامي تشکيل نشده سهام يا تصديق موقتي (اعم از بااسم يا بياسم) نميتوان صادر کرد هر سهم يا تصديق موقتي که قبل از تشکيل شرکت بکسي داده شده باشد باطل و صادرکنندگان متضامناً مسئول خساراتي هستند که بدارندگان اين قبيل اوراق وارد شده است.

تا زمانيكه پنجاه درصد قيمت اسمي سهام تأديه نشده نميتوان سهام بياسـم يا تصديق موقتي بياسـم انتشـار داد.

ماده ۳۰ - کسانیکه تعهد ابتیاع سهام کردهاند تا موقعی که پنجاه درصد قیمت اسمی سهام خود را نپرداختهاند مسئول تأدیه بقیه قیمت آن خواهند بود اگر چه سهام خود را بدیگری منتقل کرده و منتقلالیه نیز پرداخت بقیه را تعهد کرده باشد.

ماده ۳۱ - بعد از تأدیه پنجاه درصد نیز کسیکه تعهد ابتیاع سهمي را کرده است از تأدیه بقیه قیمت آن بري نخواهد بود مگر اینکه اساسنامه شرکتآنرا تجویز کرده باشـد که در اینصورت منتقلالیه مسئول تأدیه آن بقیه اسـت.

ماده ۳۲ - هر کس تعهد ابتیاع سهامي را کرده و در موعد مقرر وجه تعهد شده را نپردازد علاوه بر آن وجه بخسارات تأخیر تأدیه (از قرار صدي دوازده در سال و بنسبت مدت تأخیر) محکوم خواهد شد.

ماده ٣٣ - اساسنامه شركت ميتواند نسبت باشخاص مذكور در ماده فوق ترتيب ديگري اتخاذ نموده حتي مقرر دارد كه در صورت عدم تأديه بقيه قيمت سهام مقدار تأديه شده از آن بابت بلاعوض تعلق بشركت يافته و تعهدكننده نسبت بسهام تعهدي هيچ حقي نداشته باشد ليكن در اينصورتپرداخت وجه تعهد شده بايد لااقل سه مرتبه بوسيله مكتوب با قبض رسيد مطالبه و از تاريخ آخرين مكتوب يكماه منقضي شده باشد در مورد سهام بياسم بجاي مكتوب اعلان در جرايد بعمل خواهد آمد مفاد اين ماده بايد در موقع تعهد صريحاً در دفتر شركت قيد شده و متعهد ذيل آنرا امضاء نمايد.

ماده ۳۴ - خواه در سهام بااسم و خواه در سهام بياسم مادام كه قيمت آنها كاملاً تأديه نشده است بايد آن مقدار از قيمت كه پرداخته شده صريحاً روي سهم قيد شود بعلاوه شركت مكلف است در هر گونه اسناد و صورتحسابها و اعلانات و نشريات و غيره كه بطور خطي يا چاپي صادر يامنتشر مينمايد ميزان سرمايه خود و آنقسمتي را كه تأديه شده است صريحاً قيد كند.

ماده ٣٥ - هر شركت سهامي ميتواند بموجب رأي مجمع عمومي كه مطابق ماده ٧٣) اينقانون تشكيل شده باشد سهام ممتازة ترتيب دهد كهنسبت بساير سهام رجحان و مزايائي داشته باشد ولي ايجاد اين نوع سهام مشروط است باينكه اساسنامه شركت چنين اقدامي را تجويز كرده باشد.

## ۲ - تشکیل شرکت

ماده ۳۶ - شرکت سهامي بموجب شرکتنامه که در دو نسخه نوشته شده باشد تشکیل میشود یکي از نسختین بطوریکه در ماده (۵۰) مقرراست ضمیمه اظهارنامه مدیر شرکت و دیگري در مرکز اصلي شرکت ضبط خواهد شد.

ماده ۳۷ - شرکت باید دارای اساسنامة باشد که نکات ذیل مخصوصاً در آن تصریح بشود:

- ۱) اسم و مرکز اصلي شرکت.
  - ۲) موضوع شرکت.
- ۳) مدت شرکت در صورتیکه شرکت براي مدت معیني تشکیل شود.
  - ۴) مقدار سرمایه شرکت و مقدار قیمت سهام.
- ۵) نوع سهام (که سهام بااسم است یا بیاسم) عده هر نوع از سهام و تعیین اینکه سهام بااسم و بیاسم بچه شکل ممکن است بهم تبدیل شود درصورتیکه این تبدیل اساساً پذیرفته باشد.
  - ۶) هیئتهای اداره و تفتیش.
  - ۷) عده سهامي را که مدیران شرکت باید بصندوق شرکت بسپارند.
  - ٨) مقررات راجع بدعوت مجمع عمومي و حق رأي صاحبان سهام و طريقه شور و اخذ رأي.
    - ٩) مطالبي كه براي قطع آن در مجموع عمومي اكثريت مخصوصي لازم است.
- ۱۰) طرز ترتیب صورتحساب سالیانه و رسیدگی به آن و همچنین اصولی که برای حساب منافع و تقسیم آن باید رعایت شود.
  - ۱۱) طریق تغییر اساسنامه.

ماده ٣٨ - تشكيل شركتهاي سهامي محقق نميشود مگر بعد از آنكه تأديه تمام سرمايه شركت تعهد شده باشد بعلاوه هر گاه سهام يا قطعات آن زائد بر پنجاه ريال نباشد تعهدكنندگان بايد تمام وجه را تأديه نمايند و الا بايد لااقل ثلث قيمت سهام را نقداً بپردازند و در هر حال وجهي كه پرداخته ميشود نبايد كمتر از۵۰ ريال باشـد.

ماده ۳۹ - چیزي که در ازاءِ سهام غیر نقدي تعهد شده تماماً باید تحویل شود.

ماده ۴۰ - مؤسسین باید پس از تنظیم نوشتة که حاکي از تعهد پرداخت سرمایه شرکت و تأدیه واقعي ثلث سرمایه نقدي است مجمع عمومي شرکت را دعوت نمایند این مجمع اولین مدیرهاي شرکت و همچنین مفتش (کمیسر)هائي را که بموجب ماده (۶۲) مقرر است معین میکند.

ماده ۴۱ - هر گاه يكي از تعهدكنندگان سهم غير نقدي اختيار كند يا مزاياي خاصي براي خود مطالبه نمايد مجمع عمومي در جلسه اول كه منعقدميشود امر بتقويم سهم غير نقدي نموده يا موجبات مزاياي مطالبه شده را تحت نظر ميگيرد تصويب قطعي تقويم يا موجبات مزايا بعمل نميآيد وتشكيل شركت واقع نميشود مگر در جلسه ديگر مجمع عمومي كه بر حسب دعوت جديد منعقد خواهد شد و براي اينكه در جلسه دوم تقويم ياموجبات مزايا تصويب شود بايد لااقل پنج روز قبل از انعقاد جلسه راپرتي در اين خصوص طبع و بين تمام تعهدكنندگان توزيع شده باشد تصويب امور مذكور بايد باكثريت دو ثلث تعهدكنندگان حاضر باشد و جلسه مجمع عمومي قانوني نخواهد بود مگر اينكه عدداً نصف كل شركائي كه خريد سهامنقدي را تعهد كردهاند حاضر بوده و نصف كل سرمايه نقدي را دارا باشند كساني كه داراي سهم غير نقدي هستند يا مزاياي خاصي براي خود مطالبه كردهاند در موقعيكه سهم غير نقدي يا مزاياي آنها موضوع رأي است حق رأي ندارند آن قسمت از سرمايه غير نقدي كه موضوع مذاكره و رأي است درجزو سرمايه شركت محسوب نخواهد شد اگر در جلسه دوم مجمع عمومي نصف تعهدكنندگان سهام نقدي و نصف سرمايه نقدي حاضر نشده مجمع بطور موقت تصميم خواهد گرفت و مطابق قسمت اخير ماده (۴۵) رفتار ميشود.

هر گاه سهام غیر نقدي یا موجبات مزایائي که مطالبه شده و تصویب نشود هر یك از تعهدکنندگان میتواند از شرکت خارج شود.

ماده ۴۲ - تصویب مراتب مذکور در ماده فوق مانع نیست از اینکه بعداً نسبت بآنها دعوی تزویر و تقلب اقامه شود.

ماده ۴۳ - هر گاه شرکت بین اشخاصي منعقد شود که سرمایههاي غیر نقدي مشاعاً و منحصراً متعلق بخودشان باشد رعایت ترتیبات مذکوره درماده (۴) راجع بتقویم سهام غیر نقدي لازم نخواهد بود.

ماده ۴۴ - اظهارنامة که بموجب ماده (۵۰) بدایره ثبت اسناد باید تسلیم شود مؤسسین شرکت تهیه نموده با اسناد مربوطه باولین مجمععمومی تقدیم مینمایند تا مجمع صحت یا سقم آنرا معین کند.

ماده ۴۵ - مجمع عمومي كه در باب صحت اظهارات مؤسسين اظهار رأي و اولين مديرها و مفتشين را انتخاب مينمايد بايد از يك عده صاحبانسهام مركب شود كه لااقل نصف سرمايه شركت را دارا باشند - اگر در مجمع عمومي عدة كه نصف سرمايه را دارا باشند حاضر نشدند تصميمات مجمع موقتي خواهد بود در اين صورت مجمع عمومي جديدي دعوت ميشود و اگر پس از آنكه لااقل يكماه قبل از انعقاد مجمع دو دفعه متوالي بفاصلههشت روز بوسيله يكي از جرايد محلي تصميمات موقتي مجمع سابق اعلان و منتشر شد و مجمع جديد آن را تصويب نمود تصميمات مزبوره قطعيميشود مشروط بر اينكه در مجمع جديد عدة حاضر شوند كه لااقل ثلث سرمايه شركت را دارا باشند.

تبصره - جرايدي كه اعلانات فوق را بايد منتشر نمايند همه ساله توسط وزارت عدليه معين و اعلان خواهد شد.

ماده ۴۶ - مجمع عمومي فوق اولين مديرها و مفتشين شركت را انتخاب ميكند مفتشين براي سال اول و مديران منتها براي مدت چهار سال معينميشوند مديرها را ميتوان پس از انقضاءِ مدت چهار سال مجدداً انتخاب نمود مگر آنكه اساسنامه شركت غير از اين مقرر داشته باشد ولي در صورتيكه بر حسب مقررات اساسنامه تعيين آنها موكول بتصويب مجمع عمومي نباشد مدت مديري آنها بيش از دو سال نخواهد بود.

ماده ۴۷ - در صورتي که مديرها و مفتشيني که از طرف مجمع عمومي انتخاب شدهاند قبول انجام وظيفه نمايند قبولي آنها در صورتمجلس قيد وشرکت از همان تاريخ تشکيل ميگردد.

٣ - مديرهاي شركت و وظايف آنها

ماده ۴۸ - شرکت سهامي بواسطه يك يا چند نفر نماينده موظف يا غير موظف که از ميان شرکاء بسمت مديري و براي مدت محدودي معين شده و قابل عزل ميباشند اداره خواهد شد.

ماده ۴۹ - در صورتي که چند نفر بسمت مديري معين شده باشند بايد يك نفر از ميان خود بسمت رياست انتخاب کنند -رئيس مزبور و هر يكاز مديران ميتوانند در صورتي که اساسنامه شرکت اجازه داده باشد با تصويب يکديگر يکنفر شخص خارج را بجاي خود معين کنند ولي مسئوليتاعمال شخص خارج بعهده خود آنها خواهد بود.

ماده ۵۰ - براي اين كه تعهد و تأديه وجه سرمايه از طرف شركاء ثابت شود بايد مدير شركت وقوع آنرا بموجب نوشتة كه بدايره ثبت اسناد مركزاصلي شركت ميسپارد و بثبت ميرسد اعلام نمايد و بايد اسامي شركاء را با مقداري از سرماية كه پرداخته شده با يك نسخه از اساسنامه و يكي ازنسختين شركتنامه بنوشته مزبور منضم نمايد.

ماده ۵۱ - مسئوليت مدير شركت در مقابل شركاء همان مسئوليتي است كه وكيل در مقابل موكل دارد.

ماده ۵۲ - مديرها بايد يك عده سهامي را كه بموجب اساسنامه مقرر است دارا باشند اين سهام براي تضمين خساراتي است كه ممكن است ازاعمال اداري مديرها مشتركاً يا منفرداً بر شركت وارد شود- سهام مذكوره با اسم بوده و قابل انتقال نيست و بوسيله مهري كه بر روي آنها زده ميشودغير قابل انتقال بودن آنها معلوم و در صندوق شركت وديعه خواهد ماند.

ماده ۵۳ - مديرهاي شركت نميتوانند بدون اجازه مجمع عمومي در معاملاتيكه با شركت يا بحساب شركت ميشود بطور مستقيم ياغير مستقيم سهيم شوند و در صورت اجازه بايد صورت مخصوص آنرا همهساله بمجمع عمومي بدهند.

ماده ۵۴ - مدیران هر شرکت سهامی باید شش ماه بشش ماه خلاصه صورت دارائی و قروض شرکت را مرتب کرده بمفتشین بدهند.

ماده ۵۵ - مدیران هر شرکت سهامی باید مطابق ماده ﴿) این قانون صورتحسابیکه متضمن دارائی منقول و غیر منقول و همچنین صورتمطالبات و قروض شرکت باشد مرتب کنند - این صورتحساب و همچنین بیلان حساب نفع و ضرر شرکت باید لااقل چهل روز قبل از انعقاد مجمععمومی به مفتشین داده شود که بمجمع مزبور بدهند. ماده ۵۶ - از پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومي هر صاحب سهم ميتواند در مركز شركت بصورت حساب و صورت اسامي صاحبان سهاممراجعه كرده و از بيلان كه متضمن خلاصه صورت حساب شركت است و از راپورت مفتشين سواد بگيرد.

ماده ۵۷ - همهساله لااقل یك بیستم از عایدات خالص شركت براي تشكیل سرمایه احتیاطي موضوع خواهد شد - همینكه سرمایه احتیاطي بعشر سرمایه شركت رسید موضوع كردن این مقدار اختیاري است.

ماده ۵۸ - اگر بواسطه ضررهاي وارده نصف سرمايه شركت از ميان برود مديران شركت مكلفند تمام صاحبان سهام را براي انعقاد مجمع عموميدعوت نمايند تا موضوع انحلال يا بقاءِ شركت مورد شور و رأي شود - تصميم اين مجمع در هر حال منتشر خواهد شد.

ماده ۵۹ - هر گاه مدیران شرکت برخلاف ماده فوق مجمع عمومي را دعوت نکردند و یا مجمعي که دعوت میشود نتواند مطابق مقررات قانوني منعقد گردد هر ذیحقي میتواند انحلال شرکت را از محاکم صالحه بخواهد.

ماده ۶۰ - هر گاه یك یا چند نفر از ارباب سهامي كه مجموع سهام آنها لااقل معادل یك خمس سرمایه شركت باشد كتباً تقاضاي انعقاد مجمععمومي فوقالعاده نمایند و منظور خود را در آن تقاضانامه تصریح نموده باشند باید مجمع عمومي بطور فوقالعاده منعقد شود.

ماده ۶۱ - مديرهاي شركت در مقابل شركت يا اشخاص ثالث براي تخلف از مقررات اين قانون و تقصيراتي كه در اعمال اداري شركت مرتكب شوند موافق قواعد عمومي مسئول ميباشند مخصوصاً در موقعيكه منافع موهومي را تقسيم نمايند يا از تقسيم منافع موهومي جلوگيري نكنند.

## ۴ - مفتشین شرکت و وظایف آنها

ماده ۶۲ - مجمع عمومي ساليانه يك يا چند مفتش (كميسر) معين ميكند - مفتشين مزبور كه ممكن است از غير شركاء نيز انتخاب شوند مأموريت خواهند داشت كه در موضوع اوضاع عمومي شركت و همچنين در باب بيلان (خلاصه جمع و خرج) و صورتحسابهائيكه مديرها تقديم ميكنند راپرتي بمجمع عمومي سال آينده بدهند - تصميماتي كه بدون اين راپرت راجع بتصديق بيلان و صورتحسابهاي مديران اخذ ميشود معتبرنخواهد بود - در صورتيكه مجمع عمومي مفتشين مذكور را معين نكرده باشد يا يك يا چند نفر از مفتشيني كه معين شدهاند نتوانند راپرت بدهند يا ازدادن راپرت امتناع نمايند رئيس محكمه بدايت مركز اصلي شركت بتقاضاي هر ذيحقي و پس از احضار مديران شركت مفتشين را انتخاب و يا بجاي آنهايي كه نتوانستهاند يا امتناع كردهاند مفتشين جديدي معين ميكند.

ماده ۶۳ - در ظرف سه ماه قبل از تاریخي که بموجب اساسنامه شرکت براي انعقاد مجمع عمومي معین است مفتشین میتوانند بدفاتر شرکتمراجعه نموده و از عملیات آن تحقیقاتي بنمایند مفتشین میتوانند در مواقعیکه ضرورت فوري دارد مجمع عمومي را دعوت نمایند.

ماده ۶۴ - حدود مسئولیت مفتشین و اثرات آن همان است که راجع بحدود مسئولت (مسئولیت) وکلاء و اثرات آن در مقابل موکلین قانوناً معین است. ماده ۶۵ - مجمع عمومي شركت بايد لااقل سالي يك دفعه در موقعيكه بموجب اساسنامه معين است منعقد شود.

ماده ۶۶ - اساسنامه معين ميكند براي حق ورود در مجمع چند سـهم (بعنوان وكالت يا مالكيت) بايد داشت.

ماده ۶۷ - عده آرائي كه هر يك از شركاء به نسبت عده سـهام خود دارند بموجب اسـاسـنامه معين ميگردد.

ماده ۶۸ - در جلسات مجمع عمومي هيچكدام از صاحبان سهام معمولي و صاحبان سهام ممتازه از حيث رأي تفاوتي ندارند مگر اينكه اساسنامه شركت طور ديگر مقرر كرده باشـد.

ماده ۶۹ - دارندگان سهامي که عده سهام هر يك از آن ها براي حضور يا رأي در مجمع عمومي کافي نيست ميتوانند باندازة که مجموع عده سهام آنها براي داشتن حق حضور و رأي کافي باشد با يکديگر متفق شده يك نفر را از ميان خود براي حضور و رأي در مجمع مذکور معين نمايند.

ماده ۷۰ - در مجامع عمومي که براي رسيدگي بسهمالشرکه و مزايا مطابق ماده (۴) و در مجامعيکه براي تعيين اولين مديرها و مفتشين وتصديق اظهارات مؤسسين مطابق ماده (۴) منعقد ميشود کليه صاحبان سهام قطع نظر از عده سهامي که دارند ميتوانند حضور بهمرسانند.

ماده ۷۱ - مجمع عمومي شرکت جز در موارد مذکور در مواد (۴ و ۴۵ و ۷۴) بايد مرکب از يك عده صاحبان سهامي باشد که لااقل ثلث سرمايه شرکت را دارا باشند و اگر در دفعه اول اين حد نصاب حاصل نشد مجمع عمومي جديدي مطابق شرايط مقرر در اساسنامه شرکت تشکيل و تصميمات اين مجمع قطعي خواهد بود ولو اينکه حد نصاب فوق حاصل نشود.

ماده ۷۲ - تصمیمات مجمع عمومي باکثریت آراء خواهد بود.

ماده ۷۳ - در موارديكه مجمع عمومي شركاء نسبت بحقوق نوع مخصوصي از سهام تصميمي نمايد كه تغييري در حقوق آنها بدهد آن تصميم قطعي نخواهد بود مگر بعد از آنكه صاحبان سهام مزبوره در جلسه خاصي آن تصميم را تصويب نمايند و براي اينكه آراءِ جلسه خاص مذكور معتبرباشد بايد حاضرين جلسه لااقل صاحب بيش از نصف سرمايه مجموع سهامي باشد كه موضوع مذاكره است.

ماده ۷۴ - در مجامع عمومي که براي امتداد مدت شرکت يا براي انحلال شرکت قبل از موعد مقرر يا هر نوع تغيير ديگري در اساسنامه تشکيل ميشود بايد عدة از صاحبان سهام که بيش از سه ربع سرمايه شرکت را دارا باشند حاضر گردند.

اگر در مجمع عمومي عدة كه سـه ربع سـرمايه شـركت را دارا باشـند حاضر نشـدند ممكن اسـت مجمع عمومي جديدي دعوت كرد مشـروط بر اينكه لااقل يكماه قبل از انعقاد مجمع دو دفعه متوالي بفاصله هشـت روز بوسـيله يكي از جرايد محل (كه سـاليانه از طرف وزارت عدليه معين ميشـود) دسـتورجلسـه قبل و نتيجه آن اعلان گردد.

مجمع عمومي جديد وقتي قانوني است كه صاحبان لااقل نصف سرمايه شركت حاضر باشند اگر اين حد نصاب حاصل نشد ممكن است با رعايت تشريفات فوق مجمع عمومي ديگري دعوت نمود اين مجمع با حضور صاحبان لااقل ثلث سرمايه شركت حق تصميم خواهد داشت در هر يك از سـهمجمع فوق تصميمات باكثريت دو ثلث آراءِ حاضر گرفته ميشود. در اين مجامع كليه صاحبان سهام قطع نظر از عده سهام خود حق حضور و بنسبت هر يك سهم يك رأي دارند ولو اينكه اساسنامه برخلاف اين مقررداشته باشد.

هيچ مجمع عمومي تابعيت شركت را نميتواند تغيير بدهد.

بر تعهدات صاحبان سهام با هيچ اكثريتي نميتوان افزود.

ماده ۷۵ - در مجمع عمومي ورقه حاضر و غائبي خواهد بود حاوي اسم و محل اقامت و عده سهام هر يك از شركاء ورقه مزبور پس از تصديقهيئت رئيسه مجمع در مركز شركت حفظ و بهر كسي تقاضا نمايد ارائه ميشود.

۶ - در تبدیل سهام

ماده ۷۶ - هر گاه شرکت بخواهد بموجب مقررات اساسنامه سهام بياسم خود را بسهام بااسم تبديل نمايد بايد اعلاني در اين موضوع منتشر کرده و مهلتي که کمتر از ششماه نباشد بصاحبان سهام بدهد تا در ظرف مهلت مزبور سهام خود را بسهام جدید تبدیل نمایند.

ماده ۷۷ - اعلان مذكور در فوق بايد در مجله رسمي عدليه و در يكي از جرايد كثيرالانتشار مركز اصلي شركت دو دفعه و بفاصله ده روز منتشرشود در صورتيكه مركز اصلي شركت در خارج از طهران.( تهران) باشد بايد در يكي از روزنامههاي يوميه طهران.( تهران) كه همهساله از طرف وزارت عدليه براي انتشاراين قبيل اعلانات معين ميشود نيز منتشر گردد.

ابتداء مهلت از تاریخ اولین انتشار اعلان در مجله رسمي خواهد بود.

ماده ۷۸ - هر صاحب سهمي که سهام خود را تا انقضاءِ مهلت مذکور در ماده (۷) بسهام جدید تبدیل نکند دیگر نميتواند تقاضاي تبدیل نماید وشرکت حق خواهد داشت سهام جدیدي را که در ازاءِ سهام تبدیل نشده موجود میباشد باشخاص دیگر بطریق مزایده بفروشد.

ماده ۷۹ - قيمت سهامي كه بطريق مذكور در فوق فروخته ميشود در مركز اصلي شركت يا در بانك ملي ايران وديعه گذاشته خواهد شد و هر گاهدر ظرف ده سال از تاريخ فروش سهام صاحب سهم سهام سابق خود را نداده و وجهي را كه بطريق فوق امانت گذاشته شده است مطالبه ننمايد نسبتبحق او مرور زمان حاصل شده و وجه مزبور در حكم اموال بلاصاحب بوده و مدير شركت مكلف است آنرا بمقامات صلاحيتدار تسليم نمايد - هرمدير شركت كه باين تكليف عمل نكند بتأديه سه برابر وجه مذكور محكوم خواهد شد.

ماده ۸۰ - در صورتيكه شركت بخواهد سهام با اسم خود را بسهام بياسم تبديل نمايد بايد مراتب را بطريقي كه فوقاً مقرر است يكمرتبهاعلان نمايد و اگر در ظرف مهلتي كه معين ميشود و نبايد كمتر از دو ماه باشد صاحبان سهام سهام بااسم خود را بسهام بياسم تبديل نكنند سهام بااسمي كه در دست آنها باقي ميماند باطل و سهام جديد در مركز اصلي شركت به اسم آنها وديعه خواهد بود.

ماده ۸۱ - در هر موقع که شرکت بخواهد تصدیقهاي موقتي را که به اشخاص داده تبدیل بسهام کند در مورد تصدیقهاي موقتي بياسـم مطابقمقررات مواد (۷۶) و (۷۷) و (۷۸) و (۷۹) و در مورد تصدیق موقتي با اسـم مطابق ماده (۸) رفتار خواهد شـد.

۷ - بطلان شرکت و یا بطلان اعمال و تصمیمات آن

ماده ۸۲ - هر شرکت سهامي که مقررات يکي از مواد۲۸ - ۲۹ - ۳۶ - ۳۷ - ۳۸ - ۳۹ - ۴۱ - ۴۴ - ۴۵ - ۴۶ - ۴۷ - ۵۰ اينقانون را رعايت نکرده باشد از درجه اعتبار ساقط و بلااثر خواهد بود ليکن شرکاءِ نميتوانند در مقابل اشخاص خارج باين بطلان استناد نمايند.

ماده ۸۳ - در هر مورد که موافق مقررات ماده قبل محکمه بر بطلان شرکت یا اعمال و تصمیمات آن حکم کند مؤسسینی که مسئول این بطلانهستند و همچنین مفتشین و مدیرهائی که در حین حدوث سبب بطلان یا بلافاصله پس از آن سر کار بوده و انجام وظیفه نکردهاند متضامناً مسئولخساراتی خواهند بود که از این بطلان بصاحبان سهام و اشخاص ثالثی متوجه میشود همین مسئولیت ممکن است بشرکائی متوجه شود که سهم غیر نقدی آنها تقویم و تصویب نشده یا مزایائی که مطالبه کردهاند بتصدیق نرسیده باشد.

ماده ۸۴ - هر گاه قبل از اقامه دعوي براي ابطال شرکت یا براي ابطال عملیات و قراردادهاي شرکت موجبات بطلان مرتفع شود دعواي ابطال درمحکمه پذیرفته نخواهد شد.

ماده ۸۵ - اگر از تاریخ رفع موجبات بطلان یکسال منقضی شده و اشخاص خارج از جهت معاملاتیکه با ایشان شده است باستناد اموری کهموجب بطلان بوده دعوای خسارت نکرده باشند دیگر دعوی مزبور از آنها پذیرفته نمیشود.

ماده ۸۶ - هر گاه مقرر شده باشد كه مجمع عمومي مخصوصي براي رفع موجبات بطلان منعقد شود و دعوت اعضاء نيز براي انعقاد مجمع موافقاساسنامه بعمل آمده باشد دعواي بطلان از تاريخ دعوت مجمع در محكمه پذيرفته نخواهد شد مگر اينكه مجمع مزبور موجبات بطلان را رفع ننمايد.

ماده ۸۷ - هر گاه از تاریخ حدوث سبب بطلان شرکت ده سال گذشته و اقامه دعوی بطلان و خسارت نشده باشد دیگر دعوی مذکور پذیرفته نخواهد شد.

ماده ۸۸ - استرداد منافعي كه بين شركاء تقسيم شده ممكن نيست مگر اينكه تقسيم بدون ترتيب صورت دارائي يا مخالف نتيجه حاصل از صورتمزبور بعمل آمده باشد در اينصورت نيز فقط تا پنجسال اقامه دعوي استرداد ميتوان نمود. مبداءِ مرور زمان روز تقسيم منافع است.

8- مقررات جزائي

ماده ۸۹ - هر کس سهام یا قطعات سهام شرکتي را که در مورد آن یکي از مواه۲۸ - ۲۹ - ۳۶ - ۳۷ - ۳۳ - ۳۹ و ۵۰ این قانون رعایت نشده صادر نماید به پانصد الي ده هزار ریال جزاي نقدي علاوه بر خسارات وارده بشرکت یا افراد محکوم خواهد شـد. در مواردیکه عمل مشمول ماده۲۳۸مافانون مجازات عمومي است مرتکب بمجازات مقرر در آن ماده نیز محکوم میشود.

ماده ۹۰ - حكم فوق درباره اشخاصي نيز مقرر است كه برخلاف واقع خود را صاحب سهام يا قطعات سهام قلمداد كرده و در مجمع عمومي واردشوند يا در دادن رأي شركت نمايند و يا سهامي را براي اينكه بطور تقلب استعمال شود بديگري بدهند. در مورد اين ماده علاوه بر جزاي نقديمتخلف را ميتوان بيك تا ششماه حبس تأديبي نيز محكوم نمود. ماده ۹۱ - هر كس سهام يا قطعات سهامي را كه در مورد آن ها مقررات يكي از موا۲۸ - ۲۹ - ۳۸ و ۳۹ رعايت نشده با علم بعدم رعايت قانون معامله كرده يا شركت در معامله داشته و يا قيمت آنها را اعلان نموده باشد به پانصد الي ده هزار ريال جزاي نقدي محكوم خواهد شد.

مقررات این ماده مانع نخواهد بود که اگر عمل مشمول ماده۳۳۸ قانون مجازات عمومی باشد مرتکب بمجازات حبس مذکور در آن ماده نیز محکوم شود.

ماده ۹۲ - اشخاص ذیل کلاه بردار( کلاهبردار) محسوب میشوند:

۱ - هر كس برخلاف حقيقت مدعي وقوع تعهد ابتياع سهام يا تأديه قيمت سهام شده يا وقوع تعهد و يا تأدية را كه واقعيت ندارد اعلام يا جعلياتي منتشر كند كه به اين وسايل ديگري را وادار بتعهد خريد سهام يا تأديه قيمت سهام نمايد اعم از اينكه عمليات مذكور مؤثر شده يا نشده باشد.

۲ - هر کس بطور تقلب براي جلب تعهد يا پرداخت قيمت سهام اسم اشخاصي را برخلاف واقع بعنواني از عناوين جزءِ شرکت قلمداد نمايد.

٣ - مديرهائي كه با نبودن صورت دارائي يا باستناد صورت دارائي مزوّر منافع موهومي را بين صاحبان سهام تقسيم نموده باشند.

۹ - در انحلال شرکت

ماده ۹۳ - شرکت سهامي در موارد ذيل منحل ميشود:

۱ - وقتيكه شركت مقصودي را كه براي آن تشكيل شـده بود انجام داده يا انجام آن غير ممكن شـده باشـد.

۲ - وقتیکه شرکت برای مدت معینی تشکیل و مدت منقضی شده باشد.

۳ - در صورتیکه شرکت ورشکست شود.

۴ - در صورت تصمیم مجمع عمومي.

مبحث دوم - شرکت با مسئولیت محدود

ماده ۹۴ - شركت با مسئوليت محدود شركتي است كه بين دو يا چند نفر براي امور تجارتي تشكيل شده و هر يك از شركاء بدون اينكه سرمايه بسهام يا قطعات سهام تقسيم شده باشد - فقط تا ميزان سرمايه خود در شركت مسئول قروض و تعهدات شركت است.

ماده ۹۵ - در اسم شرکت باید عبارت (با مسئولیت محدود) قید شود و الا آن شرکت در مقابل اشخاص ثالث شرکت تضامنی محسوب و تابعمقررات آن خواهد بود.

اسم شرکت نباید متضمن اسم هیچیك از شرکاء باشد و الا شریکي که اسم او در اسم شرکت قید شده در مقابل اشخاص ثالث حکم شریك ضامن درشرکت تضامني را خواهد داشت.

ماده ۹۶ - شرکت با مسئولیت محدود وقتي تشکیل میشود که تمام سرمایه نقدي تأدیه و سهمالشرکه غیر نقدي نیز تقویم و تسلیم شده باشد. ماده ۹۷ - در شرکتنامه باید صراحتاً قید شده باشد که سهمالشرکههای غیر نقدی هر کدام بچه میزان تقویم شده است.

ماده ۹۸ - شركاء نسبت به قيمتي كه در حين تشكيل شركت براي سهمالشركههاي غير نقدي معين شده در مقابل اشخاص ثالث مسئوليت تضامنيدارند.

ماده ۹۹ - مرور زمان دعاوي ناشـي از مقررات فوق ده سـال از تاريخ تشكيل شركت اسـت.

ماده ۱۰۰ - هر شرکت با مسئولیت محدود که برخلاف مواد۹۶ و ۹۷ تشکیل شده باشد باطل و از درجه اعتبار ساقط است لیکن شرکاء در مقابل اشخاص ثالث حق استناد باین بطلان ندارند.

ماده ۱۰۱ - اگر حكم بطلان شركت باستناد ماده قبل صادر شود شركائي كه بطلان مستند بعمل آنها است و هيئت نظار و مديرهائي كه در حين حدوث سبب بطلان يا بلافاصله پس از آن سر كار بوده و انجام وظيفه نكردهاند در مقابل شركاءِ ديگر و اشخاص ثالث نسبت بخسارات ناشيه از اين بطلان متضامناً مسئول خواهند بود.

مدت مرور زمان ده سال از تاریخ حدوث موجب بطلان است.

ماده ۱۰۲ - سـهمالشـرکه شـرکاء نميتواند بشـکل اوراق تجارتي قابل انتقال اعم از بااسـم يا بـياسـم و غيره درآيد. سـهمالشـرکه را نميتوان منتقل بغير نمود مگر با رضايت عدة از شـرکاء که لااقل سـه ربع سـرمايه متعلق به آنها بوده و اکثريت عـدي نيز داشـته باشـند.

ماده ۱۰۳ - انتقال سـهمالشـركه بعمل نخواهد آمد مگر بموجب سـند رسـمي.

ماده ۱۰۴ - شرکت با مسئولیت محدود بوسیله یك یا چند نفر مدیر موظف یا غیر موظف که از بین شرکاء یا از خارج براي مدت محدود یانامحدودي معین میشوند اداره میگردد.

ماده ۱۰۵ - مدیران شرکت کلیه اختیارات لازمه را براي نمایندگي و اداره شرکت خواهند داشت مگر اینکه در اساسنامه غیر این ترتیب مقرر شده باشد هر قرارداد راجع به محدود کردن اختیارات مدیران که در اساسنامه تصریح به آن نشده در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است.

ماده ۱۰۶ - تصميمات راجعه بشركت بايد باكثريت لااقل نصف سرمايه اتخاذ شود - اگر در دفعه اولي اين اكثريت حاصل نشد بايد تمام شركاءمجدداً دعوت شوند در اينصورت تصميمات باكثريت عددي شركاء اتخاذ ميشود اگر چه اكثريت مزبور داراي نصف سرمايه نباشـد. اساسـنامه شـركتميتواند ترتيبي برخلاف مراتب فوق مقرر دارد.

ماده ۱۰۷ - هر يك از شركاء به نسبت سـهمي كه در شركت دارد داراي رأي خواهد بود مگر اينكه اسـاسـنامه ترتيب ديگري مقرر داشـته باشـد. ماده ۱۰۸ - روابط بین شرکاء تابع اساسنامه است - اگر در اساسنامه راجع به تقسیم نفع و ضرر مقررات خاصی نباشد تقسیم مزبور بنسبت سرمایه شرکاء بعمل خواهد آمد.

ماده ۱۰۹ - هر شرکت با مسئولیت محدود که عده شرکاءِ آن بیش از دوازده نفر باشد باید دارای هیئت نظار بوده و هیئت مزبور لااقل سالی یکمرتبهمجمع عمومی شرکاء را تشکیل دهد.

هیئت نظار باید بلافاصله بعد از انتخاب شدن تحقیق کرده و اطمینان حاصل کند که دستور موا۹۶ و ۹۷ رعایت شده است.

هیئت نظار میتواند شرکاء را براي انعقاد مجمع عمومي فوقالعاده دعوت نماید مقررات موا۱۶۵ - ۱۶۷ - ۱۶۸ و ۱۷۰ در مورد شرکتهاي با مسئوليت محدود نيز رعايت خواهد شـد.

ماده ۱۱۰ - شـركاء نميتوانند تابعيت شـركت را تغيير دهند مگر باتفاق آراء.

ماده ۱۱۱ - هر تغییر دیگري راجع باسـاسـنامه باید باکثریت عددي شـرکاء که لااقل سـه ربع سـرمایه را نیز دارا باشـند بعمل آید مگر اینکه دراسـاسـنامه اکثریت دیگري مقرر شـده باشـد.

ماده ۱۱۲ - در هیچ مورد اکثریت شرکاء نمیتواند شریکی را مجبور بازدیاد سهمالشرکه خود کند.

ماده ۱۱۳ - مفاد ماده ۷۸ این قانون راجع به تشکیل سرمایه احتیاطي در شرکت هاي با مسئولیت محدود نیز لازمالرعایه است.

ماده ۱۱۴ - شرکت با مسئولیت محدود در موارد ذیل منحل میشود:

- الف) در مورد فقرات ۱ ۲ ۳ ماده ۹۳.
- ب) در صورت تصمیم عدة از شرکاء که سهمالشرکه آنها بیش از نصف سرمایه شرکت باشد.
- ج) در صورتیکه بواسطه ضررهای وارده نصف سرمایه شرکت از بین رفته و یکی از شرکاء تقاضای انحلال کرده و محکمه دلایل او را موجّهدیده و سایر شرکاء حاضر نباشند سهمی را که در صورت انحلال به او تعلق میگیرد پرداخته و او را از شرکت خارج کند
  - د) در مورد فوت یکي از شرکاء اگر بموجب اساسنامه پیشبیني شده باشد.

ماده ۱۱۵ - اشخاص ذیل کلاه بردار (کلاهبردار) محسوب میشوند:

- الف) مؤسسین و مدیراني که برخلاف واقع پرداخت تمام سهمالشرکه نقدي و تقویم و تسلیم سهمالشرکه غیر نقدي را در اوراق و اسنادي که باید براي ثبت شرکت بدهند اظهار کرده باشند.
  - ب) كساني كه بوسيله متقلبانه سهمالشركه غير نقدي را بيش از قيمت واقعي آن تقويم كرده باشند.
  - ج) مدیراني که با نبودن صورت دارائي یا با استناد صورت دارائي مزوّر منافع موهومي را بین شرکاء تقسیم کنند.

مبحث سوم - شركت تضامني

ماده ۱۱۶ - شركت تضامني شركتي است كه در تحت اسم مخصوصي براي امور تجارتي بين دو يا چند نفر با مسئوليت تضامني تشكيل ميشود: اگر دارائي شركت براي تأديه تمام قروض كافي نباشـد هر يك از شـركاء مسـئول پرداخت تمام قروض شـركت اسـت.

هر قراري كه بين شركاء برخلاف اين ترتيب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث كان لم يكن خواهد بود.

ماده ۱۱۷ - در اسم شرکت تضامني بايد عبارت (شرکت تضامني) و لااقل اسم يك نفر شرکاء ذکر شود.

در صورتي كه اسم شركت مشتمل بر اسامي تمام شركاء نباشـد بايد بعد از اسـم شـريك يا شـركائي كه ذكر شـده اسـت عبارتي از قبيل (و شـركاء) يا (وبرادران) قيد شـود.

ماده ۱۱۸ - شرکت تضامني وقتي تشکيل ميشود که تمام سرمايه نقدي تأديه و سهمالشرکه غير نقدي نيز تقويم و تسليم شده باشد.

ماده ۱۱۹ - در شرکت تضامني منافع به نسبت سهمالشرکه بين شرکاء تقسيم ميشود مگر آنکه شرکتنامه غير از اين ترتيب را مقرر داشته باشد.

ماده ۱۲۰ - در شرکت تضامني شرکاء بايد لااقل يك نفر از ميان خود يا از خارج بسمت مديري معين نمايند.

ماده ۱۲۱ - حدود مسئولیت مدیر یا مدیران شرکت تضامنی همان است که در ماده۵۱ مقرر شده.

ماده ۱۲۲ - در شرکتهاي تضامني اگر سهمالشرکه يك يا چند نفر غير نقدي باشد بايد سهمالشرکه مزبور قبلاً بتراضي تمام شرکاء تقويم شود.

ماده ۱۲۳ - در شرکت تضامني هيچيك از شركاء نميتواند سـهم خود را بديگري منتقل كند مگر برضايت تمام شركاء.

ماده ۱۲۴ - مادام که شرکت تضامني منحل نشده مطالبه قروض آن بايد از خود شرکت بعمل آيد و پس از انحلال طلبکاران شرکت ميتوانند براي وصول مطالبات خود بهر يك از شرکاء که بخواهند و يا بتمام آنها رجوع کنند و در هر حال هيچيك از شرکاء نميتواند باستناد اينکه ميزان قروض شرکت از ميزان سهم او در شرکت تجاوز مينمايد از تأديه قروض شرکت امتناع ورزد فقط در روابط بين شرکاء مسئوليت هر يك از آنها در تأديه قروض شرکت بنسبت سرماية خواهد بود که در شرکت گذاشته است آنهم در صورتي که در شرکتنامه ترتيب ديگري اتخاذ نشده باشد.

ماده ۱۲۵ - هر کس بعنوان شریك ضامن در شرکت تضامني موجودي داخل شود متضامناً با سایر شرکاء مسئول قروضي هم خواهد بود کهشرکت قبل از ورود او داشته اعم از اینکه در اسم شرکت تغییري داده شده یا نشده باشد.

هر قراري كه بين شركاء برخلاف اين ترتيب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث كان لم يكن خواهد بود.

ماده ۱۲۶ - هر گاه شرکت تضامني منحل شود مادام که قروض شرکت از دارائي آن تأدیه نشده هیچیك از طلبکاران شخصي شرکاء حقي در آندارائي نخواهد داشت اگر دارائي شرکت براي پرداخت قروض آن کفايت نکند طلبکاران شرکت حق دارند بقیه طلب خود را از تمام یا فرد فرد شرکاءِ ضامن مطالبه کنند ولي در این مورد طلبکاران شرکت بر طلبکاران شخصي شرکاء حق تقدم نخواهند داشت.

ماده ۱۲۷ - بورشکستگي شرکت تضامني بعد از انحلال نيز ميتوان حکم داد مشروط باينکه دارائي شرکت تقسيم نشده باشـد.

ماده ۱۲۸ - ورشکستگي شرکت ملازمه قانوني با ورشکستگي شرکاء و ورشکستگي بعضي از شرکاء ملازمه قانوني با ورشکستگي شرکت ندارد.

ماده ۱۲۹ - طلبكاران شخصي شركاء حق ندارند طلب خود را از دارائي شركت تأمين يا وصول كنند ولي ميتوانند نسبت بسهميه مديون خود ازمنافع شركت يا سهمي كه در صورت انحلال شركت ممكن است بمديون مزبور تعلق گيرد هر اقدام قانوني كه مقتضي باشد بعمل آورند.

طلبكاران شخصي شركاء در صورتيكه نتوانسته باشند طلب خود را از دارائي شخصي مديون خود وصول كنند و سـهم مديون از منافع شـركت كافي براي تأديه طلب آنها نباشـد ميتوانند انحلال شـركت را تقاضا نمايند (اعم از اينكه شـركت براي مدت محدود يا غير محدود تشكيل شـده باشـد) مشـروط بر اينكه لااقل شـش ماه قبل قصد خود را بوسـيله اظهارنامه رسـمي باطلاع شـركت رسـانيده باشـند در اينصورت شـركت يا بعضي از شـركاء ميتوانند مادام كه حكم نهائي انحلال صادر نشـده با تأديه طلب دائنين مزبور تا حد دارائي مديون در شـركت يا با جلب رضايت آنان بطريق ديگر از انحلالشـركت جلوگيري كنند.

ماده ۱۳۰ - نه مديون شركت ميتواند در مقابل طلبي كه ممكن است از يكي از شركاء داشته باشد استناد به تهاتر كند نه خود شريك ميتواند درمقابل قرضي كه ممكن است طلبكار او بشركت داشته باشد به تهاتر استناد نمايد معذالك كسي كه طلبكار شركت و مديون بيكي از شركاء بوده وپس از انحلال شركت طلب او لاوصول مانده در مقابل آن شركت حق استناد به تهاتر خواهد داشت.

ماده ۱۳۱ - در صورت ورشكستگي يكي از شركاء و همچنين در صورتيكه يكي از طلبكاران شخصي يكي از شركاء بموجب ماده ۱۲۹ انحلالشركت را تقاضا كرده ساير شركاء ميتوانند سهمي آن شريك را از دارائي شركت نقداً تأديه كرده و او را از شركت خارج كنند.

ماده ۱۳۲ - اگر در نتیجه ضررهای وارده سهمالشرکه شرکاء کم شود مادام که این کمبود جبران نشده تأدیه هر نوع منفعت بشرکاء ممنوع است.

ماده ۱۳۳ - جز در مورد فوق هیچ یك از شركاء را شركت نميتواند بتكمیل سرمایة كه بعلت ضررهاي وارده كم شده است ملزم كرده و یا او رامجبور نماید بیش از آنچه كه در شركتنامه مقرر شده است بشركت سرمایه دهد.

ماده ۱۳۴ - هیچ شریکي نميتواند بدون رضایت سایر شرکاء (بحساب شخصي خود یا بحساب شخص ثالث) تجارتي از نوع تجارت شرکت نموده و یا بعنوان شریك ضامن یا شریك با مسئولیت محدود در شرکت دیگري که نظیر آن تجارت را دارد داخل شود.

ماده ۱۳۵ - هر شرکت تضامني ميتواند با تصويب تمام شرکاء بشرکت سهامي مبدل گردد در اينصورت رعايت تمام مقررات راجعه بشرکتسهامي حتمي است.

ماده ۱۳۶ - شرکت تضامني در موارد ذیل منحل ميشود:

- الف) در مورد فقرات ۱ ۲ ۳ ماده ۹۳.
  - ب) در صورت تراضي تمام شركاء:
- ج) در صورتي كه يكي از شركاء بدلائلي انحلال شركت را از محكمه تقاضا نمايد و محكمه آن دلائل را موجّه دانسته و حكم بانحلال بدهد.
  - د) در صورت فسخ یکي از شرکاء مطابق ماده۱۳۷۸.
  - ه) در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء مطابق ماده۱۳۸.
  - و) در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکاء مطابق موا۱۳۹ و ۱۴۰.

تبصره - در مورد بند (ج) هر گاه دلائل انحلال منحصراً مربوط بشريك يا شركاء معيني باشد محكمه ميتواند بتقاضاي ساير شركاء بجاي انحلال حكم اخراج آن شريك يا شركاي معين را بدهد.

ماده ۱۳۷ - فسخ شرکت در صورتي ممکن است که در اساسنامه اين حق از شرکاء سلب نشده و ناشي از قصد اضرار نباشد - تقاضاي فسخ بايد شش ماه قبل از فسخ کتباً بشرکاء اعلام شود.

اگر موافق اساسنامه باید سال بسال بحساب شرکت رسیدگی شود فسخ در موقع ختم محاسبه سالیانه بعمل میآید.

ماده ۱۳۸ - در مورد ورشکستگي یکي از شرکاء انحلال وقتي صورت ميگيرد که مدير تصفيه کتباً تقاضاي انحلال شرکت را نموده و از تقاضايمزبور شـش ماه گذشـته و شرکت مدير تصفيه را از تقاضاي انحلال منصرف نکرده باشـد.

ماده ۱۳۹ - در صورت فوت يكي از شركاء بقاءِ شركت موقوف برضايت ساير شركاء و قائممقام متوفي خواهد بود - اگر ساير شركاء ببقاءِ شركتتصميم نموده باشند قائممقام متوفي بايد در مدت يكماه از تاريخ فوت رضايت يا عدم رضايت خود را راجع ببقاءِ شركت كتباً اعلام نمايد در صورتيكه قائممقام متوفي رضايت خود را اعلام نمود نسبت باعمال شركت در مدت مزبور از نفع و ضرر شريك خواهد بود ولي در صورت اعلام عدمرضايت در منافع حاصله در مدت مذكور شريك بوده و نسبت بضرر آن مدت سهيم نخواهد بود.

سكوت تا انقضاي يكماه در حكم اعلام رضايت است.

ماده ۱۴۰ - در مورد محجوریت یکي از شـرکاء مطابق مدلول ماده فوق عمل خواهد شـد.

مبحث چهارم - در شرکت مختلط غیر سهامي

ماده ۱۴۱ - شرکت مختلط غیر سهامي شرکتي است که براي امور تجارتي در تحت اسم مخصوصي بین یك یا چند نفر شریك ضامن و یك یا چند نفر شریك با مسئولیت محدود بدون انتشار سهام تشكیل میشود.

شریك ضامن مسئول كلیه قروضي است كه ممكن است علاوه بر دارائي شركت پیدا شود - شریك با مسئولیت محدود كسـي اسـت كه مسئولیت اوفقط تا میزان سرمایة اسـت كه در شركت گذارده و یا بایسـتي بگذارد. در اسم شركت بايد عبارت (شركت مختلط) و لااقل اسم يكي از شركاءِ ضامن قيد شود.

ماده ۱۴۲ - روابط بین شرکاء با رعایت مقررات ذیل تابع شرکتنامه خواهد بود.

ماده ۱۴۳ - هر یك از شركاءِ با مسئولیت محدود كه اسمش جزءِ اسم شركت باشد در مقابل طلبكاران شركت شریك ضامن محسوب خواهد شد.

هر قراري كه برخلاف اين ترتيب بين شركاء داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث بياثر است.

ماده ۱۴۴ - اداره شرکت مختلط غیر سهامی بعهده شریك یا شرکای ضامن و حدود اختیارات آنها همان است که در مورد شرکاءِ شرکت تضامنی مقرر است.

ماده ۱۴۵ - شریك با مسئولیت محدود نه بعنوان شریك حق اداره كردن شركت را دارد نه اداره امور شركت از وظایف او است.

ماده ۱۴۶ - اگر شریك با مسئولیت محدود معاملة براي شركت كند - در مورد تعهدات ناشیه از آن معامله در مقابل طرف معامله حكم شریك ضامن را خواهد داشت مگر اینكه تصریح كرده باشد معامله را بسمت وكالت از طرف شركت انجام میدهد.

ماده ۱۴۷ - هر شریك با مسئولیت محدود حق نظارت در امور شرکت داشته و میتواند از روي دفاتر اسناد شرکت براي اطلاع شخص خود راجعبوضعیت مالي شرکت صورت خلاصه ترتیب دهد.

هر قراردادي كه بين شركاء برخلاف اين ترتيب داده شود از درجه اعتبار ساقط است.

ماده ۱۴۸ - هیچ شریك با مسئولیت محدود نمیتواند بدون رضایت سایر شركاء شخص ثالثی را با انتقال تمام یا قسمتی از سهمالشركه خود باوداخل در شركت كند.

ماده ۱۴۹ - اگر یك یا چند نفر از شركاء با مسئولیت محدود حق خود را در شركت بدون اجازه سایرین كلاً یا بعضاً بشخص ثالثي واگذار نمایند شخص مزبور نه حق دخالت در اداره شركت و نه حق تفتیش در امور شركت را خواهد داشت.

ماده ۱۵۰ - در مورد تعهداتي كه شركت مختلط غير سهامي ممكن است قبل از ثبت شركت كرده باشد شريك با مسئوليت محدود در مقابلاشخاص ثالث در حكم شريك ضامن خواهد بود مگر ثابت نمايد كه اشخاص مزبور از محدود بودن مسئوليت او اطلاع داشتهاند.

ماده ۱۵۱ - شريك ضامن را وقتي ميتوان شخصاً براي قروض شركت تعقيب نمود كه شركت منحل شده باشد.

ماده ۱۵۲ - هر گاه شرکت بطریقي غیر از ورشکستگي منحل شود و شریك با مسئولیت محدود هنوز تمام یا قسمتي از سـهمالشـرکه خود را نپرداخته و یا پس از تأدیه مسـترد داشـته اسـت طلبکاران شـرکت حق دارند معادل آنچه که از بابت سـهمالشـركه باقي مانده اسـت مسـتقيماً بر عليه شـريك بامسـئولت (مسـئوليت) محدود اقامه دعوي نمايند. اگر شـركت ورشـكسـت شـود حق مزبور را مدير تصفيه خواهد داشـت.

ماده ۱۵۳ - اگر در نتیجه قرارداد با شرکاءِ ضامن و یا در اثر برداشت قبلي از سرمایه شرکت شریك با مسئولیت محدود از سهمالشرکه خود که به ثبت رسیده است بکاهد این تقلیل مادام که به ثبت نرسیده و بر طبق مقررات راجعه به نشر شرکتها منتشر نشده است در مقابل طلبکاران شرکت معتبرنبوده و طلبکاران مزبور میتوانند براي تعهداتي که از طرف شرکت قبل از ثبت و انتشار تقلیل سرمایه بعمل آمده است تأدیه همان سرمایه اولیه شریك با مسئولیت محدود را مطالبه نمایند.

ماده ۱۵۴ - بشريك با مسئوليت محدود فرع نميتوان داد مگر در صورتي كه موجب كسر سرمايه او در شركت نشود.

اگر در نتیجه ضررهای وارده سهمالشرکه شریك با مسئولیت محدود کسر شد مادام که این کمبود جبران نشده تأدیه هر ربح یا منفعتی باو ممنوع است.

هر گاه وجهي برخلاف حكم فوق تأديه گرديد شريك با مسئوليت محدود تا معادل وجه دريافتي مسئول تعهدات شركت است مگر در مورديكه با حسن نيت و باعتبار بيلان مرتبي وجهي گرفته باشـد.

ماده ۱۵۵ - هر کس بعنوان شریك با مسئولیت محدود در شرکت مختلط غیر سهامي موجودي داخل شود تا معادل سهمالشرکه خود مسئول قروضي خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته خواه اسم شرکت عوض شده یا نشده باشد.

هر شرطي كه برخلاف اين ترتيب باشد در مقابل اشخاص ثالث كان لم يكن خواهد بود.

ماده ۱۵۶ - اگر شرکت مختلط غیر سهامي ورشکست شود دارائي شرکت بین طلبکاران خود شرکت تقسیم شده و طلبکاران شخصي شرکاء در آنحقي ندارند - سهمالشرکه شرکاء با مسئوليت محدود نيز جزو دارائي شرکت محسوب است.

ماده ۱۵۷ - اگر دارائي شرکت براي تأديه تمام قروض آن کافي نباشد طلبکاران آن حق دارند بقيه طلب خود را از دارائي شخصي تمام يا هر يك ازشرکاءِ ضامن وصول کنند در اين صورت بين طلبکاران شرکت و طلبکاران شخصي شرکاءِ ضامن تفاوتي نخواهد بود.

ماده ۱۵۸ - در صورت ورشکستگي يکي از شرکاء با مسئوليت محدود خود شرکت يا طلبکاران آن با طلبکاران شخصي شريك مزبور متساويالحقوق خواهند بود.

ماده ۱۵۹ - مقررات مواد ۱۲۹ و ۱۳۰ در شركتهاي مختلط غير سهامي نيز لازمالرعايه است.

ماده ۱۶۰ - اگر شریك ضامن بیش از یك نفر باشد مسئولیت آنها در مقابل طلبكاران و روابط آنها با یكدیگر تابع مقررات راجع بشركتهاي تضامني اسـت.

ماده ۱۶۱ - مقررات مواد ۱۳۶ - ۱۳۷ - ۱۳۸ - ۱۳۹ و ۱۴۰ در مورد شرکتهاي مختلط غير سهامي نيز جاري است.

مرگ یا محجوریت یا ورشکستگی شریك یا شرکاءِ با مسئولیت محدود موجب انحلال شرکت نمیشود.

## مبحث پنجم - شركت مختلط سهامي

ماده ۱۶۲ - شرکت مختلط سهامي شرکتي است که در تحت اسم مخصوصي بين يك عده شرکاءِ سهامي و يك يا چند نفر شريك ضامن تشكيل ميشود.

شركاء سهامي كساني هستند كه سرمايه آنها بصورت سهام يا قطعات سهام متساويالقيمه در آمده و مسئوليت آنها تا ميزان همان سرماية است كه درشركت دارند.

شريك ضامن كسـي اسـت كه سـرمايه او بصورت سـهام در نيامده و مسـئول كليه قروضي اسـت كه ممكن اسـت علاوه بر دارائي شـركت پيدا شـود درصورت تعدّد شـريك ضامن مسـئوليت آنها در مقابل طلبكاران و روابط آنها با يكديگر تابع مقررات شـركت تضامني خواهد بود.

ماده ۱۶۳ - در اسم شركت بايد عبارت (شركت مختلط) و لااقل اسم يكي از شركاءِ ضامن قيد شود.

ماده ۱۶۴ - مدیریت شرکت مختلف سهامي مخصوص به شریك یا شرکاءِ ضامن است.

ماده ۱۶۵ - در هر یك از شركت هاي مختلط سهامي هیئت نظاري لااقل مركب از سه نفر از شركاء برقرار میشود و این هیئت را مجمع عمومي شركاء بلافاصله بعد از تشكیل قطعي شركت و قبل از هر اقدامي در امور شركت معین میكند انتخاب هیئت بر حسب شرایط مقرر در اساسنامه شركت تجدید میشود در هر صورت اولین هیئت نظار براي یكسال انتخاب خواهد شد.

ماده ۱۶۶ - اولین هیئت نظار باید بعد از انتخاب شدن بلافاصله تحقیق کرده و اطمینان حاصل کند که تمام مقررات موا∆۲ - ۲۸ - ۳۹ - ۴۱ و ۵۰ این قانون رعایت شده است.

ماده ۱۶۷ - اعضاءِ هيئت نظار از جهت اعمال اداري و نتايج حاصله از آن هيچ مسئوليتي ندارند ليكن هر يك از آنها در انجام مأموريت خود بر طبققوانين معموله مملكتي مسئول اعمال و تقصيرات خود ميباشند.

ماده ۱۶۸ - اعضاءِ هيئت نظار دفاتر و صندوق و كليه اسناد شركت را تحت تدقيق در آورده همهساله راپورتي بمجمع عمومي ميدهند و هر گاه درتنظيم صورت دارائي بيترتيبي و خطائي مشاهده نمايند در راپورت مزبور ذكر نموده و اگر مخالفتي با پيشـنهاد مدير شـركت در تقسـيم منافع داشـته باشـند دلائل خود را بيان ميكنند.

ماده ۱۶۹ - هیئت نظار میتواند شرکاء را براي انعقاد مجمع عمومي دعوت نماید و با موافقت رأي مجمع مزبور بر طبق فقره (ب) ماده ۱۸۱ شرکترا منحل کند.

ماده ۱۷۰ - تا پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومي هر صاحب سهمي ميتواند (خود يا نماينده او) در مركز اصلي شركت حاضر شده از صورت بيلان و صورت دارائي و راپورت هيئت نظار اطلاع حاضر كند.

ماده ۱۷۱ - ورشکستگي هيچيك از شركاءِ ضامن موجب انحلال شرکت نخواهد شد مگر در مورد ماده/۱۳۸.

ماده ۱۷۲ - حكم مواد ۱۲۴ و ۱۳۴ در مورد شركت مختلط سهامي و شركاءِ ضامن آن جاري است.

ماده ۱۷۳ - هر گاه شرکت مختلط سهامي ورشکست شود شرکاءِ سهامي تمام قيمت سهام خود را نپرداخته باشند مدير تصفيه آنچه را که بر عهده آنها باقي است وصول ميکند.

ماده ۱۷۴ - اگر شرکت بطریقي غیر از ورشکستگي منحل شد هر یك از طلبکاران شرکت میتواند بهر یك از شرکاءِ سهامي که از بابت قیمت سهام خود مدیون شرکت است رجوع کرده در حدود بدهي آن شریك طلب خود را مطالبه نماید مادام که شرکت منحل نشده طلبکاران براي وصولطلب خود حق رجوع بهیچیك از شرکاءِ سهامي ندارند.

ماده ۱۷۵ - اگر شرکت مختلط ورشکست شد تا قروض شرکت از دارائي آن تأدیه نشده طلبکاران شخصي شرکاءِ ضامن حقي به دارائي شرکت ندارند.

ماده ۱۷۶ - مفاد مواد ۲۸ - ۲۹ - ۳۸ - ۳۹ و ۵۰ شامل شرکتهاي مختلط سهامي است.

ماده ۱۷۷ - هر شرکت مختلط سهامي که برخلاف مواد۲۸ - ۲۹ - ۳۹ و ۵۰ تشکیل شود باطل است لیکن شرکاء نميتوانند در مقابل اشخاصخارج باین بطلان استناد نمایند.

ماده ۱۷۸ - هر گاه شرکت بر حسب ماده قبل محکوم به بطلان شود مطابق ماده۱۰۱ رفتار خواهد شد.

ماده ۱۷۹ - مفاد مواد ۸۴ - ۸۵ - ۸۶ - ۸۷ این قانون در مورد شرکت هاي مختلط نيز بايد رعايت شود.

ماده ۱۸۰ - مفاد مواد ۸۹ - ۹۰ - ۹۱ و ۹۲ این قانون در مورد شرکت مختلط نیز لازمالرعایه است.

ماده ۱۸۱ - شرکت مختلط در موارد ذیل منحل میشود:

- الف) در مورد فقرات ۱ ۲ ۳ ماده ۹۳.
- ب) بر حسب تصمیم مجمع عمومي در صورتي که در اساسنامه این حق براي مجمع مذکور تصریح شده باشد.
  - ج) بر حسب تصميم مجمع عمومي و رضايت شركاءِ ضامن.
- د) در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکاءِ ضامن مشروط بر اینکه انحلال شرکت در این موارد در اساسنامه تصریح شده باشـد.

در مورد فقرات (ب) و (ج) حکم ماده۷۲ جاري است.

ماده ۱۸۲ - هر گاه در اساسنامه براي مجمع عمومي حق تصميم بانحلال معين نشده و بين مجمع عمومي و شركاءِ ضامن راجع بانحلال موافقت حاصل نشود و محكمه دلائل طرفداران انحلال را موجّه ببيند حكم بانحلال خواهد داد. همين حكم در موردي نيز جاري است كه يكي از شركاءِ ضامن بدلائلي انحلال شركت را از محكمه تقاضا نموده و محكمه آن دلائل را موجّه سند.

مبحث ششم - شركت نسبي

ماده ۱۸۳ - شرکت نسبي شرکتي است که براي امور تجارتي در تحت اسم مخصوصي بين دو يا چند نفر تشکيل و مسئوليت هر يك از شرکاء بنسبت سرمايهايست که در شرکت گذاشته.

ماده ۱۸۴ - در اسم شرکت نسبي عبارت (شرکت نسبي) و لااقل اسم يکنفر از شرکاء بايد ذکر شود - در صورتي که اسم شرکت مشتمل بر اسامي تمام شرکاء نباشد بعد از اسم شريك يا شرکائي که ذکر شده عبارتي از قبيل (و شرکاء) (و برادران) ضروري است.

ماده ۱۸۵ - دستور ماده ۱۱۸ - ۱۱۹ - ۱۲۰ - ۱۲۱ - ۱۲۲ - ۱۲۳ در مورد شرکت نسبي نيز لازمالرعايه است.

ماده ۱۸۶ - اگر دارائي شرکت نسبي براي تأديه تمام قروض شرکت کافي نباشـد هر يك از شـرکاء بنسـبت سـرماية که در شـرکت داشـته مسـئول تأديه قروض شـرکت اسـت.

ماده ۱۸۷ - مادام که شرکت نسبی منحل نشـده مطالبه قروض آن باید از خود شـرکت بعمل آید فقط پس از انحلال طلبکاران میـتوانند با رعایتماده فوق بفرد فرد شـرکاء مراجعه کنند.

ماده ۱۸۸ - هر کس بعنوان شریك ضامن در شرکت نسبي موجودي داخل شود بنسبت سرمایة که در شرکت میگذارد مسئول قروضي همخواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته اعم از اینکه در اسم شرکت تغییري داده شده یا نشده باشد.

قرار شركاء برخلاف اين ترتيب نسبت باشخاص ثالث اثر ندارد.

ماده ۱۸۹ - مفاد ماده ۱۲۶ (جز مسئولیت شرکاء که بنسبت سرمایه آنها است) و مواد۱۲۷ تا ۱۳۶ در شرکت های نسبی نیز جاری است.

مبحث هفتم

شركتهاي تعاوني توليد و مصرف

ماده ۱۹۰ - شرکت تعاوني تولید شرکتي است که بین عدة از ارباب حرف تشکیل میشود و شرکاء مشاغل خود را براي تولید و فروش اشیاء یااجناس بکار میبرند.

ماده ۱۹۱ - اگر در شرکت تولید یك عده از شرکاء در خدمت دائمي شرکت نبوده یا از اهل حرفة که موضوع عملیات شرکت است نباشند لااقل دوثلث اعضاءِ ادارهکننده شرکت باید از شرکائي انتخاب شوند که حرفه آن ها موضوع عملیات شرکت است. ماده ۱۹۲ - شركت تعاوني مصرف شركتي است كه براي مقاصد ذيل تشكيل ميشود:

۱ - فروش اجناس لازمه براي مصارف زندگاني اعم از اينكه اجناس مزبوره را شـركاء ايجاد كرده يا خريده باشـند.

۲ - تقسیم نفع و ضرر بین شرکاء بنسبت خرید هر یك از آنها.

ماده ۱۹۳ - شرکت تعاوني اعم از توليد يا مصرف ممکن است مطابق اصول شرکت سهامي يا بر طبق مقررات مخصوصي که با تراضي شرکاء ترتيب داده شده باشد تشکيل بشود ولي در هر حال مفاد موا۳۵ - ۳۳ لازمالرعايه است.

ماده ۱۹۴ - در صورتیکه شرکت تعاونی تولید یا مصرف مطابق اصول شرکت سهامی تشکیل شود حداقل سهام یا قطعات سهام ده ریال خواهد بودو هیچیك از شرکاء نمیتوانند در مجمع عمومی بیش از یك رأی داشته باشد.

فصل دومر

در مقررات راجعه بثبت شركتها و نشر شركتنامهها

ماده ١٩۵ - ثبت كليه شركتهاي مذكور در اينقانون الزامي و تابع جميع مقررات قانون ثبت شركتها است.

ماده ۱۹۶ - اسناد و نوشتجاتي كه براي بثبت رسانيدن شركت لازم است در نظامنامه وزارتعدليه معين ميشود.

ماده ۱۹۷ - در ظرف ماه اول تشکیل هر شرکت خلاصه شرکتنامه و منضمّات آن طبق نظامنامه وزارت عدلیه اعلان خواهد شد.

ماده ۱۹۸ - اگر بعلت عدم رعایت دستور دو ماده فوق بطلان عملیات شرکت اعلام شد هیچیك از شرکاء نمیتوانند این بطلان را در مقابل اشخاص ثالثي که با آنها معامله کردهاند عذر قرار دهند.

ماده ۱۹۹ - هر گاه شرکت در چندین حوزه شعبه داشته باشد مقررات موا۱۹۵ و ۱۹۷ باید بقسمیکه در نظامنامه وزارت عدلیه معین میشود درهر حوزه جداگانه انجام گردد.

ماده ۲۰۰ - در هر موقع که تصمیماتی برای تغییر اساسنامه شرکت یا تمدید مدت شرکت زائد بر مدت مقرر یا انحلال شرکت (حتی در مواردیکه انحلال بواسطه انقضای مدت شرکت صورت میگیرد) و تعیین کیفیت تفریغ حساب یا تبدیل شرکاء یا خروج بعضی از آنها از شرکت یا تغییر اسم شرکت اتخاذ شود مقررات مواد۱۹۵ و ۱۹۷۷ لازمالرعایه است. همین ترتیب در موقع هر تصمیمی که نسبت بمورد معین در ماده۷۷ این قانون اتخاذ میشود رعایت خواهد شد.

ماده ۲۰۱ - در هر گونه اسناد و صورت حسابها و اعلانات و نشريات و غيره كه بطور خطي يا چاپي از طرف شركتهاي مذكور در اين قانون باستثناي شركتهاي تعاوني صادر ميشود سرمايه شركت صريحاً بايد ذكر گردد و اگر تمام سرمايه پرداخته نشده قسمتي كه پرداخته شده نيز بايد صريحاً معين شود - شركت متخلف بجزاي نقدي از دويست تا سه هزار ريال محكوم خواهد شد. تبصره - شرکتهاي خارجي نيز که بوسيله شعبه يا نماينده در ايران اشتغال بتجارت دارند در مورد اسناد و صورتحسابها و اعلانات و نشريات خود در ايران مشمول مقررات اين ماده خواهند بود.

فصل سومر

در تصفیه امور شرکتها

ماده ۲۰۲ - تصفیه امور شرکتها پس از انحلال موافق مواد ذیل خواهد بود مگر در مورد ورشکستگی که تابع مقررات مربوط بورشکستگی است.

ماده ۲۰۳ - در شرکتهاي تضامني و نسبي و مختلط سهامي و غير سهامي امر تصفيه با مدير يا مديران شرکت است مگر آنکه شرکاءِ ضامناشخاص ديگري را از خارج يا از بين خود براي تصفيه معين نمايند.

ماده ۲۰۴ - اگر از طرف یك یا چند شریك ضامن تعیین اشخاص مخصوص براي تصفیه تقاضا شد و سایر شركاءِ ضامن آن تقاضا را نپذیرفتند محكمه بدایت اشخاصي را براي تصفیه معین خواهد كرد.

ماده ۲۰۵ - در هر مورد که اشخاصي غير از مديران شرکت براي تصفيه معين شوند اسامي آنها بايد در اداره ثبت اسناد ثبت و اعلان گردد.

ماده ۲۰۶ - در شرکتهاي مختلط (سهامي و غير سهامي) شرکاءِ غير ضامن حق دارند يك يا چند نفر براي نظارت در امر تصفيه معين نمايند.

ماده ۲۰۷ - وظیفه متصدیان تصفیه خاتمه دادن بکارهاي جاري و اجراي تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارائي شـرکت اسـت بترتیب مقرردر مواد۲۰۸ - ۲۰۹ - ۲۱۱ و ۲۱۲.

ماده ۲۰۸ - اگر براي اجراي تعهدات شـركت معاملات جديدي لازم شـود متصديان تصفيه انجام خواهند داد.

ماده ۲۰۹ - متصدیان تصفیه حق دارند شخصاً یا بتوسط وکیل از طرف شرکت محاکمه کنند.

ماده ۲۱۰ - متصدي تصفيه وقتي حق اصلاح و تعيين حكم دارد كه شركاءِ ضامن باو اجازه داده باشند - مواردي كه بحكم قانون حكميّتاجباري است از اينقاعده مستثني است.

ماده ۲۱۱ - آن قسمت از دارائي شركت كه در مدت تصفيه محل احتياج نيست بطور موقت بين شركاء تقسيم ميشود ولي متصديان تصفيه بايد معادل قروضي كه هنوز موعد تأديه آن نرسيده است و همچنين معادل مبلغي كه در حساب بين شركاء مورد اختلاف است موضوع نمايند. ماده ۲۱۲ - متصدیان تصفیه حساب شرکاء را نسبت بهم و سهم هر یك از شرکاء را از نفع و ضرر معین میکنند - رفع اختلاف در تقسیم بمحکمه بدایت رجوع میشود.

ماده ۲۱۳ - در شرکتهاي سـهامي و شرکتهاي با مسئوليت محدود و شـرکتهاي تعاوني امر تصفيه بعهده مديران شـرکت اسـت مگر آنکه اسـاسـنامه يا اکثريت مجمع عمومي شـرکت ترتيب ديگري مقرر داشـته باشـد.

ماده ۲۱۴ - وظیفه و اختیارات متصدیان تصفیه در شرکت سهامي و شرکتهاي با مسئولیت محدود و تعاوني بترتیبي است که در ماده ۲۰۷ مقررشده با این تفاوت که حق اصلاح و تعیین حکم براي متصدیان تصفیه این شرکتها (باستثناي مورد حکمیت اجباري) فقط وقتي خواهد بود که اساسنامه یا مجمع عمومي این حق را بآنها داده باشد.

ماده ۲۱۵ - تقسیم دارائي شرکتهاي مذکور در ماده فوق بین شرکاء خواه در ضمن مدت تصفیه و خواه پس از ختم آن ممکن نیست مگر آن که قبلا ًسه مرتبه در مجله رسمي و یکي از جراید اعلان و یکسال از تاریخ انتشار اولین اعلان در مجله گذشته باشد.

ماده ۲۱۶ - تخلف از ماده قبل متصدیان تصفیه را مسئول خسارت طلبکاراني قرار خواهد داد که بطلب خود نرسیدهاند.

ماده ۲۱۷ - دفاتر هر شرکتي که منحل شده با نظر مدير ثبت اسناد در محل معيني از تاريخ ختم تصفيه تا ده سال محفوظ خواهد ماند.

ماده ۲۱۸ - هر شرکتي مجاز است در اساسنامه خود براي تصفيه ترتيب ديگري مقرر دارد ولي در هر حال آن مقررات نبايد مخالف مواد ۲۰۷ ۲۰۷ - ۲۰۹ - ۲۱۰ - ۲۱۵ - ۲۱۷ و قسمت اخير ماده ۲۱۱ باشد.

فصل چهارم - مقررات مختلفه

ماده ۲۱۹ - مدت مرور زمان در دعاوي اشخاص ثالث بر عليه شركاء يا وراث آنها راجع بمعاملات شركت (در موارديكه قانون شركاء يا ورّاث آنهارا مسئول قرار داده) پنجسال است.

مبداءِ مرور زمان روزي است که انحلال شرکت یا کنارهگیري شریك یا اخراج او از شرکت در اداره ثبت بثبت رسیده و در مجله رسمي اعلان شده باشد.

در صورتي كه طلب پس از ثبت و اعلان قابل مطالبه شده باشد مرور زمان از روزي شروع ميشود كه طلبكار حق مطالبه پيدا كرده.

تبصره - دعوائي كه سـنخاً تابع مرور زمان كوتاهتري بوده يا بموجب اينقانون مرور زمان طولانيتري براي آن معين شـده از مقررات اين مادهمسـتثني اسـت.

ماده ۲۲۰ - هر شرکت ایراني که فعلاً وجود داشته یا در آتیه تشکیل شود و با اشتغال بامور تجارتي خود را بصورت یکي از شرکتهاي مذکور دراین قانون در نیاورده و مطابق مقررات مربوطه به آن شرکت عمل ننماید شرکت تضامني محسوب شده و احکام راجع بشرکتهاي تضامني در مورد آناجرا میگردد. هر شركت تجارتي ايراني مذكور در اين قانون و هر شركت خارجي كه بر طبق قانون ثبت شركتها مصوب خرداد ماه١٣١ مكلف بثبت است بايد دركليه اسناد و صورتحسابها و اعلانات و نشريات خطي يا چاپي خود در ايران تصريح نمايد كه در تحت چه نمره در ايران به ثبت رسيده و الا محكوم بجزاي نقدي از دويست تا دو هزار ريال خواهد شد - اين مجازات علاوه بر مجازاتي است كه در قانون ثبت شركتها براي عدم ثبت مقرر شده.

ماده ٢٣١ - اگر شركت سهام يا اوراق استقراضي داشته باشد كه مطابق اساسنامه شركت يا تصميم مجمع عمومي قيمت آنها بطريق قرعه بايد تأديهشود و قبل از تأديه قيمت آن سهام يا اوراق منافعي كه به آنها تعلق گرفته پرداخته شده باشد شركت در موقع تأديه اصل قيمت نميتواند منافع تأديه شده را استرداد نمايد.

ماده ۲۲۲ - هر شرکت تجارتي ميتواند در اساسنامه خود قيد کند که سرمايه اوليه خود را بوسيله تأديه اقساط بعدي از طرف شرکاء يا قبول شريك جديد زياد کرده و يا بواسطه برداشت از سرمايه آن را تقليل دهد.

در اساسنامه حداقلي كه تا آن ميزان ميتوان سرمايه اوليه را تقليل داد صراحتاً معين ميشود.

كمتر از عشر سرمایه اولیه شركت را حداقل قرار دادن ممنوع است.

باب چھارم

برات - فتەطلب - چك

فصل اول - برات

مبحث اول - صورت برات

ماده ۲۲۳ - برات علاوه بر امضاء یا مهر برات دهنده باید دارای شرایط ذیل باشد:

- ۱) قید کلمه (برات) در روي ورقه.
- ۲) تاریخ تحریر (روز و ماه و سال)
- ۳) اسم شخصی که باید برات را تأدیه کند.
  - ۴) تعیین مبلغ برات.
  - ۵) تاریخ تأدیه وجه برات.
- ٤) مكان تأديه وجه برات اعم از اينكه محل اقامت محالعليه باشد يا محل ديگر.
  - ۷) اسم شخصي که برات در وجه یا حوالهکرد او پرداخته میشود.
    - ۸) تصریح باینکه نسخه اول یا دوم یا سوم یا چهارم الخ است.

ماده ۲۲۴ - برات ممكن است بحواله كرد شخص ديگر باشد يا بحوالهكرد خود برات دهنده.

ماده ۲۲۵ - تاریخ تحریر و مبلغ برات با تمام حروف نوشته میشود.

اگر مبلغ بیش از یکدفعه بتمام حروف نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ کمتر مناط اعتبار است اگر مبلغ با حروف و رقم هر دو نوشته شده وبین آنها اختلاف باشد مبلغ با حروف معتبر است.

ماده ۲۲۶ - در صورتیکه برات متضمن یکي از شرایط اساسـي مقرر در فقرات۲ - ۳ - ۴ - ۵ - ۶ - ۷ و ۸ ماده ۲۲۳ نباشـد مشـمول مقررات راجعه به بروات تجارتي نخواهد بود.

ماده ۲۲۷ - برات ممكن است بدستور و حساب شخص ديگري صادر شود.

مبحث دوم - در قبول و نکول

ماده ۲۲۸ - قبولي برات در خود برات با قید تاریخ نوشته شده امضاء یا مهر میشود.

در صورتیکه برات بوعده از رؤیت باشد تاریخ قبولی با تمام حروف نوشته خواهد شد - اگر قبولی بدون تاریخ نوشته شد تاریخ برات تاریخ رؤیت حساب میشود.

ماده ۲۲۹ - هر عبارتي كه محالعليه در برات نوشته امضاء يا مهر كند قبولي محسوب است مگر اينكه صريحاً عبارت مشعر بر عدم قبول باشد.

اگر عبارت فقط مشعر بر عدم قبول يك جزءِ از برات باشد بقيه وجه برات قبول شده محسوب است.

در صورتي كه محالعليه بدون تحرير هيچ عبارتي برات را امضاء يا مهر نمايد برات قبول شـده محسـوب ميشـود.

ماده ۲۳۰ - قبولکننده برات ملزم است وجه آنرا سر وعده تأدیه نماید.

ماده ۲۳۱ - قبولکننده حق نکول ندارد.

ماده ۲۳۲ - ممكن است قبولي منحصر بيك قسمت از وجه برات باشد در اين صورت دارنده برات بايد براي بقيه اعتراض نمايد.

ماده ۲۳۳ - اگر قبولي مشروط بشرط نوشته شد برات نكول شده محسوب ميشود ولي معهذا قبولكننده بشرط در حدود شرطي كه نوشته مسئول پرداخت وجه برات است.

ماده ۲۳۴ - در قبولي براتي که وجه آن در خارج از محل اقامت قبولکننده باید تأدیه شود تصریح بمکان تأدیه ضروري است.

ماده ۲۳۵ - برات باید بمحض ارائه یا منتهی در ظرف۲۴ ساعت از تاریخ ارائه قبول یا نکول شود.

ماده ۲۳۶ - نکول برات باید بموجب تصدیقنامة که رسماً تنظیم میشود محقق گردد - تصدیقنامه مزبور موسوم است باعتراض (پروتست)نکول. ماده ۲۳۷ - پس از اعتراض نکول ظهرنویسها و براتدهنده بتقاضاي دارنده برات باید ضامني براي تأدیه وجه آن در سر وعده بدهند یا وجه براترا بانضمام مخارج اعتراضنامه و مخارج برات رجوعي (اگر باشد) فوراً تأدیه نمایند.

ماده ۲۳۸ - اگر بر علیه کسـي که براتي قبول کرده ولي وجه آن را نپرداخته اعتراض عدم تأدیه شود دارنده براتي نیز که همان شخص قبول کرده وليهنوز موعد پرداخت آن نرسیده است ميتواند از قبولکننده تقاضا نماید که براي پرداخت وجه آن ضامن دهد یا پرداخت آنرا بنحو دیگري تضمین کند.

مبحث سوم - در قبولي شخص ثالث

ماده ۲۳۹ - هر گاه براتي نكول شـد و اعتراض بعمل آمد شخص ثالثي ميتواند آنرا بنام براتدهنده يا يكي از ظهرنويسها قبول كند - قبوليشخص ثالث بايد در اعتراضنامه قيد شـده بامضاءِ او برسـد.

ماده ۲۴۰ - بعد از قبولي شخص ثالث نيز تا برات تأديه نشده كليه حقوقي كه براي دارنده برات از نكول آن در مقابل براتدهنده و ظهرنويسها حاصل ميشود محفوظ خواهد بود.

مبحث چهارم - در وعده برات

ماده ۲۴۱ - برات ممكن است برؤيت باشد يا بوعده يك يا چند روز يا يك يا چند ماه از رؤيت برات يا بوعده يك يا چند روز يا يك يا چند ماهاز تاريخ برات - ممكن است پرداخت بروز معيني موكوك شده باشد.

ماده ۲۴۲ - هر گاه برات بي وعده قبول شد بايد فوراً پرداخته شود.

ماده ۲۴۳ - موعد پرداخت براتي که یك یا چند روز یا یك یا چند ماه از رؤیت وعده دارد بوسیله تاریخ قبولي یا تاریخ اعتراضنامه نکول معینمیشود.

ماده ۲۴۴ - اگر موعد پرداخت برات با تعطیل رسمی تصادف کرد باید روز بعد تعطیل تأدیه شود.

تبصره - همین قاعده در مورد سایر اوراق تجارتي نیز رعایت خواهد شد.

مبحث پنجم - ظهرنویسي

ماده ۲۴۵ - انتقال برات بوسیله ظهرنویسي بعمل ميآید.

ماده ۲۴۶ - ظهرنویسی باید به امضاءِ ظهرنویس برسد - ممکن است در ظهرنویسی تاریخ و اسم کسی که برات باو انتقال داده میشود قید گردد.

ماده ۲۴۷ - ظهرنویسـي حاکي از انتقال برات اسـت مگر اینکه ظهرنویس وکالت در وصول را قید نموده باشـد که در این صورت انتقال برات واقعنشـده ولي دارنده برات حق وصول و لديالاقتضاء حق اعتراض و اقامه دعوي براي وصول خواهد داشـت. جز در مواردیکه خلاف این در برات تصریحشـده باشـد.

ماده ۲۴۸ - هر گاه ظهرنویس در ظهرنویسی تاریخ مقدمی قید کند مزوّر شناخته میشود.

مبحث ششم - مسئوليت

ماده ۲۴۹ - برات دهنده - کسیکه برات را قبول کرده و ظهرنویسها در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند.

دارنده برات در صورت عدم تأديه و اعتراض ميتواند بهر كدام از آنها كه بخواهد منفرداً يا بچند نفر يا بتمام آنها مجتمعاً رجوع نمايد.

همین حق را هر یك از ظهرنویسها نسبت به برات دهنده و ظهرنویسهای ماقبل خود دارد.

اقامه دعوي بر عليه يك يا چند نفر از مسئولين موجب اسقاط حق رجوع بساير مسئولين برات نيست - اقامهكننده دعوي ملزم نيست ترتيب ظهرنويسي را از حيث تاريخ رعايت كند.

ضامني كه ضمانت براتدهنده يا محالعليه يا ظهرنويسي را كرده فقط با كسي مسئوليت تضامني دارد كه از او ضمانت نموده است.

ماده ۲۵۰ - هر یك از مسئولین تأدیه برات میتواند پرداخت را به تسلیم برات و اعتراضنامه و صورتحساب متفرعات و مخارج قانوني كه باید بپردازد موكوك كند.

ماده ۲۵۱ - هر گاه چند نفر از مسئولين برات ورشكست شوند دارنده برات ميتواند در هر يك از غرما يا در تمام غرما براي وصول تمام خوما براي وصول تمام خود (وجه برات و متفرعات و مخارج قانوني) داخل شود تا اينكه طلب خود را كاملاً وصول نمايد - مدير تصفيه هيچيك از ورشكستگان نميتواند برايوجهي كه بصاحب چنين طلب پرداخته ميشود بمدير تصفيه ورشكسته ديگر رجوع نمايد مگر در صورتي كه مجموع وجوهي كه از دارائي تمام ورشكستگان بصاحب طلب تخصيص مييابد بيش از ميزان طلب او باشد در اين صورت مازاد بايد بترتيب تاريخ تعهد تا ميزان وجهي كه هر كدام پرداختهاند - جزءِ دارائي ورشكستگان محسوب گردد كه بساير ورشكستهها حق رجوع دارند.

تبصره - مفاد این ماده در مورد ورشکستگي هر چند نفري نیز که براي پرداخت یك دین مسئولیت تضامني داشته باشند مرعی خواهد بود.

مبحث هفتم - در پرداخت

ماده ۲۵۲ - پرداخت برات با نوع پولي که در آن معین شده بعمل ميآید.

ماده ٣٥٣ - اگر دارنده برات به براتدهنده يا كسـي كه برات را باو منتقل كرده اسـت پولي غير از آن نوع كه در برات معين شـده اسـت بدهد و آن برات در نتيجه نكول يا امتناع از قبول و يا عدم تأديه اعتراض شود دارنده برات ميتواند از دهنده برات يا انتقال دهنده نوع پولي را كه داده يا نوع پولي كه دربرات معين شـده مطالبه كند ولي از ساير مسئولين وجه برات جز نوع پولي كه در برات معين شـده قابل مطالبه نيسـت.

ماده ۲۵۴ - برات بوعده باید روز آخر وعده پرداخته شود.

ماده ۲۵۵ - روز رؤیت در برواتي که بوعده از رؤیت است و روز صدور برات در برواتي که بوعده از تاریخ صدور است حساب نخواهد شد.

ماده ۲۵۶ - شخصي که وجه برات را قبل از موعد تأديه نموده در مقابل اشخاصي که نسبت بوجه برات حقي دارند مسئول است.

ماده ۲۵۷ - اگر دارنده برات به کسـي که قبولي نوشته مهلتي براي پرداخت بدهد به ظهرنويسـهاي ماقبل خود و برات دهنده که بمهلت مزبور رضايت ندادهاند حق رجوع نخواهد داشـت.

ماده ۲۵۸ - شخصي که در سر وعده وجه برات را ميپردازد بريالذمه محسوب ميشود مگر آنکه وجه برات قانوناً در نزد او توقيف شده باشد.

ماده ۲۵۹ - پرداخت وجه برات ممكن است بموجب نسخه ثاني يا ثالث يا رابع الخ بعمل آيد در صورتيكه در روي آن نسخه قيد شده باشد كه پس از پرداخت وجه بموجب اين نسخه نسخ ديگر از اعتبار ساقط است.

ماده ۲۶۰ - شخصي که وجه برات را بر حسب نسخة بپردازد که در روي آن قبولي نوشته نشده در مقابل شخصي که نسخه قبولي شده را داردمسئول پرداخت وجه آن است.

ماده ۲۶۱ - در صورت گم شدن براتي كه هنوز قبول نشده است صاحب آن ميتواند وصول وجه آن را بر حسب نسخه ثاني يا ثالث يا رابع الختقاضا كند.

ماده ۲۶۲ - اگر نسخه مفقود نسخة باشد كه قبولي در روي آن نوشته شده تقاضاي پرداخت از روي نسخههاي ديگر فقط بموجب امر محكمه پساز دادن ضامن بعمل ميآيد.

ماده ٣۶٣ - اگر شخصي كه برات را گم كرده - اعم از اينكه قبولي نوشته شده يا نشده باشد ميتواند نسخه ثاني يا ثالث يا رابع الخ را تحصيل نمايد پس از اثبات اينكه برات متعلق باو است ميتواند با دادن ضامن تأديه وجه آن را بموجب امر محكمه مطالبه كند.

ماده ۲۶۴ - اگر با وجود تقاضائي که در مورد مواد۲۶۱ - ۲۶۲ و ۲۶۳ بعمل آمده است از تأدیه وجه برات امتناع شود صاحب برات مفقودمیتواند تمام حقوق خود را بموجب اعتراضنامه محفوظ بدارد. ماده ۲۶۵ - اعتراضنامه مذکور در ماده فوق باید در ظرف۲۴ ساعت از تاریخ وعده برات تنظیم شده و در مواعد و بترتیبی که در این قانون برایابلاغ اعتراضنامه معین شده است به براتدهنده و ظهرنویسها ابلاغ گردد.

ماده ۲۶۶ - صاحب برات مفقود براي تحصيل نسخه ثاني بايد بظهرنويسي كه بلافاصله قبل از او بوده است رجوع نمايد -ظهرنويس مزبور ملزماست بصاحب برات اختيار مراجعه بظهرنويس ماقبل خود داده و راهنمائي كند و همچنين هر ظهرنويس بايد اختيار رجوع بظهرنويس ماقبل خود بدهد تا به براتدهنده برسد - مخارج اين اقدامات بر عهده صاحب برات مفقود خواهد بود.

ظهرنویس در صورت امتناع از دادن اختیار مسئول تأدیه وجه برات و خساراتي است که بر صاحب برات مفقود وارد شده است.

ماده ۲۶۷ - در صورتي كه ضامن برات مفقود (رجوع به مواد۲۶۲ و ۲۶۳) مدتي براي ضمانت خود معين نكرده باشد مدت ضمان سه سال است وهر گاه در ظرف اين سه سال رسماً مطالبه يا اقامه دعوي نشده باشد ديگر از اين حيث دعوي بر عليه او در محكمه مسموع نخواهد بود.

ماده ۲۶۸ - اگر مبلغي از وجه برات پرداخته شود بهمان اندازه براتدهنده و ظهرنویسها بري ميشوند و دارنده برات فقط نسبت به بقیه میتوانداعتراض کند.

ماده ۲۶۹ - محاكم نميتوانند بدون رضايت صاحب برات براي تأديه وجه برات مهلتي بدهند.

مبحث هشتم - تأديه وجه برات بواسطه شخص ثالث

ماده ۲۷۰ - هر شخص ثالثي ميتواند از طرف برات دهنده يا يكي از ظهرنويسها وجه برات اعتراض شده را كارسازي نمايد -دخالت شخص ثالث وپرداخت وجه بايد در اعتراضنامه يا در ذيل آن قيد شود.

ماده ۲۷۱ - شخص ثالثي كه وجه برات را پرداخته داراي تمام حقوق و وظايف دارنده برات است.

ماده ۲۷۲ - اگر وجه برات را شخص ثالث از طرف براتدهنده پرداخت تمام ظهرنویسها بریالذمه میشوند و اگر پرداخت وجه از طرف یکی ازظهرنویسها بعمل آید ظهرنویسهای بعد از او بریالذمهاند.

ماده ۲۷۳ - اگر دو شخص متفقاً هر يك از جانب يكي از مسئولين برات براي پرداخت وجه حاضر شوند پيشنهاد آن كس پذيرفته است كه تأديه وجه از طرف او عده زيادتري از مسئولين را بريالذمه ميكند - اگر خود محالعليه پس از اعتراض براي تأديه وجه حاضر شود بر هر شخص ثالثي ترجيح دارد.

مبحث نهم - حقوق و وظایف دارنده برات

ماده ۲۷۴ - نسبت به برواتي كه وجه آن بايد در ايران برؤيت يا بوعده از رؤيت تأديه شود اعم از اينكه برات در ايران صادر شده باشـد يا درخارجه دارنده برات مكلف اسـت پرداخت يا قبولي آنرا در ظرف يكسـال از تاريخ برات مطالبه نمايد و الا حق رجوع بظهرنويسـها و همچنين ببراتدهندة كه وجه برات را بمحالعليه رسـانيده اسـت نخواهد داشـت.

ماده ۲۷۵ - اگر در برات اعم از اینکه در ایران صادر شده باشد یا در خارجه براي تقاضاي قبولي مدت بیشتر یا کمتري مقرر شده باشد دارنده برات باید در همان مدت قبولي برات را تقاضا نماید و الا حق رجوع بظهرنویسـها و براتدهندة که وجه برات را بمحالعلیه رسـانیده اسـت نخواهد داشـت.

ماده ۲۷۶ - اگر ظهرنویسـي براي تقاضاي قبولي مدتي معين كرده باشـد دارنده برات بايد در مدت مزبور تقاضاي قبولي نمايد و الا در مقابل آنظهرنویس نمیتواند از مقررات مربوطه ببروات اسـتفاده كند.

ماده ۲۷۷ - هر گاه دارنده برات برؤیت یا بوعده که در یکی از شهرهای ایران صادر و باید در ممالك خارجه تأدیه شود در مواعد مقرر در مواد فوق قبولی نوشتن یا پرداخت وجه را مطالبه نكرده باشد مطابق مقررات همان مواد حق او سـاقط خواهد شـد.

ماده ۲۷۸ - مقررات فوق مانع نخواهد بود که بین دارنده برات و براتدهنده و ظهرنویسها قرارداد دیگری مقرر گردد.

ماده ۲۷۹ - دارنده برات باید روز وعده وجه برات را مطالبه کند.

ماده ۲۸۰ - امتناع از تأدیه وجه برات باید در ظرف ده روز از تاریخ وعده بوسیله نوشتة که اعتراض عدم تأدیه نامیده میشود معلوم گردد.

ماده ۲۸۱ - اگر روز دهم تعطیل باشد اعتراض روز بعد آن بعمل خواهد آمد.

ماده ۲۸۲ - نه فوت محالعلیه نه ورشکستگي او نه اعتراض نکولي دارنده برات را از اعتراض عدم تأدیه مستغني نخواهد کرد.

ماده ۲۸۳ - در صورتیکه قبول کننده برات قبل از وعده ورشکست شود حق اعتراض برای دارنده برات باقی است.

ماده ۲۸۴ - دارنده براتیکه بعلت عدم تأدیه اعتراض شده است باید در ظرف ده روز از تاریخ اعتراض عدم تأدیه را بوسیله اظهارنامه رسمی یامراسله سفارشی دو قبضه بکسی که برات را باو واگذار نموده اطلاع دهد.

ماده ۲۸۵ - هر یك از ظهرنویسها نیز باید در ظرف ده روز از تاریخ دریافت اطلاعنامه فوق آنرا بهمان وسیله بظهرنویس سابق خود اطلاع دهد.

ماده ۲۸۶ -(اصلاحي 1358/10/26) اگر دارنده براتيکه بايستي در ايران تأديه شود و بعلت عدم پرداخت اعتراض شده بخواهد از حقي که ماده ۲۴۹ براي او مقرر داشتهاستفاده کند بايد در ظرف يکسال از تاريخ اعتراض اقامه دعوي نمايد. تبصره - هر گاه محل اقامت مدعيعليه خارج از محلي باشد كه وجه برات بايد در آنجا پرداخته شود براي هر شش فرسخ يكروز اضافه خواهدشد.

ماده ۲۸۷ -(اصلاحي 1358/10/26) در مورد برواتيكه بايد در خارجه تأديه شود اقامه دعوي بر عليه براتدهنده و يا ظهرنويسهاي مقيم ايران در ظرف دوسال از تاريخاعتراض بايد بعمل آيد.

ماده ۲۸۸ - هر یك از ظهرنویسها بخواهد از حقي كه در ماده۴۹ باو داده شده استفاده نماید باید در مواعدي كه بموجب مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ مقرراست اقامه دعوي كند و نسبت باو موعد از فرداي ابلاغ احضاریه محكمه محسوب است و اگر وجه برات را بدون اینكه بر علیه او اقامه دعوي شده باشد تأدیه نماید از فرداي روز تأدیه محسوب خواهد شد.

ماده ۲۸۹ - پس از انقضاءِ مواعد مقرره در مواد فوق دعوي دارنده برات بر ظهرنويسها و همچنين دعوي هر يك از ظهرنويسها بر يد سابق خود درمحكمه پذيرفته نخواهد شد.

ماده ۲۹۰ - پس از انقضاءِ مواعد فوق دعوي دارنده و ظهرنويسهاي برات بر عليه براتدهنده نيز پذيرفته نميشود مشروط بر اينكه براتدهنده ثابت نمايد در سر وعده وجه برات را بمحالعليه رسانيده و در اينصورت دارنده برات فقط حق مراجعه بمحالعليه خواهد داشت.

ماده ۲۹۱ - اگر پس از انقضاءِ موعدي كه براي اعتراض و ابلاغ اعتراضنامه يا براي اقامه دعوي مقرر است براتدهنده يا هر يك از ظهرنويسها بطريق محاسبه يا عنوان ديگر وجهي را كه براي تأديه برات بمحالعليه رسانيده بود مسترد دارد دارنده برات برخلاف مقررات دو ماده قبل حق خواهدداشت كه بر عليه دريافت كننده وجه اقامه دعوي نمايد.

ماده ۲۹۲ - پس از اقامه دعوي محكمه مكلف است بمجرد تقاضاي دارنده براتيكه بعلت عدم تأديه اعتراض شده است معادل وجه برات را ازاموال مدعيعليه بعنوان تأمين توقيف نمايد.

مبحث دهم - در اعتراض (پروتست)

ماده ۲۹۳ - اعتراض در موارد ذیل بعمل ميآید:

- ۱) در مورد نکول.
- ۲) در مورد امتناع از قبول یا نکول.
  - ۳) در مورد عدم تأدیه.

اعتراضنامه باید در یك نسخه تنظیم و بموجب امر محكمه بدایت بتوسط مأمور اجراء بمحل اقامت اشخاص ذیل ابلاغ شود:

- ١) محالعليه.
- ۲) اشخاصیکه در برات برای تأدیه وجه عندالاقتضاء معین شدهاند.
  - ٣) شخص ثالثي كه برات را قبول كرده است.

اگر در محلي كه اعتراض بعمل ميآيد محكمه بدايت نباشد وظايف او با رعايت ترتيب بعهده امين صلح يا رئيس ثبت اسناد يا حاكم محل خواهدبود.

ماده ۲۹۴ - اعتراضنامه باید مراتب ذیل را دارا باشد:

- ۱) سواد كامل برات با كليه محتويات آن اعم از قبولي و ظهرنويسي و غيره.
  - ۲) امر بتأدیه وجه برات.

مأمور اجرا باید حضور یا غیاب شخصیکه باید وجه برات را بدهد و علل امتناع از تأدیه یا از قبول و همچنین علل عدم امکان امضاء یا امتناع از امضاءرا در ذیل اعتراضنامه قید و امضاء کند.

ماده ۲۹۵ - هیچ نوشتة نمیتواند از طرف دارنده برات جایگیر اعتراضنامه شود مگر در موارد مندرجه در موالا ۲۶ - ۲۶۲ و ۳۶۳ راجع بمفقودشدن برات.

ماده ۲۹۶ - مأمور اجرا باید سواد صحیح اعتراضنامه را بمحل اقامت اشخاص مذکور در مادهٔ۲۹۳ بدهد.

ماده ۲۹۷ - دفتر محكمه يا دفتر مقاماتيكه وظيفه محكمه را انجام ميدهند بايد مفاد اعتراضنامه را روز بروز بترتيب تاريخ و نمره در دفترمخصوصي كه صفحات آن بتوسط رئيس محكمه يا قائم مقام او نمره و امضاء شده است ثبت نمايند - در صورتيكه محل اقامت براتدهنده ياظهرنويس اولي در روي برات قيد شده باشد دفتر محكمه بايد آنها را توسط كاغذ سفارشي از علل امتناع از تأديه مستحضر سازد.

مبحث یازدهم - برات رجوعي

ماده ۲۹۸ - برات رجوعي براتي است که دارنده برات اصلي پس از اعتراض براي دريافت وجه آن و مخارج صدور اعتراضنامه و تفاوت نرخ بعهده براتدهنده يا يکي از ظهرنويسـها صادر ميکند.

ماده ۲۹۹ - اگر برات رجوعي بعهده براتدهنده اصلي صادر شود تفاوت بين نرخ مكان تأديه برات اصلي و نرخ مكان صدور آن بعهده اوخواهد بود و اگر برات رجوعي بعهده يكي از ظهرنويسـها صادر شـود مشـاراليه بايد از عهده تفاوت نرخ مكاني كه برات اصلي را در آنجا معامله ياتسـليم كرده اسـت و نرخ مكاني كه براي رجوعي در آنجا صادر شـده اسـت برآيد.

ماده ۳۰۰ - به برات رجوعي باید صورتحسابي (حساب بازگشت) ضمیمه شود - در صورت حساب مزبور مراتب ذیل قید میگردد:

۱) اسم شخصي که برات رجوعي بعهده او صادر شده است.

- ۲) مبلغ اصلي برات اعتراض شده.
- ٣) مخارج اعتراضنامه و ساير مخارج معموله از قبيل حقالعمل صراف و دلال و وجه تمبر و مخارج پست و غيره.
  - ۴) مبلغ تفاوت نرخهاي مذكور در ماده (۲۹۹).

ماده ۳۰۱ - صورتحساب مذکور در ماده قبل باید توسط دو نفر تاجر تصدیق شود بعلاوه لازم است برات اعتراض شده و سواد مصدقي ازاعتراضنامه بصورت حساب مزبور ضمیمه گردد.

ماده ۳۰۲ - هر گاه برات رجوعي بعهده يكي از ظهرنويسها صادر شود علاوه بر مراتب مذكور در مواد۳۰ و ۳۰۱ بايد تصديقنامة كه تفاوت بين نرخ مكان تأديه برات اصلي و مكان صدور آنرا معين نمايد ضميمه شود.

ماده ۳۰۳ - نسبت بیك برات صورتحساب بازگشت متعدد نمیتوان ترتیب داد و اگر برات رجوعي بعهده یكي از ظهرنویسها صادر شده باشد حساب بازگشت متوالیاً بتوسط ظهرنویسها پرداخته میشود تا به براتدهنده اولي برسد.

تحميلات براتهاي رجوعي را نميتوان تماماً بر يكنفر وارد ساخت - هر يك از ظهرنويسها و براتدهنده اولي فقط عهدهدار يك خرج است.

ماده ۳۰۴ - خسارت تأخير تأديه مبلغ اصلي برات كه بواسطه عدم تأديه اعتراض شده است از روز اعتراض و خسارت تأخير تأديه مخارجاعتراض و مخارج برات رجوعي فقط از روز اقامه دعوي محسوب ميشود.

مبحث دوازدهم - قوانین خارجي

ماده ۲۰۵ - در مورد برواتي که در خارج ايران صادر شده شرايط اساسـي برات تابع قوانين مملکت صدور اسـت.

هر قسمت از سایر تعهدات براتي (تعهدات ناشي از ظهرنویسي - ضمانت - قبولي و غیره) نیز که در خارجه بوجود آمده تابع قوانین مملکتي است که تعهد در آنجا وجود پیدا کرده است.

معذالك اگر شرايط اساسي برات مطابق قانون ايران موجود و يا تعهدات براتي موافق قانون ايران صحيح باشـد كسـاني كه در ايران تعهداتي كردهاند حقاسـتناد باين ندارند كه شـرايط اسـاسـي برات يا تعهدات براتي مقدم بر تعهد آنها مطابق با قوانين خارجي نيسـت.

ماده ۳۰۶ - اعتراض و بطور کلي هر اقدامي که براي حفظ حقوق ناشيه از برات و استفاده از آن در خارجه بايد بعمل آيد تابع قوانين مملکتيخواهد بود که آن اقدام بايد در آنجا بشود.

فصل دوم - در فته طلب

ماده ٣٠٧ – فته طلب سندي است كه بموجب آن امضاء كننده تعهد ميكند مبلغي در موعد معين يا عندالمطالبه در وجه حامل يا شخص معين و يا بحوالهكرد آن شخص كارسازي نمايد. ماده ۳۰۸ – فته طلب علاوه بر امضاء یا مهر باید داراي تاریخ و متضمن مراتب ذیل باشد:

- ۱) مبلغي كه بايد تأديه شود با تمام حروف.
  - ۲) گیرنده وجه.
  - ۳) تاریخ پرداخت.

ماده ۳۰۹ - تمام مقررات راجع به بروات تجارتي (از مبحث چهارم الي آخر فصل اول اين باب) در مورد فتهطلب نيز لازمالرعايه اسـت.

فصل سوم - چك

ماده ۳۱۰ - چك نوشتهايست كه بموجب آن صادركننده وجوهي را كه در نزد محالعليه دارد كلاً يا بعضاً مسترد يا بديگري واگذار مينمايد.

ماده ۳۱۱ - در چك بايد محل و تاريخ صدور قيد شـده و بامضاي صادركننده برسـد - پرداخت وجه نبايد وعده داشـته باشـد.

ماده ٣١٣ - چك ممكن است در وجه حامل يا شخص معين يا بحوالهكرد باشد - ممكن است بصرف امضاء در ظهر بديگري منتقل شود.

ماده ۳۱۳ - وجه چك بايد بمحض ارائه كارسازي شود.

ماده ۳۱۴ - صدور چك ولو اينكه از محلي بمحل ديگر باشد ذاتاً عمل تجارتي محسوب نيست ليكن مقررات اين قانون از ضمانت صادركننده وظهرنويسها و اعتراض و اقامه دعوي ضمان و مفقود شدن راجع به بروات شامل چك نيز خواهد بود.

ماده ۳۱۵ - اگر چك در همان مكاني كه صادر شده است بايد تأديه گردد دارنده چك بايد در ظرف پانزده روز از تاريخ صدور وجه آنرا مطالبه كند واگر از يك نقطه به نقطه ديگر ايران صادر شده باشد بايد در ظرف چهل و پنج روز از تاريخ صدور چك مطالبه شود.

اگر دارنده چك در ظرف مواعد مذكوره در اين ماده پرداخت وجه آن را مطالبه نكند ديگر دعوي او بر عليه ظهرنويس مسموع نخواهد بود و اگر وجهچك بسببي كه مربوط بمحالعليه است از بين برود دعوي دارنده چك بر عليه صادركننده نيز در محكمه مسموع نيست.

ماده ٣١۶ - كسىي كه وجه چك را دريافت ميكند بايد ظهر آنرا امضاء يا مهر نمايد اگر چه چك در وجه حامل باشد.

ماده ٣١٧ - مقررات راجعه به چك هائي كه در ايران صادر شده است در مورد چكهائي كه از خارجه صادر شده و بايد در ايران پرداخته شود نيزرعايت خواهد شد - ليكن مهلتي كه در ظرف آن دارنده چك ميتواند وجه چك را مطالبه كند چهار ماه از تاريخ صدور است.

فصل چهارم - در مرور زمان

ماده ٣١٨ - دعاوي راجعه به برات و فتهطلب و چك كه از طرف تجار يا براي امور تجارتي صادر شده پس از انقضاي پنجسال از تاريخ صدوراعتراضنامه و يا آخرين تعقيب قضائي در محاكم مسموع نخواهد بود مگر اينكه در ظرف اين مدت رسماً اقرار به دين شده باشد كه در اين صورت مبداءِ مرور زمان از تاريخ اقرار محسوب است. در صورت عدم اعتراض مدت مرور زمان از تاريخ انقضاءِ مهلت اعتراض شروع ميشود.

تبصره - مفاد این ماده در مورد بروات و چك و فته طلبهائي كه قبل از تاریخ اجراي قانون تجارت مصوب۲۵ دلو ۱۳۰۳ و ۱۲ فروردین و ۱۲ خرداد۱۳۰۴ صادر شده است قابل اجرا نبوده و این اسناد از حیث مرور زمان تابع مقررات مربوط بمرور زمان راجع باموال منقوله است.

ماده ۳۱۹ - اگر وجه برات یا فتهطلب یا چك را نتوان بواسطه حصول مرور زمان پنجسال مطالبه كرد دارنده برات یا فتهطلب یا چك ميتواند تاحصول مرور زمان اموال منقوله وجه آنرا از كسـي كه بضرر او اسـتفاده بلاجهت كرده اسـت مطالبه نماید.

تبصره - حكم فوق در موردي نيز جاري است كه برات يا فتهطلب يا چك يكي از شرايط اساسـي مقرر در اين قانون را فاقد باشـد.

باب پنجم - اسناد در وجه حامل

ماده ٣٢٠ - دارنده هر سند در وجه حامل مالك و براي مطالبه وجه آن محق محسوب ميشود مگر در صورت ثبوت خلاف. معذلك اگر مقامات صلاحيتدار قضائي يا پليس تأديه وجه آن سند را منع كند تأديه وجه بحامل مديون را نسبت بشخص ثالثي كه ممكن است سند متعلق باو باشد بري نخواهد كرد.

ماده ۳۲۱ - جز در موردیکه حکم بطلان سند صادر شده مدیون سند در وجه حامل مکلف به تأدیه نیست مگر در مقابل اخذ سند.

ماده ٣٢٢ - در صورت گم شدن سند در وجه حامل كه داراي ورقههاي كوپن يا داراي ضميمة براي تجديد اوراق كوپن باشد و همچنين در صورت گم شدن سند در وجه حامل كه خود سند بدارنده آن حق ميدهد ربح يا منفعتي را مرتباً دريافت كند براي اصدار حكم بطلان مطابق ذيل عمل خواهد شد.

ماده ٣٢٣ - مدعي بايد در محكمه محل اقامت مديون معلوم نمايد سند در تصرف او بوده و فعلاً گم شده است.

اگر مدعي فقط اوراق كوپن يا ضميمه مربوط بسند خود را گم كرده باشد ابراز خود سند كافي است.

ماده ٣٢۴ - اگر محكمه ادعاي مدعي را بنا بر اوضاع و احوال قابل اعتماد دانست بايد بوسيله اعلان در جرايد بدارنده مجهول سند اخطار كند -هر گاه از تاريخ انتشار اولين اعلان تا سـه سـال سـند را ابراز ننمود حكم بطلان آن صادر خواهد شـد - محكمه ميتواند لديالاقتضاء مدتي بيش از سـه سـال تعيين كند. ماده ٣٢۵ - بتقاضاي مدعي محكمه ميتواند بمديون قدغن كند كه وجه سند را بكسـي نپردازد مگر پس از گرفتن ضامن يا تأميني كه محكمه تصويب نمايد.

ماده ۳۲۶ - در مورد گم شدن اوراق کوپن نسبت بکوپنهائي که در ضمن جریان دعوي لازمالتأدیه میشود بترتیب مقرر در مواد ۳۳۲ و ۳۳۳ عملخواهد شد.

ماده ۳۲۷ - اخطار مذکور در ماده ۳۲۴ باید سـه دفعه در مجله رسـمي منتشـر شـود محکمه میتواند بعلاوه اعلان در جراید دیگر را نیز مقرر دارد.

ماده ۳۲۸ - اگر پس از اعلان فوق سند مفقود ابراز شود محكمه بمدعي مهلت متناسبي داده و اخطار خواهد كرد كه هر گاه تا انقضاي مهلت دعويخود را تعقيب و دلائل خود را اظهار نكند محكوم شده و سند به ابرازكننده آن مسترد خواهد گرديد.

ماده ۳۲۹ - اگر در ظرف مدتیکه مطابق ماده ۳۲۴ مقرر و اعلان شده سند ابراز نگردد محکمه حکم بطلان آن را صادر خواهد نمود.

ماده ۳۳۰ - ابطال سند فوراً بوسیله درج در مجله رسمي و هر وسیله دیگري که محکمه مقتضي بداند به اطلاع عموم خواهد رسید.

ماده ٣٣١ - پس از صدور حكم ابطال مدعي حق دارد تقاضا كند بخرج او سند جديد يا لديالاقتضاء اوراق كوپن تازه باو بدهند. اگر سند حالشده باشد مدعي حق تقاضاي تأديه خواهد داشت.

ماده ۳۳۲ - هر گاه سند گم شده از اسناد مذکور در ماده (۳۲۳) نباشد بترتیب ذیل رفتار خواهد شد:

محكمه در صورتيكه ادعاي مدعي سبق تصرف و گم كردن سند را قابل اعتماد ديد حكم ميدهد مديون وجه سند را فوراً در صورتيكه حال باشد وپس از انقضاءِ اجل - در صورت مؤجل بودن - بصندوق عدليه بسپارد.

ماده ۳۳۳ - اگر قبل از انقضاي مدت مرور زماني كه وجه سند مفقود پس از آن مدت قابل مطالبه نيست سند ابراز شد مطابق ماده ۳۲۸ رفتار و الاوجهي كه در صندوق عدليه امانت گذاشته شده بمدعي داده ميشود.

ماده ۳۳۴ - مقررات این باب شامل اسکناس نیست.

باب ششم - دلالی

فصل اول - كليات

ماده ٣٣٥ - دلال كسـي اسـت كه در مقابل اجرت واسـطه انجام معاملاتي شـده يا براي كسـيكه ميخواهد معاملاتي نمايد طرف معامله پيدا ميكند.اصولا قرارداد دلالي تابع مقررات راجع بوكالت اسـت.

ماده ۳۳۶ - دلال میتواند در رشتههای مختلف دلالی نموده و شخصاً نیز تجارت کند.

ماده ۳۳۷ - دلال باید در نهایت صحت و از روی صداقت طرفین معامله را از جزئیات راجعه به معامله مطلع سازد ولو اینکه دلالي را فقط براي يکياز طرفين بکند - دلال در مقابل هر يك از طرفين مسئول تقلب و تقصيرات خود ميباشـد.

ماده ۳۳۸ - دلال نمیتواند عوض یکي از طرفین معامله قبض وجه یا تأدیه دین نماید و یا آنکه تعهدات آنها را بموقع اجرا گذارد مگر اینکه اجازهنامه مخصوصي داشته باشـد.

ماده ۳۳۹ - دلال مسئول تمام اشیاء و اسنادي است که در ضمن معاملات باو داده شده مگر اینکه ثابت نماید که ضایع یا تلف شدن اشیاء یا اسناد مزبوره مربوط بشخص او نبوده است.

ماده ۳۴۰ - در موردیکه فروش از روی نمونه باشد دلال باید نمونه مالالتجاره را تا موقع ختم معامله نگاه بدارد مگر اینکه طرفین معامله او را ازاین قید معاف دارند.

ماده ۳۴۱ - دلال میتواند در زمان واحد براي چند آمر در يك رشته يا رشتههاي مختلف دلالي كند ولي در اينصورت بايد آمرين را از اين ترتيب وامور ديگري كه ممكن است موجب تغيير رأي آنها شود مطلع نمايد.

ماده ۳۴۲ - هر گاه معامله بتوسط دلال واقع و نوشتجات و اسنادي راجع به آن معامله بين طرفين بتوسط او رد و بدل شود در صورتيكه امضاها راجع باشخاصي باشد كه بتوسط او معامله را كردهاند دلال ضامن صحت و اعتبار امضاهاي نوشتجات و اسناد مزبور است.

ماده ٣۴٣ - دلال ضامن اعتبار اشخاصي كه براي آنها دلالي ميكند و ضامن اجراي معاملاتي كه بتوسط او ميشود نيست.

ماده ۳۴۴ - دلال در خصوص ارزش یا جنس مال التجارة که مورد معامله بوده مسئول نیست مگر اینکه ثابت شود تقصیر از جانب او بوده.

ماده ٣٤٥ - هر گاه طرفين معامله يا يكي از آنها باعتبار تعهد شخص دلال معامله نمود دلال ضامن معامله است.

ماده ۳۴۶ - در صورتیکه دلال در نفس معامله منتفع یا سهیم باشد باید بطرفي که این نکته را نمیداند اطلاع دهد و الا مسئول خسارات وارده بوده و بعلاوه به پانصد تا سه هزار ریال جزاي نقدي محکوم خواهد شد.

ماده ۳۴۷ - در صورتیکه دلال در معامله سهیم باشد با آمر خود متضامناً مسئول اجراي تعهد خواهد بود.

فصل دوم - اجرت دلال و مخارج

ماده ۳۴۸ - دلال نميتواند حق دلالي را مطالبه كند مگر در صورتيكه معامله براهنمائي يا وساطت او تمام شـده باشـد.

ماده ۳۴۹ - اگر دلال برخلاف وظیفه خود نسبت به کسـي که باو مأموریت داده بنفع طرف دیگر معامله اقدام نماید و یا برخلاف عرف تجارتي محل از طرف مزبور وجهي دریافت و یا وعده وجهي را قبول کند مستحق اجرت و مخارجي که کرده نخواهد بود بعلاوه محکوم بمجازات مقرربراي خیانت در امانت خواهد شد.

ماده ۳۵۰ - هر گاه معامله مشروط بشرط تعليقي باشد دلال پس از حصول شرط مستحق اجرت خواهد بود.

ماده ۳۵۱ - اگر شرط شده باشد مخارجي که دلال ميکند باو داده شود دلال مستحق اخذ مخارج خواهد بود ولو آنکه معامله سر نگيرد. همين ترتيب در موردي نيز جاري است که عرف تجارتي محل به پرداخت مخارجي که دلال کرده حکم کند.

ماده ۳۵۲ - در صورتیکه معامله برضایت طرفین یا بواسطه یکی از خیارات قانونی فسخ بشود حق مطالبه دلالی از دلال سلب نمیشود مشروط بر اینکه فسخ معامله مستند به دلال نباشد.

ماده ۳۵۳ - دلالي معاملات ممنوعه اجرت ندارد.

ماده ۳۵۴ - حقالزحمه دلال بعهده طرفي است که او را مأمور انجام معامله نموده مگر اینکه قرارداد خصوصي غیر این ترتیب را مقرر بدارد.

ماده ۳۵۵ - حقالزحمه دلال بواسطه قرارداد مخصوصي بايد معين شده باشد و الا محكمه با رجوع باهل خبره و رعايت مقتضيات زماني ومكاني و نوع معامله حقالزحمه را معين خواهد كرد.

فصل سوم - دفتر

ماده ۳۵۶ - هر دلال باید دفتری داشته و کلیه معاملاتی را که بدلالی او انجام گرفته بترتیب ذیل در آن ثبت نماید:

- ۱) اسم متعاملین.
- ۲) مالي که موضوع معامله است.
  - ٣) نوع معامله.
- ۴) شرايط معامله با تشخيص باينكه تسليم موضوع معامله فوري است يا بوعده است.
- ۵) عوض مالي که باید پرداخته شود و تشخیص اینکه فوري است یا بوعده است وجه نقد است یا مال التجاره یا برات در صورتیکه برات باشد برؤیت است یا بوعده.

٤) امضاءِ طرفين معامله مطابق مقررات نظامنامه وزارت عدليه.

دفتر دلالي تابع كليه مقررات راجع بدفاتر تجارتي است.

باب هفتمر

حقالعملكاري (كميسيون)

ماده ۳۵۷ - حقالعملکار کسي است که باسم خود ولي بحساب ديگري (آمر) معاملاتي کرده و در مقابل حقالعملي دريافت ميدارد.

ماده ۳۵۸ - جز در مواردي که بموجب مواد ذيل استثناء شده مقررات راجعه بوکالت در حقالعملکاري نيز رعايت خواهد شد.

ماده ۳۵۹ - حقالعملکار باید آمر را از جریان اقدامات خود مستحضر داشته و مخصوصاً در صورت انجام مأموریت این نکته را بفوریت باو اطلاع دهد.

ماده ۳۶۰ - حقالعملكار مكلف به بيمه كردن اموالي كه موضوع معامله است نيست مگر اينكه آمر دستور داده باشد.

ماده ٣۶۱ - اگر مالالتجارة كه براي فروش نزد حقالعملكار ارسال شده داراي عيوب ظاهري باشد حقالعملكار بايد براي محفوظ داشتن حق رجوع بر عليه متصدي حمل و نقل و تعيين ميزان خسارات بحري (آواري) بوسايل مقتضيه و محافظت مالالتجاره اقدامات لازمه بعمل آورده و آمر را ازاقدامات خود مستحضر كند و الا مسئول خسارات ناشيه از اين غفلت خواهد بود.

ماده ٣۶۲ - اگر بيم فساد سريع مالالتجارة رود كه نزد حقالعملكار براي فروش ارسال شده حقالعملكار ميتواند و حتي در صورتيكه منافع آمرايجاب كند مكلف است مالالتجاره را با اطلاع مدعيالعموم محلي كه مالالتجاره در آنجا است يا نماينده او بفروش برساند.

ماده ۳۶۳ - اگر حقالعملکار مالالتجارة را به کمتر از حداقل قیمتی که آمر معین کرده بفروش رساند مسئول تفاوت خواهد بود مگر اینکه ثابت نماید از ضرر بیشتری احتراز کرده و تحصیل اجازه آمر در موقع مقدور نبوده است.

ماده ۳۶۴ - اگر حقالعملکار تقصیر کرده باشد باید از عهده کلیه خساراتي نیز که از عدم رعایت دستور آمر ناشي شده برآید.

ماده ۳۶۵ - اگر حقالعملکار مالاالتجارة را به کمتر از قیمتی که آمر معین کرده بخرد و یا به بیشتر از قیمتی که آمر تعیین نموده بفروش رساند حق استفاده از تفاوت نداشته و باید آنرا در حساب آمر محسوب دارد. ماده ۳۶۶ - اگر حقالعملكار بدون رضايت آمر مالي را به نسيه بفروشد يا پيش قسطي دهد ضررهاي ناشيه از آن متوجه خود او خواهد بود معذالكاگر فروش به نسيه داخل در عرف تجارتي محل باشد حقالعملكار مأذون بآن محسوب ميشود مگر در صورت دستور مخالف آمر.

ماده ۳۶۷ - حقالعملکار در مقابل آمر مسئول پرداخت وجوه و یا انجام سایر تعهدات طرف معامله نیست مگر اینکه مجاز در معامله باعتبار نبوده و یا شخصاً ضمانت طرف معامله را کرده و یا عرف تجارتی بلد او را مسئول قرار دهد.

ماده ۳۶۸ - مخارجي که حقالعملکار کرده و براي انجام معامله و نفع آمر لازم بوده و همچنين هر مساعدة که بنفع آمر داده باشـد بايد اصلاً ومنفعتاً به حقالعملکار مسـترد شـود.

حقالعملکار میتواند مخارج انبارداري و حمل و نقل را نیز بحساب آمر گذارد.

ماده ٣٤٩ - وقتي حقالعملكار مستحق حقالعمل ميشود كه معامله اجرا شده و يا عدم اجراي آن مستند بفعل آمر باشد.

نسبت باموریکه در نتیجه علل دیگری انجامپذیر نشده حقالعملکار برای اقدامات خود فقط مستحق اجرتی خواهد بود که عرف و عادت محل معینمینماید.

ماده ۳۷۰ - اگر حقالعملكار نادرستي كرده و مخصوصاً در موردي كه بحساب آمر قيمتي علاوه بر قيمت خريد و يا كمتر از قيمت فروش محسوب دارد مستحق حقالعمل نخواهد بود - بعلاوه در دو صورت اخير آمر ميتواند حقالعملكار را خريدار يا فروشنده محسوب كند.

تبصره - دستور فوق مانع از اجراي مجازاتيكه براي خيانت در امانت مقرر است نيست.

ماده ٣٧١ - حقالعملكار در مقابل آمر براي وصول مطالبات خود از او نسبت باموالي كه موضوع معامله بوده و يا نسبت بقيمتي كه اخذ كرده -حق حبس خواهد داشت.

ماده ۳۷۲ - اگر فروش مال ممکن نشده و یا آمر از اجازه فروش رجوع کرده و مالالتجاره را بیش از حد متعارف نزد حقالعملکار بگذاردحقالعملکار می تواند آن را با نظارت مدعیالعموم بدایت محل یا نماینده او بطریق مزایده بفروش برساند.

اگر آمر در محل نبوده و در آنجا نماینده نیز نداشته باشد فروش بدون حضور او یا نماینده او بعمل خواهد آمد ولی در هر حال قبلاً باید باو اخطاریه رسمی ارسال گردد مگر اینکه اموال از جمله اموال سریعالفساد باشد.

ماده ٣٧٣ - اگر حقالعملكار مأمور بخريد يا فروش مالالتجاره يا اسناد تجارتي و يا ساير اوراق بهاداري باشد كه مظنه بورسـي يا بازاري دارد ميتواند چيزي را كه مأمور بخريد آن بوده خود شخصاً بعنوان فروشنده تسليم بكند و يا چيزيرا كه مأمور بفروش آن بوده شخصاً بعنوانخريدار نگاهدارد مگر اينكه آمر دستور مخالفي داده باشـد.

ماده ۳۷۴ - در مورد ماده فوق حقالعمل كار بايد قيمت را بر طبق مظنه بورسـي يا نرخ بازار در روزي كه وكالت خود را انجام ميدهد منظور دارد وحق خواهد داشت كه هم حقالعمل و هم مخارج عاديه حقالعمل كار را برداشت كند. ماده ۳۷۵ - در هر موردیکه حقالعملکار شخصاً میتواند خریدار یا فروشنده واقع شود اگر انجام معامله را به آمر بدون تعیین طرف معامله اطلاع دهد خود طرف معامله محسوب خواهد شد.

ماده ۳۷۶ - اگر آمر از امر خود رجوع کرده و حقالعمل کار قبل از ارسال خبر انجام معامله از این رجوع مستحضر گردد دیگر نمیتواند شخصاً خریدار یا فروشنده واقع شود.

باب هشتم - قرارداد حمل و نقل

ماده ٣٧٧ - متصدي حمل و نقل كسي است كه در مقابل اجرت حمل اشياء را بعهده ميگيرد.

ماده ۳۷۸ - قرارداد حمل و نقل تابع مقررات وكالت خواهد بود مگر در موارديكه ذيلاً استثناء شده باشد.

ماده ٣٧٩ - ارسالكننده بايد نكات ذيل را به اطلاع متصدي حمل و نقل برساند: آدرس صحيح مرسلاليه - محل تسليم مال -عده عدل يا بسته وطرز عدلبندي - وزن و محتوي عدلها - مدتي كه مال بايد در آن مدت تسليم شود - راهي كه حمل بايد از آن راه بعمل آيد - قيمت اشيائي كه گرانبها است.

خسارات ناشیه از عدم تعیین نکات فوق و یا از تعیین آنها بغلط متوجه ارسالکننده خواهد بود.

ماده ۳۸۰ - ارسالکننده باید مواظبت نماید که مالالتجاره بطرز مناسبي عدلبندي شود - خسارات بحري ( آواري) ناشي از عیوب عدلبندي بعهده ارسالکننده است.

ماده ۳۸۱ - اگر عدلبندي عيب ظاهر داشته و متصدي حمل و نقل مال را بدون قيد عدم مسئوليت قبول كرده باشد مسئول آواري خواهد بود.

ماده ۳۸۲ - ارسالکننده ميتواند مادام که مال التجاره در يد متصدي حمل و نقل است آن را با پرداخت مخارجي که متصدي حمل و نقل کرده وخسارات او پس بگيرد.

ماده ۳۸۳ - در موارد ذیل ارسالکننده نمیتواند از حق استرداد مذکور در ماده۳۸۲ استفاده کند:

- ۱ در صورتي كه بارنامه توسط ارسالكننده تهيه و به وسيله متصدي حمل و نقل بمرسلااليه تسليم شده باشد.
  - ۲ در صورتي که متصدي حمل و نقل رسيدي به ارسالکننده داده و ارسالکننده نتواند آن را پس دهد.
- ٣ در صورتي كه متصدي حمل و نقل به مرسـلاليه اعلام كرده باشـد كه مالالتجاره بمقصد رسـيده و بايد آن را تحويل گيرد.
  - ۴ در صورتي كه پس از وصول مالالتجاره به مقصد مرسلاليه تسليم آن را تقاضا كرده باشد.

در این موارد متصدي حمل و نقل باید مطابق دستور مرسلالیه عمل کند معذالك اگر متصدي حمل و نقل رسیدي به ارسال کننده داده مادام کهمال التجاره بمقصد نرسیده مکلف به رعایت دستور مرسلالیه نخواهد بود مگر اینکه رسید بمرسلالیه تسلیم شده باشد.

ماده ۳۸۴ - اگر مرسلاليه مالالتجاره را قبول نكند و يا مخارج و ساير مطالبات متصدي حمل و نقل بابت مالاالتجاره تأديه نشود و يا به مرسلاليهدسترسـي نباشـد متصدي حمل و نقل بايد مراتب را به اطلاع ارسـالكننده رسانيده و مالاالتجاره را موقتاً نزد خود به طور امانت نگاهداشـته يا نزد ثالثيامانت گذارد و در هر دو صورت مخارج و هر نقص و عين به عهده ارسـالكننده خواهد بود.

اگر ارسالکننده و یا مرسلالیه در مدت مناسبي تکلیف مالالتجاره را معین نکند متصدي حمل و نقل ميتواند مطابق ماده ۳۶۲ آن را به فروش برساند.

ماده ٣٨۵ - اگر مالالتجاره در معرض تضييع سريع باشد و يا قيمتي كه ميتوان براي آن فرض كرد با مخارجي كه براي آن شده تكافو ننمايد متصديحمل و نقل بايد فوراً مراتب را به اطلاع مدعيالعموم بدايت محل يا نماينده او رسانيده و با نظارت او مال را به فروش رساند.

حتيالمقدور ارسالكننده و مرسلاليه را بايد از اينكه مالالتجاره به فروش خواهد رسيد مسبوق نمود.

ماده ۳۸۶ - اگر مالىالتجاره تلف يا گم شود متصدي حمل و نقل مسئول قيمت آن خواهد بود مگر اينكه ثابت نمايد تلف يا گم شـدن مربوط به جنسخود مالىالتجاره يا مسـتند به تقصير ارسـالكننده و يا مرسـلاليه و يا ناشـي از تعليماتي بوده كه يكي از آنها دادهاند و يا مربوط به حوادثي بوده كه هيچمتصدي مواظبي نيز نميتوانسـت از آن جلوگيري نمايد قرارداد طرفين ميتواند براي ميزان خسـارت مبلغي كمتر يا زيادتر از قيمت كامل مالىالتجاره معيننمايد.

ماده ۳۸۷ - در مورد خسارات ناشیه از تأخیر تسلیم یا نقص یا خسارات بحری (آواری) مالالتجاره نیز متصدی حمل و نقل در حدود ماده فوقمسئول خواهد بود.

خسارات مزبور نميتواند از خساراتي كه ممكن بود در صورت تلف شـدن تمام مال التجاره حكم به آن شـود تجاوز نمايد مگر اينكه قرارداد طرفين خلاف اين ترتيب را مقرر داشـته باشـد.

ماده ٣٨٨ - متصدي حمل و نقل مسئول حوادث و تقصيراتي است كه در مدت حمل و نقل واقع شده اعم از اينكه خود مباشرت بحمل و نقلكرده و يا حمل و نقل كننده ديگريرا مأمور كرده باشد - بديهي است كه در صورت اخير حق رجوع او به متصدي حمل و نقلى كه از جانب او مأمورشده محفوظ است.

ماده ٣٨٩ - متصدي حمل و نقل بايد بمحض وصول مالالتجاره مرسلاليه را مستحضر نمايد.

ماده ۳۹۰ - اگر مرسلالیه میزان مخارج و سایر وجوهی را که متصدی حمل و نقل بابت مالالتجاره مطالبه مینماید قبول نکند حق تقاضای تسلیم مالالتجاره را نخواهد داشت مگر اینکه مبلغ متنازعفیه را تا ختم اختلاف در صندوق عدلیه امانت گذارد.

ماده ٣٩١ - اگر مالالتجاره بدون هيچ قيدي قبول و كرايه آن تأديه شود ديگر بر عليه متصدي حمل و نقل دعوي پذيرفته نخواهد شد مگر در موردتدليس يا تقصير عمده بعلاوه متصدي حمل و نقل مسئول آواري غير ظاهر نيز خواهد بود در صورتيكه مرسـلاليه آن آواري را در مدتيكه مطابق اوضاع و احوال رسيدگي بمالالتجاره ممكن بود بعمل آيد و يا بايسـتي بعمل آمده باشـد مشاهده كرده و فوراً پس از مشاهده بمتصدي حمل و نقلاطلاع دهد در هر حال اين اطلاع بايد منتها تا هشـت روز بعد از تحويل گرفتن مالالتجاره داده شـود.

ماده ٣٩٢ - در هر موردي كه بين متصدي حمل و نقل و مرسـلاليه اختلاف باشـد محكمه صلاحيتدار محل ميـتواند بتقاضاي يكي از طرفين امر دهد مالـالتجاره نزد ثالثي امانت گذارده شـده و يا لديالاقتضاء فروخته شـود در صورت اخير فروش بايد پس از تنظيم صورتمجلسـي حاكي از آنكه مالـالتجاره در چه حال بوده بعمل آيد. بوسیله پرداخت تمام مخارج و وجوهمي که بابت مالالتجاره ادعا ميشود و یا سپردن آن بصندوق عدلیه از فروش مالالتجاره ميتوان جلوگيري کرد.

ماده ٣٩٣ - نسبت بدعوي خسارت بر عليه متصدي حمل و نقل مدت مرور زمان يكسال است - مبدأ اين مدت در صورت تلف يا گم شدنمالاالتجاره و يا تأخير در تسليم روزي است كه تسليم بايستي در آن روز بعمل آمده باشد و در صورت خسارات بحري (آواري) روزي كه مال بمرسلاليه تسليم شده.

ماده ۳۹۴ - حمل و نقل بوسیله پست تابع مقررات این باب نیست.

باب نهم – قائم مقام تجارتي و ساير نمايندگان تجارتي

ماده ٣٩۵ – قائم مقام تجارتي كسـي اسـت كه رئيس تجارتخانه او را براي انجام كليه امور مربوطه به تجارتخانه يا يكي از شعب آن نايب خود قرار داده و امضاي او براي تجارتخانه الزامآور اسـت.

سمت مزبور ممكن است كتباً داده شود يا عملاً.

ماده ٣٩٤ - تحديد اختيارات قائم مقام تجارتي در مقابل اشخاصي كه از آن اطلاع نداشتهاند معتبر نيست.

ماده ٣٩٧ - قائمرمقام تجارتي ممكن است بچند نفر مجتمعاً داده شود با قيد اينكه تا تمام امضاء نكنند تجارتخانه ملزم نخواهد شد ولي در مقابل اشخاص ثالثي كه از اين قيد اطلاع نداشتهاند فقط در صورتي ميتوان از آن استفاده كرد كه اين قيد مطابق مقررات وزارت عدليه به ثبت رسيده و اعلانشده باشد.

ماده ٣٩٨ – قائم مقام تجارتي بدون اذن رئيس تجارتخانه نميتواند كسـي را در كليه كارهاي تجارتخانه نايب خود قرار دهد.

ماده ۳۹۹ - عزل قائم مقام تجارتي كه وكالت او به ثبت رسيده و اعلان شده بايد مطابق مقررات وزارت عدليه به ثبت رسيده و اعلان شود و الا درمقابل ثالثي كه از عزل مطلع نبوده وكالت باقي محسوب ميشود.

ماده ۴۰۰ - با فوت یا حجر رئیس تجارتخانه قائم مقام تجارتي منعزل نیست با انحلال شرکت قائم مقام تجارتي منعزل است.

ماده ۴۰۱ - وكالت ساير كساني كه در قسمتي از امور تجارتخانه يا شعبه تجارتخانه سمت نمايندگي دارند تابع مقررات عمومي راجع بوكالتاست.

باب دهم - ضمانت

ماده ۴۰۲ - ضامن وقتي حق دارد از مضمون له تقاضا نمايد كه بدواً بمديون اصلي رجوع كرده و در صورت عدم وصول طلب باو رجوع نمايد كه بين طرفين (خواه ضمن قرارداد مخصوص خواه در خود ضمانت نامه) اين ترتيب مقرر شده باشد. ماده ۴۰۳ - در كليه مواردي كه بموجب قوانين يا موافق قراردادهاي خصوصي ضمانت تضامني باشد طلبكار ميتواند بضامن و مديون اصلي مجتمعاً رجوع كرده يا پس از رجوع بيكي از آنها و عدم وصول طلب خود براي تمام يا بقيه طلب بديگري رجوع نماند.

ماده ۴۰۴ - حكم فوق در موردي نيز جاري اسـت كه چند نفر بموجب قرارداد يا قانون متضامناً مسئول انجام تعهدي باشـند.

ماده ۴۰۵ - قبل از رسیدن اجل دین اصلی ضامن ملزم بتأدیه نیست ولو اینکه بواسطه ورشکستگی یا فوت مدیون اصلی دین مؤجل او حالشده باشد.

ماده ۴۰۶ - ضمان حال از قاعده فوق مستثني است.

ماده ۴۰۷ - اگر حق مطالبه دین اصلی مشروط باخطار قبلی است این اخطار نسبت بضامن نیز باید بعمل آید.

ماده ۴۰۸ - همینکه دین اصلی بنحوی از انحاء ساقط شده ضامن نیز بری میشود.

ماده ۴۰۹ - همینکه دین حال شد ضامن میتواند مضمونله را بدریافت طلب یا انصراف از ضمان ملزم کند ولو ضمان مؤجل باشـد.

ماده ۴۱۰ - استنكاف مضموناله از دريافت طلب يا امتناع از تسليم وثيقه - اگر دين با وثيقه بوده - ضامن را فوراً و بخودي خود بري خواهد ساخت.

ماده ۴۱۱ - پس از آنكه ضامن دين اصلي را پرداخت مضمون له بايد تمام اسناد و مداركي را كه براي رجوع ضامن بمضمونعنه لازم و مفيد است باو داده و اگر دين اصلي با وثيقه باشد آنرا بضامن تسليم نمايد - اگر دين اصلي وثيقه غير منقول داشته مضمونعنه مكلف بانجام تشريفاتي است كه براي انتقال وثيقه بضامن لازم است.

باب یازدهم - در ورشکستگي

فصل اول - در کلیات

ماده ۴۱۲ - ورشکستگي تاجر یا شرکت تجارتي در نتیجه توقف از تأدیه وجوهي که بر عهده او است حاصل ميشود. حکم ورشکستگي تاجري را که حین الفوت در حال توقف بوده تا یکسال بعد از مرگ او نیز میتوان صادر نمود.

فصل دوم - در اعلان ورشكستگي و اثرات آن

ماده ۴۱۳ - تاجر باید در ظرف سـه روز از تاریخ وقفة که در تأدیه قروض یا سـایر تعهدات نقدي او حاصل شـده اسـت توقف خود را بدفتر محکمه بدایت محل اقامت خود اظهار نموده صورت حسـاب دارائي و کلیه دفاتر تجارتي خود را بدفتر محکمه مزبوره تسـلیم نماید.

ماده ۴۱۴ - صورتحسـاب مذکور در ماده فوق باید مورخ بوده و بامضاء تاجر رسـیده و متضمن مراتب ذیل باشـد:

- ۱) تعداد و تقویم کلیه اموال منقول و غیر منقول تاجر متوقف بطور مشروح.
  - ۲) صورت كليه قروض و مطالبات.
  - ٣) صورت نفع و ضرر و صورت مخارج شخصي.

در صورت توقف شركتهاي تضامني - مختلط يا نسببي اسامي و محل اقامت كليه شركاءِ ضامن نيز بايد ضميمه شود.

ماده ۴۱۵ - ورشکستگي تاجر بحکم محکمه بدايت در موارد ذيل اعلام ميشود:

- الف) بر حسب اظهار خود تاجر.
- ب) بموجب تقاضاي يك يا چند نفر از طلبكارها.
  - ج) بر حسب تقاضاي مدعيالعموم بدايت.

ماده ۴۱۶ - محکمه باید در حکم خود تاریخ توقف تاجر را معین نماید و اگر در حکم معین نشد تاریخ حکم تاریخ توقف محسوب است.

ماده ۴۱۷ - حكم ورشكستگي بطور موقت اجرا ميشود.

ماده ۴۱۸ - تاجر ورشكسته از تاريخ صدور حكم از مداخله در تمام اموال خود حتي آنچه كه ممكن است در مدت ورشكستگي عايد او گردد ممنوع است. در كليه اختيارات و حقوق مالي ورشكسته كه استفاده از آن مؤثر در تأديه ديون او باشـد مدير تصفيه قائم مقام قانوني ورشكسته بوده و حق دارد بجاي او از اختيارات و حقوق مزبوره استفاده كند.

ماده ۴۱۹ - از تاریخ حکم ورشکستگی هر کس نسبت بتاجر ورشکسته دعوائی از منقول یا غیر منقول داشته باشـد باید بر مدیر تصفیه اقامه یا بطرفیت او تعقیب کند - کلیه اقدامات اجرائي نیز مشـمول همین دسـتور خواهد بود.

ماده ۴۲۰ - محکمه هر وقت صلاح بداند میتواند ورود تاجر ورشکسته را بعنوان شخص ثالث در دعوي مطروحه اجازه دهد.

ماده ۴۲۱ - همینکه حکم ورشکستگی صادر شد قروض مؤجل با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت بمدت بقروض حال مبدل میشود.

ماده ۴۲۲ - هر گاه تاجر ورشكسته فته طلبي داده يا براتي صادر كرده كه قبول نشده يا براتي را قبولي نوشته ساير اشخاصيكه مسئول تأديه وجه فته طلب يا برات ميباشند بايد با رعايت تخفيفات مقتضيه نسبت بمدت وجه آنرا نقداً بپردازند يا تأديه آنرا در سـر وعده تأمين نمايند.

ماده ۴۲۳ - هر گاه تاجر بعد از توقف معاملات ذیل را بنماید باطل و بلااثر خواهد بود:

١) هر صلح محاباتي يا هبه و بطور كلي هر نقل و انتقال بلاعوض اعم از اينكه راجع بمنقول يا غير منقول باشد.

۲) تأدیه هر قرض اعم از حال یا مؤجل بهر وسیله که بعمل آمده باشد.

٣) هر معاملة كه مالي از اموال منقول يا غير منقول تاجر را مقيد نمايد و بضرر طلبكاران تمام شود.

ماده ۴۲۴ - هر گاه در نتيجه اقامه دعوي از طرف مدير تصفيه يا طلبكاري بر اشخاصيكه با تاجر طرف معامله بوده يا بر قائم مقام قانوني آنها ثابت شود تاجر متوقف قبل از تاريخ توقف خود براي فرار از اداي دين يا براي اضرار به طلبكارها معاملة نموده كه متضمن ضرري بيش از ربع قيمت حين المعامله بوده است آن معامله قابل فسخ است مگر اينكه طرف معامله قبل از صدور حكم فسخ تفاوت قيمت را بپردازد دعوي فسخ در ظرف دو سال از تاريخ وقوع معامله در محكمه پذيرفته ميشود.

ماده ۴۲۵ - هر گاه محكمه بموجب ماده قبل حكم فسخ معامله را صادر نمايد محكومعليه بايد پس از قطعي شدن حكم مالي را كه موضوع معامله بوده است عيناً بمدير تصفيه تسليم و قيمت حين المعامله آن را قبل از آنكه دارائي تاجر بغرما تقسيم شود دريافت دارد و اگر عين مال مزبور درتصرف او نباشد تفاوت قيمت را خواهد داد.

ماده ۴۲۶ - اگر در محکمه ثابت شـود که معامله بطور صوري یا مسـبوق بتباني بوده اسـت آن معامله خود بخود باطل - عین و منافع مالیکه موضوع معامله بوده مسـترد و طرف معامله اگر طلبکار شـود جزو غرما حصة خواهد بود.

فصل سوم - در تعیین عضو ناظر

ماده ۴۲۷ - در حکمیکه بموجب آن ورشکستگی تاجر اعلام میشود محکمه یکنفر را بسمت عضو ناظر معین خواهد کرد.

ماده ۴۲۸ - عضو ناظر مكلف است بنظارت در اداره امور راجعه بورشكستگي و سرعت جريان آن است.

ماده ۴۲۹ - تمام منازعات ناشیه از ورشکستگي را که حل آن از صلاحیت محکمه است عضو ناظر بمحکمه راپرت خواهد داد.

ماده ۴۳۰ - شکایت از تصمیمات عضو ناظر فقط در مواردي ممکن است که این قانون معین نموده.

ماده ۴۳۱ - مرجع شکایت محکمة است که عضو ناظر را معین کرده.

ماده ۴۳۲ - محکمه همیشه میتواند عضو ناظر را تبدیل و دیگریرا بجای او بگمارد.

فصل چهارم - در اقدام بمهر و موم و سایر اقدامات اولیه نسبت بورشکسته

ماده ۴۳۳ - محکمه در حکم ورشکستگي امر بمهر و موم را نيز ميدهد.

ماده ۴۳۴ - مهر و موم باید فوراً توسط عضو ناظر بعمل آید مگر در صورتی که بعقیده عضو مزبور برداشتن صورت دارائی تاجر در یك روزممکن باشد در این صورت باید فوراً شروع به برداشتن صورت شود.

ماده ۴۳۵ - اگر تاجر ورشکسته بمفاد ماده۴۱۳ - ۴۱۴ عمل نکرده باشد محکمه در حکم ورشکستگي قرار توقیف تاجر را خواهد داد.

ماده ۴۳۶ - قرار توقیف ورشکسته در مواقعي نیز داده خواهد شد که معلوم گردد بواسطه اقدامات خود از اداره و تسویه شدن عمل ورشکستگي ميخواهد جلوگيري کند.

ماده ۴۳۷ - در صورتيكه تاجر مقروض فرار كرده يا تمام يا قسمتي از دارائي خود را مخفي نموده باشد امين صلح ميتواند بر حسب تقاضاي يكيا چند نفر از طلبكاران فوراً اقدام بمهر و موم نمايد و بايد بلافاصله اين اقدام خود را بمدعيالعموم اطلاع دهد.

ماده ۴۳۸ - انبارها و حجرهها و صندوق و اسناد و دفاتر و نوشتجات و اسباب و اثاثیه تجارتخانه و منزل تاجر باید مهر موم شود.

ماده ۴۳۹ - در صورت ورشكستگي شركتهاي تضامني - مختلط يا نسبي اموال شخصي شركاءِ ضامن مهر و موم نخواهد شد مگر اينكه حكم ورشكستگي آنها نيز در ضمن حكم ورشكستگي شركت يا بموجب حكم جداگانه صادر شده باشد.

تبصره - در مورد این ماده و ماده فوق مستثنیات دین از مهر و موم معاف است.

فصل پنجم - در مدیر تصفیه

ماده ۴۴۰ - محکمه در ضمن حکم ورشکستگی یا منتهی در ظرف پنج روز پس از صدور حکم یکنفر را بسمت مدیریت تصفیه معین میکند.

ماده ۴۴۱ - اقدامات مدير تصفيه براي تهيه صورت طلبكاران و اخطار بآنها و مدتي كه در آن مدت طلبكاران بايد خود را معرفي نمايند و بطوركلي وظايف مدير تصفيه علاوه بر آن قسمتي كه بموجب اين قانون معين شده بر طبق نظامنامة كه از طرف وزارت عدليه تنظيم ميشود معين خواهدشد.

ماده ۴۴۲ - میزان حقالزحمه مدیر تصفیه را محکمه در حدود مقررات وزارت عدلیه معین خواهد کرد.

فصل ششم - در وظایف مدیر تصفیه

مبحث اول - در کلیات

ماده ۴۴۲ - اگر مهر و موم قبل از تعیین مدیر تصفیه بعمل نیامده باشد مدیر مزبور تقاضاي انجام آن را خواهد نمود.

ماده ۴۴۴ - عضو ناظر بتقاضاي مدير تصفيه باو اجازه ميدهد كه اشياءِ ذيل را از مهر و موم مستثني كرده و اگر مهر و موم شده است از توقيف خارج نمايد:

- ۱ البسه و اثاثیه و اسبابی که برای حوائج ضروری تاجر ورشکسته و خانواده او لازم است.
  - ٢ اشيائي كه ممكن است قريباً ضايع شود يا كسر قيمت حاصل نمايد.
- ۳ اشيائي كه براي بكار انداختن سرمايه تاجر ورشكسته و استفاده از آن لازم است در صورتيكه توقيف آنها موجب خسارت ارباب طلب باشد.

اشياءِ مذكور در فقره ثانيه و ثالثه بايد فوراً تقويم و صورت آن برداشته شود.

ماده ۴۴۵ - فروش اشیائی که ممکن است قریباً ضایع شده یا کسر قیمت حاصل کند و اشیائی که نگاه داشتن آنها مفید نیست و همچنین بکارانداختن سرمایه تاجر ورشکسته با اجازه عضو ناظر بتوسط مدیر تصفیه بعمل میآید.

ماده ۴۴۶ - دفتردار محکمه دفاتر تاجر ورشکسته را باتفاق عضو ناظر یا امین صلحی که آنها را مهر و موم نموده است از توقیف خارج کرده پس ازآن که ذیل دفاتر را بست آنها را بمدیر تصفیه تسلیم مینماید.

دفتردار باید در صورتمجلس کیفیت دفاتر را بطور خلاصه قید کند - اوراق تجارتی هم که وعده آنها نزدیك است یا باید قبولی آنها نوشته شود و یا نسبت بآنها باید اقدامات تأمینیه بعمل آید از توقیف خارج شده در صورت مجلس ذکر و بمدیر تصفیه تحویل میشود تا وجه آنرا وصول نماید وفهرستی که از مدیر تصفیه گرفته میشود بعضو ناظر تسلیم میگردد - سایر مطالبات را مدیر تصفیه در مقابل قبضیکه میدهد وصول مینماید مراسلاتی که باسم تاجر ورشکسته میرسد بمدیر تصفیه تسلیم و بتوسط او باز میشود و اگر خود ورشکسته حاضر باشد در باز کردن مراسلات میتواند شرکت کند.

ماده ۴۴۷ - تاجر ورشکسته در صورتي که وسیله دیگري براي اعاشـه نداشـته باشـد میتواند نفقه خود و خانوادهاش را از دارائي خود درخواسـت کند- در اين صورت عضو ناظر نفقه و مقدار آن را با تصويب محکمه معين مينمايد.

ماده ۴۴۸ - مدیر تصفیه تاجر ورشکسته را برای بستن دفاتر احضار مینماید برای حضور او منتها چهل و هشت ساعت مهلت داده میشود درصورتیکه تاجر حاضر نشد با حضور عضو ناظر اقدام بهعمل خواهد آمد - تاجر ورشکسته میتواند در موقع کلیه عملیات تأمینیه حاضر باشد.

ماده ۴۴۹ - در صورتیکه تاجر ورشکسته صورت دارائي خود را تسلیم ننموده باشد مدیر تصفیه آن را فوراً بوسیله دفاتر و اسناد مشارالیه و سایراطلاعاتي که تحصیل مینماید تنظیم میکند. ماده ۴۵۰ - عضو ناظر مجاز است که راجع به تنظیم صورت دارائي و نسبت باوضاع و احوال ورشکستگي از تاجر ورشکسته و شاگردها ومستخدمین او و همچنین از اشخاص دیگر توضیحات بخواهد و باید از تحقیقات مذکوره صورتمجلس ترتیب دهد.

مبحث دوم - در رفع توقیف و ترتیب صورت دارائي

ماده ۴۵۱ - مدیر تصفیه پس از تقاضاي رفع توقیف شروع به تنظیم صورت دارائي نموده و تاجر ورشکسته را هم در اینموقع احضار میکند وليعدم حضور او مانع از عمل نیست.

ماده ۴۵۲ - مدیر تصفیه بتدریجي که رفع توقیف میشود صورت دارائي را در دو نسخه تهیه مینماید. یکي از نسختین بدفتر محکمه تسلیم شده و دیگري در نزد او میماند.

ماده ۴۵۳ - مدیر تصفیه میتواند براي تهیه صورت دارائي و تقویم اموال از اشخاصیکه لازم بداند استمداد کند صورت اشیائي که موافق ماده ۴۴۴در تحت توقیف نیامده ولي قبلاً تقویم شده است ضمیمه صورت دارائي خواهد شد.

ماده ۴۵۴ - مدیر تصفیه باید در ظرف پانزده روز از تاریخ مأموریت خود صورت خلاصة از وضعیت ورشکستگی و همچنین از علل و اوضاعي کهموجب آن شده و نوع ورشکستگي که ظاهراً بنظر ميآید ترتیب داده بعضو ناظر بدهد. عضو ناظر صورت مزبور را فوراً بمدعيالعموم ابتدائي محل تسليم مينمايد.

ماده ۴۵۵ - صاحبمنصبان پارکه ميتوانند فقط بعنوان نظارت بمنزل تاجر ورشکسته رفته و در حين برداشتن صورت دارائي حضور بهمرسانند. مأمورين پارکه در هر موقع حق دارند بدفاتر و اسناد و نوشتجات مربوطه بورشکستگي مراجعه کنند.

این مراجعه نباید باعث تعطیل جریان امر باشد.

مبحث سوم - در فروش اموال و وصول مطالبات

ماده ۴۵۶ - پس از تهیه شدن صورت دارائي تمام مالاالتجاره و وجه نقد و اسناد طلب و دفاتر و نوشتجات و اثاثیه (بغیر از مستثنیات دین) واشیاءِ تاجر ورشکسته بمدیر تصفیه تسلیم میشود.

ماده ۴۵۷ - مدير تصفيه با نظارت عضو ناظر بوصول مطالبات مداومت مينمايد و همچنين ميتواند با اجازه مدعيالعموم و نظارت عضو ناظر بفروش اثاثالبيت و مالالتجاره تاجر مباشرت نمايد ليكن قبلاً بايد اظهارات تاجر ورشكسته را استماع يا لااقل مشاراليه را براي دادن توضيحات احضاركند - ترتيب فروش بموجب نظامنامه وزارت عدليه معين خواهد شد.

ماده ۴۵۸ - نسبت بتمام دعاوي که هیئت طلبکارها در آن ذینفع میباشند مدیر تصفیه با اجازه عضو ناظر میتواند دعوی را بصلح خاتمه دهد اگر چه دعاوی مزبوره راجع به اموال غیر منقول باشد و در این مورد تاجر ورشکسته باید احضار شده باشد.

ماده ۴۵۹ - اگر موضوع صلح قابل تقویم نبوده یا بیش از پنجهزار ریال باشد صلح لازمالاجرا نخواهد بود مگر اینکه محکمه آن صلح را تصدیق نماید در موقع تصدیق صلحنامه تاجر ورشکسته احضار میشود و در هر صورت مشارالیه حق دارد که بصلح اعتراض كند - اعتراض ورشكسته درصورتيكه صلح راجع باموال غير منقول باشد براي جلوگيري از صلح كافي خواهد بود تا محكمه تكليف صلح را معين نمايد.

ماده ۴۶۰ - وجوهي كه بتوسط مدير تصفيه دريافت ميشود بايد فوراً بصندوق عدليه محل تسليم گردد. صندوق مزبور حساب مخصوصي براي عمل ورشكسته اعم از عايدات و مخارج باز ميكند وجوه مزبور از صندوق مسترد نميگردد مگر بحواله عضو ناظر و تصديق مدير تصفيه.

مبحث چهارم - در اقدامات تأمینیه

ماده ۴۶۱ - مدير تصفيه مكلف است از روز شروع بمأموريت اقدامات تأمينيه براي حفظ حقوق تاجر ورشكسته نسبت بمديونين او بعملآورد.

مبحث پنجم - در تشخیص مطالبات طلبکارها

ماده ۴۶۲ - پس از صدور حكم ورشكستگي طلبكارها مكلفند - در مدتي كه بموجب اخطار مدير تصفيه در حدود نظامنامه وزارت عدليه معينشده - اسناد طلب خود يا سواد مصدق آنرا بانضمام فهرستي كه كليه مطالبات آنها را معين مينمايد بدفتردار محكمه تسليم كرده قبض دريافت دارند.

ماده ۴۶۳ - تشخیص مطالبات طلبکارها در ظرف سه روز از تاریخ انقضای مهلت مذکور در ماده قبل شروع شده و بدون وقفه در محل و روز وساعتیکه از طرف عضو ناظر معین میگردد - بترتیبی که در نظامنامه معین خواهد شد - تعقیب میشود.

ماده ۴۶۴ - هر طلبكاري كه طلب او تشخيص يا جزءِ صورت حساب دارائي منظور شده ميتواند در حين تشخيص مطالبات ساير طلبكارها حضوربهمرسانيده و نسبت بطلب هائي كه سابقاً تشخيص شده يا فعلاً در تحت رسيدگي است اعتراض نمايد - همين حق را خود تاجر ورشكسته هم خواهد داشت.

ماده ۴۶۵ - محل اقامت طلبكارها و وكلاي آنها در صورت مجلس تشخيص مطالبات معين و بعلاوه توصيف مختصري از سند داده ميشود وتعيين قلمخوردگي يا تراشيدگي يا الحاقات بينالسطور نيز بايد در صورتمجلس قيد و اين نكته مسلّم شود كه طلب مسلم يا متنازعفيه است.

ماده ۴۶۶ - عضو ناظر ميتواند بنظر خود امر بابراز دفاتر طلبكارها دهد يا از محكمه محل تقاضا نمايد صورتي از دفاتر طلبكارها استخراج كرده و نزد او بفرستد.

ماده ۴۶۷ - اگر طلب مسلّم و قبول شد مدیر تصفیه در روی سند عبارت ذیل را نوشته امضاء نموده و عضو ناظر نیز آنرا تصدیق میکند:

«جزو قروض...... مبلغ...... قبول شد بتاريخ.....»

هر طلبكار بايد در ظرف مدت و بترتيبي كه بموجب نظامنامه وزارت عدليه معين ميشود التزام بدهد طلبي را كه اظهار كرده طلب حقيقي و بدونقصد استفاده نامشروع است. ماده ۴۶۸ - اگر طلب متنازعفيه واقع شد عضو ناظر ميتواند حل قضيه را بمحكمه رجوع و محكمه بايد فوراً از روي راپرت عضو ناظر رسيدگي نمايد محكمه ميتواند امر دهد كه با حضور عضو ناظر تحقيق در امر بعمل آيد و اشخاصي را كه ميتوانند راجع باين طلب اطلاعاتي دهند عضو ناظر احضار يا از آنها كسـب اطلاع كند.

ماده ۴۶۹ - در موقعي كه اختلاف راجع به تشخيص طلبي بمحكمه رجوع شده و قضيه طوري باشـد كه محكمه نتواند در ظرف پانزده روز حكم صادر كند بايد بر حسـب اوضاع امر دهد كه انعقاد مجلس هيئت طلبكارها براي ترتيب قرارداد ارفاقي بتأخير افتد و يا اينكه منتظر نتيجه رسـيدگي نشـده و مجلس مزبور منعقد شـود.

ماده ۴۷۰ - محکمه ميتواند در صورت تصميم بانعقاد مجلس قرار دهد که صاحب طلب متنازعفيه معادل مبلغي که محکمه در قرار مزبور معينميکند موقتاً طلبکار شناخته شده در مذاکرات هيئت طلبکارها براي مبلغ مذکور شرکت نمايد.

ماده ۴۷۱ - در صورتیکه طلبي مورد تعقیب جزائي واقع شده باشد محکمه میتواند قرار تأخیر مجلس را بدهد ولي اگر تصمیم بعدم تأخیر مجلس نمود نمیتواند صاحب آن طلب را موقتاً جزو طلبکاران قبول نماید و مادام که محاکم صالحه حکم خود را ندادهاند طلبکار مزبور نميتواند بهیچوجه در عملیات راجعه بورشکستگي شرکت کند.

ماده ۴۷۲ - پس از انقضاي مهلتهاي معين در مواد۴۶۲ و ۴۶۷ بترتيب قرارداد ارفاقي و بساير عمليات راجعه بورشـکسـتگي مداومت ميشـود.

ماده ۴۷۳ - طلبكارهائي كه در مواعد معينه حاضر نشده و مطابق ماده۴۶۲ عمل نكردند نسبت بعمليات و تشخيصات و تصميماتي كه راجع بتقسيم وجوه قبل از آمدن آنها بعمل آمده حق هيچگونه اعتراضي ندارند ولي در تقسيماتي كه ممكن است بعمل آيد جزءِ غرما حساب ميشوند بدون اينكه حق داشته باشند حصة را كه در تقسيمات سابق بآنها تعلق ميگرفت از اموالي كه هنوز تقسيم نشده مطالبه نمايند.

ماده ۴۷۴ - اگر اشخاصي نسبت باموال متصرفي تاجر ورشكسته دعوي خياراتي دارند و صرفنظر از آن نميكنند بايد آن را در حين تصفيه عمل ورشكستگي ثابت نموده و بموقع اجرا گذارند.

ماده ۴۷۵ - حکم فوق درباره دعوي خياراتي نيز مجري خواهد بود که تاجر ورشکسته نسبت باموال متصرفي خود يا ديگران دارد مشروط براينکه بر ضرر طلبکارها نباشد.

فصل هفتم - در قرارداد ارفاقي و تصفيه حساب تاجر ورشكسته

مبحث اول - در دعوت طلبكارها و مجمع عمومي آنها

ماده ۴۷۶ - عضو ناظر در ظرف هشت روز از تاریخ موعدی که بموجب نظامنامه مذکور در ماد۴۶۷ معین شده بتوسط دفتردار محکمه کلیه طلبکارهائی را که طلب آنها تشخیص و تصدیق یا موقتاً قبول شده است برای مشاوره در انعقاد قرارداد ارفاقی دعوت مینماید - موضوع دعوت مجمععمومی طلبکارها در رقعههای دعوت و اعلانات مندرجه در جراید باید تصریح شود. ماده ۴۷۷ - مجمع عمومي مزبور در محل و روز و ساعتي كه از طرف عضو ناظر معين شده است در تحت رياست مشاراليه منعقد ميشود- طلبكارهائي كه طلب آنها موقتاً قبول منعقد ميشود- طلبكارهائي كه طلب آنها موقتاً قبول گرديده يا وكيل ثابت الوكاله آنها حاضر ميشوند تاجر ورشكسته نيز باين مجمع احضار ميشود مشاراليه بايد شخصاً حاضر گرديده و فقط وقتي ميتواند اعزام وكيل نمايد كه عذر موجه داشته و صحت آن بتصديق عضو ناظر رسيده باشد.

ماده ۴۷۸ - مدير تصفيه بمجمع طلبكارها راپورتي از وضعيت ورشكستگي و اقداماتي كه بعمل آمده و عملياتي كه با استحضار تاجر ورشكسته شده است ميدهد راپورت مزبور بامضاءِ مدير تصفيه رسيده بعضو ناظر تقديم ميشود و عضو ناظر بايد از كليه مذاكرات و تصميمات مجمع طلبكارها صورت مجلسـي ترتيب دهد.

مبحث دوم - در قرارداد ارفاقي

فقره اول - در ترتیب قرارداد ارفاقي

ماده ۴۷۹ - قرارداد ارفاقي تاجر ورشكسته و طلبكارهاي او منعقد نميشود مگر پس از اجراي مراسمي كه در فوق مقرر شده است.

ماده ۴۸۰ - قرارداد ارفاقي فقط وقتي منعقد ميشود كه لااقل نصف بعلاوه يكنفر از طلبكارها با داشتن لااقل سه ربع از كليه مطالباتي كه مطابق مبحث پنجم از فصل ششم تشخيص و تصديق شده يا موقتاً قبول گشته است در آن قرارداد شركت نموده باشند و الا بلااثر خواهد بود.

ماده ۴۸۱ - هر گاه در مجلس قرارداد ارفاقي اكثريت طلبكارها عدداً حاضر شوند ولي از حيث مبلغ داراي سـه ربع از مطالبات نباشند يا آنكه داراي سـه ربع از مطالبات باشند ولي اكثريت عددي را حائز نباشند نتيجه حاصله از آن مجلس معلّق و قرار انعقاد مجلس ثاني براي يكهفته بعد داده ميشود.

ماده ۴۸۲ - طلبكارهائي كه در مجلس اول خود يا وكيل ثابتالوكاله آنها حاضر بوده و صورتمجلس را امضاء نمودهاند مجبور نيستند در مجلس ثاني حاضر شوند مگر آنكه بخواهند در تصميم خود تغييري دهند ولي اگر حاضر نشدند تصميمات سابق آنها باعتبار خود باقي است - اگر در جلسهثاني اكثريت عددي و مبلغي مطابق ماده ۴۸ تكميل شود قرارداد ارفاقي قطعي خواهد بود.

ماده ۴۸۳ - اگر تاجر بعنوان ورشكسته به تقلب محكوم شده باشد قرارداد ارفاقي منعقد نميشود - در موقعي كه تاجر بعنوان ورشكسته به تقلب محكوم شده باشد قرارداد ارفاقي منعقد نميشود لازم است طلب كارها دعوت شوند و معلوم كنند كه آيا با احتمال حصول برائت تاجر و انعقاد قرارداد ارفاقي تصميم خود را در امرمشاراليه بزمان حصول نتيجه رسيدگي بتقلب موكول خواهند كرد يا تصميم فوري خواهند گرفت اگر بخواهند تصميم را موكول بزمان بعد نمايند بايد طلبكارهاي حاضر از حيث عده و از حيث مبلغ اكثريت معين در ماده ۴۸۰ را حائز باشند چنانچه در انقضاي مدت و حصول نتيجه رسيدگي بتقلب بناي انعقاد قرارداد ارفاقي شود قواعدي كه بموجب مواد قبل مقرر است در اين موقع نيز بايد معمول گردد.

ماده ۴۸۴ - اگر تاجر بعنوان ورشکستگی بتقصیر محکوم شود انعقاد قرارداد ارفاقی ممکن است لیکن در صورتیکه تعقیب تاجر شروع شده باشد طلبکارها میتوانند تا حصول نتیجه تعقیب و با رعایت مقررات ماده قبل تصمیم در قرارداد را تأخیر بیندازند. ماده ۴۸۵ - كليه طلبكارها كه حق شركت در انعقاد قرارداد ارفاقي داشتهاند ميتوانند راجع بقرارداد اعتراض كنند - اعتراض بايد موجه بوده و درظرف يكهفته از تاريخ قرارداد بمدير تصفيه و خود تاجر ورشكسته ابلاغ شود و الا از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

مدير تصفيه و تاجر ورشكسته باولين جلسه محكمه كه بعمل ورشكستگي رسيدگي ميكنند احضار ميشوند.

ماده ۴۸۶ - قرارداد ارفاقي بايد بتصديق محكمه برسـد و هر يك از طرفين قرارداد ميتوانند تصديق آنرا از محكمه تقاضا نمايد.

محكمه نميتواند قبل از انقضاي مدت يكهفته مذكور در ماده قبل تصميمي راجع بتصديق اتخاذ نمايد - هر گاه در ظرف اين مدت از طرف طلبكارهائي كه حق اعتراض دارند اعتراضاتي بعمل آمده باشد محكمه بايد در موضوع اعتراضات و تصديق قرارداد ارفاقي حكم واحد صادر كند -اگر اعتراضات تصديق شود قرارداد نسبت بتمام اشخاص ذينفع بلااثر ميشود.

ماده ۴۸۷ - قبل از آن که محکمه در باب تصدیق قرارداد رأي دهد عضو ناظر باید راپورتي که متضمن کیفیت ورشکستگي و امکان قبول قراردادباشد بمحکمه تقدیم نماید.

ماده ۴۸۸ - در صورت عدم رعایت قواعد مقرره محکمه از تصدیق قرارداد ارفاقی امتناع خواهد نمود.

فقره دوم - در اثرات قرارداد ارفاقي

ماده ۴۸۹ - همينكه قرارداد ارفاقي تصديق شد نسبت به طلبكارهائي كه در اكثريت بودهاند يا در ظرف ده روز از تاريخ تصديق آنرا امضاء نمودهاند قطعي خواهد بود ولي طلبكارهائي كه جزو اكثريت نبوده و قرارداد را هم امضاء نكردهاند ميتوانند سهم خود را موافق آنچه از دارائي تاجر به طلبكارها ميرسد دريافت نمايند ليكن حق ندارند در آتيه از دارائي تاجر ورشكسته بقيه طلب خود را مطالبه كنند مگر پس از تأديه تمام طلب كسانيكه در قراردادارفاقي شركت داشته يا آنرا در ظرف ده روز مزبور امضاء نمودهاند.

ماده ۴۹۰ - پس از تصدیق شدن قرارداد ارفاقي دعوي بطلان نسبت به آن قبول نمیشود مگر اینکه پس از تصدیق مکشوف شود که در میزان دارائي یا مقدار قروض حیلة بکار رفته و قدر حقیقي قلمداد نشده است.

ماده ۴۹۱ - همینکه حکم محکمه راجع بتصدیق قرارداد قطعي شد مدیر تصفیه صورتحساب کاملي با حضور عضو ناظر بتاجر ورشکسته میدهد که در صورت عدم اختلاف بسته میشود - مدیر تصفیه کلیه دفاتر و اسناد و نوشتجات و همچنین دارائي ورشکسته را باستثناي آنچه که باید بطلبکاراني که قرارداد ارفاقي را امضاء نکردهاند داده شود بمشارالیه رد کرده رسید میگیرد و پس از آنکه قرار تأدیه سهم طلبکاران مذکور را داد مأموریت مدیر تصفیه ختم میشود - از تمام این مراتب عضو ناظر صورتمجلسي تهیه مینماید و مأموریتش خاتمه ميابد - در صورت تولیداختلاف محکمه رسیدگي کرده حکم مقتضي خواهد داد.

فقره سوم - در ابطال یا فسخ قرارداد ارفاقي

ماده ۴۹۲ - در مورد ذیل قرارداد ارفاقی باطل است:

۱ - در مورد محکومیت تاجر بورشکستگی بتقلّب.

۲ - در مورد ماده ۴۹۰.

ماده ۴۹۳ - اگر محکمه حکم بطلان قرارداد ارفاقي را بدهد ضمانت ضامن يا ضامنها (در صورتي که باشد) بخودي خود ملغي ميشود.

ماده ۴۹۴ - اگر تاجر ورشکسته شرایط قرارداد ارفاقي را اجرا نکرد ممکن است براي فسخ قرارداد مزبور بر علیه او اقامه دعوي نمود.

ماده ۴۹۵ - در صورتیکه اجراي تمام یا قسمتي از قرارداد را یك یا چند نفر ضمانت کرده باشند طلبکارها میتوانند اجراي تمام یا قسمتي از قرارداد را که ضامن دارد از او بخواهند و در مورد اخیر آن قسمت از قرارداد که ضامن نداشته فسخ میشود. در صورت تعدّد ضامن مسئولیت آنها تضامني است.

ماده ۴۹۶ - اگر تاجر ورشکسته پس از تصدیق قرارداد بعنوان ورشکستگي بتقلب تعقیب شده در تحت توقیف یا حبس در آید محکمه میتواند هر قسم وسایل تأمینیه را که مقتضي بداند اتخاذ کند ولي بمحض صدور قرار منع تعقیب یا حکم تبرئه وسائل مزبوره مرتفع میشود.

ماده ۴۹۷ - پس از صدور حكم ورشكستگي بتقلب يا حكم ابطال يا فسخ قرارداد ارفاقي محكمه يك عضو ناظر و يك مدير تصفيه معين ميكند.

ماده ۴۹۸ - مدير تصفيه ميتواند دارائي تاجر را توقيف و مهر و موم نمايد مدير تصفيه فوراً از روي صورت دارائي سابق اقدام برسيدگي اسناد و نوشتجات نموده و اگر لازم باشد متممي براي صورت دارائي ترتيب ميدهد مدير تصفيه بايد فوراً بوسيله اعلان در روزنامه طلبكارهاي جديد را اگرباشند دعوت نمايد كه در ظرف يكماه اسناد مطالبات خود را براي رسيدگي ابراز كنند - در اعلان مزبور مفاد قرار محكمه كه بموجب آن مدير تصفيه معين شده است بايد درج شود.

ماده ۴۹۹ - بدون فوت وقت باسناديكه مطابق ماده قبل ابراز شده رسيدگي ميشود - نسبت بمطالباتيكه سابقاً تشخيص يا تصديق شده است رسيدگي جديد بعمل نميآيد - مطالباتي كه تمام يا قسمتي از آنها بعد از تصديق پرداخته شده است موضوع ميشود.

ماده ۵۰۰ - معاملاتي که تاجر ورشکسته پس از صدور حکم راجع بتصدیق قرارداد ارفاقي تا صدور حکم بطلان یا فسخ قرارداد مزبور نموده باطل نميشود مگر در صورتیکه معلوم شود بقصد اضرار بوده و بضرر طلبکاران هم باشـد.

ماده ۵۰۱ - در صورت فسخ یا ابطال قرارداد ارفاقي دارائي تاجر بین طلبکاران ارفاقي و اشخاصیکه بعد از قرارداد ارفاقي طلبکار شدهاند بغرما تقسیم میشود.

ماده ۵۰۲ - اگر طلبكاران ارفاقي بعد از توقف تاجر تا زمان فسخ يا ابطال چيزي گرفتهاند مأخوذي آنها از وجهي كه به ترتيب غرما به آنها ميرسد كسر خواهد شد.

ماده ۵۰۳ - هر گاه تاجري ورشکست و امرش منتهي بقرارداد ارفاقي گرديد و ثانياً بدون اينکه قرارداد مزبور ابطال يا فسخ شود ورشکست شـد مقررات دو ماده قبل در ورشکستگي ثانوي لازمالاجرا اسـت.

مبحث سوم - در تفريغ حساب و ختم عمل ورشكستگي

ماده ۵۰۴ - اگر قرارداد ارفاقي منعقد نشد مدير تصفيه فوراً بعمليات تصفيه و تفريغ عمل ورشكستگي شروع خواهد كرد.

ماده ۵۰۵ - در صورتي که اکثریت مذکور در ماده (۴۸) موافقت نماید محکمه مبلغي را براي اعاشـه ورشـکسـته در حدود مقررات ماده ۴۴۷ معینخواهد کرد.

ماده ۵۰۶ - اگر شركت تضامني - مختلط يا نسبي ورشكست شود طلبكارها ميتوانند قرارداد ارفاقي را با شركت يا منحصراً با يك يا چند نفر ازشركاءِ ضامن منعقد نمايند. در صورت ثاني دارائي شركت تابع مقررات اين مبحث و بغرما تقسيم ميشود ولي دارائي شخصي شركائي كه با آنها قرارداد ارفاقي منعقد شده است بغرما تقسيم نخواهد شد - شريك يا شركاءِ ضامن كه با آنها قرارداد خصوصي منعقد شده نميتوانند تعهد حصه نمايند مگر از اموال شخصي خودشان - شريكي كه با او قرارداد مخصوص منعقد شده از مسئوليت ضمانتي مبري است.

ماده ۵۰۷ - اگر طلبكارها بخواهند تجارت تاجر ورشكسته را ادامه دهند ميتوانند براي اين امر وكيل يا عامل مخصوصي انتخاب نموده يا بخود مدير تصفيه اين مأموريت را بدهند.

ماده ۵۰۸ - در ضمن تصمیمي که وکالت مذکور در ماده فوق را مقرر ميدارد باید مدت و حدود وکالت و همچنین میزان وجهي که وکیل میتواند براي مخارج لازمه پیش خود نگاهدارد معین گردد - تصمیم مذکور اتخاذ نمیشود مگر با حضور عضو ناظر و با اکثریت سه ربع از طلبکارها عدداً ومبلغاً - خود تاجر ورشکسته و همچنین طلبکارهاي مخالف (با رعایت ماد۴۷۴) ميتوانند نسبت باین تصمیم در محکمه اعتراض نمایند - این اعتراض اجراي تصمیم را بتأخیر نمیاندازد.

ماده ۵۰۹ - اگر از معاملات وكيل يا عامليكه تجارت ورشكسته را ادامه ميدهد تعهداتي حاصل شود كه بيش از حد دارائي تاجر ورشكسته است فقط طلبكارهائي كه آن اجازه را دادهاند شخصاً علاوه بر حصة كه در دارائي مزبور دارند به نسبت طلبشان در حدود اختياراتيكه دادهاند مسئول تعهدات مذكوره ميباشند.

ماده ۵۱۰ - در صورتي كه عمل تاجر ورشكسته منجر بتفريغ حساب شود مدير تصفيه مكلف است تمام اموال منقول و غير منقول تاجرورشكسته را بفروش رسانيده مطالبات و ديون و حقوق او را صلح و مصالحه و وصول و تفريغ كند تمام اين مراتب در تحت نظر عضو ناظر و با حضور تاجر ورشكسته بعمل ميآيد. اگر تاجر ورشكسته از حضور استنكاف نمود استحضار مدعيالعموم كافي است - فروش اموال مطابق نظامنامه وزارت عدليه بعمل خواهد آمد.

ماده ۵۱۱ - همینکه تفریغ عمل تاجر به اتمام رسید عضو ناظر طلبکارها و تاجر ورشکسته را دعوت مینماید. در این جلسه مدیر تصفیه حساب خود را خواهد داد.

ماده ۵۱۲ - هر گاه اموالي در اجاره تاجر ورشكسته باشد مدير تصفيه در فسخ يا ابقاءِ اجاره بنحوي كه موافق منافع طلبكارها باشد اتخاذ تصميمرميكند - اگر تصميم بر فسخ اجاره شده صاحبان اموال مستأجره از بابت مالالاجارة كه تا آن تاريخ مستحق شدهاند جزو غرما منظور ميشوند اگرتصميم بر ابقاءِ اجاره بوده و تأميناتي هم سابقاً بموجب اجارهنامه بموجر داده شده باشد آن تأمينات ابقاء خواهد شد و الا تأميناتي كه پس از ورشكستگي داده ميشود بايد كافي باشد - در صورتيكه با تصميم مدير تصفيه بر فسخ اجاره موجر راضي بفسخ نشود حق مطالبه تأمين را نخواهد داشت.

ماده ۵۱۳ - مدير تصفيه ميتواند با اجازه عضو ناظر اجاره را براي بقيه مدت بديگري تفويض نمايد (مشروط بر اينكه بموجب قرارداد كتبي طرفين اين حق منع نشده باشد) و در صورت تفويض بغير بايد وثيقه كافي كه تأمين پرداخت مالالاجاره را بنمايد بمالك اموال مستأجره داده و كليه شرايط و مقررات اجارهنامه را بموقع خود اجرا كند.

فصل هشتم - در اقسام مختلفه طلبكارها و حقوق هر يك از آنها

مبحث اول

در طلبكارهائيكه رهينه منقول دارند

ماده ۵۱۴ - طلبكارهائي كه رهينه در دست دارند فقط در صورت غرما براي يادداشت قيد ميشوند.

ماده ۵۱۵ - مدیر تصفیه میتواند در هر موقع با اجازه عضو ناظر طلب طلبکارها را داده و شیئی مرهون را از رهن خارج و جزو دارائي تاجرورشکسته منظور دارد.

ماده ۵۱۶ - اگر وثیقه فك نشود مدیر تصفیه باید با نظارت مدعيالعموم آن را بفروش برساند و مرتهن نیز در آن موقع باید دعوت شود. اگر قیمت فروش وثیقه پس از وضع مخارج بیش از طلب طلبكار باشد مازاد بمدیر تصفیه تسلیم ميشود و اگر قیمت فروش كمتر شد مرتهن براي بقیه طلب خود در جزو طلبكارهاي عادي در غرما منظور خواهد شد.

ماده ۵۱۷ - مدیر تصفیه صورت طلبکارهائي را که ادعاي وثیقه مینمایند بعضو ناظر تقدیم میکند. عضو مزبور در صورت لزوم اجازه میدهد طلب آنها از اولین وجوهمي که تهیه میشود پرداخته گردد در صورتیکه نسبت بحق وثیقه طلبکارها اعتراض داشته باشند بمحکمه رجوع میشود.

مبحث دوم

در طلبكارهائيكه نسبت باموال غير منقول حق تقدم دارند

ماده ۵۱۸ - اگر تقسيم وجوهي كه از فروش اموال غير منقول حاصل شده قبل از تقسيم دارائي منقول يا در همان حين بعمل آمده باشـد طلبكارهائي كه نسبت باموال غير منقول حقوقي دارند و حاصل فروش اموال مزبور كفايت طلب آنها را ننموده اسـت نسبت ببقيه طلب خود جزو غرماءِ معمولي منظور و از وجوهي كه براي غرماءِ مزبور مقرر اسـت حصه ميبرند مشـروط بر اينكه طلب آنها بطوريكه قبلاً مذكور شـده اسـت تصديق شـده باشـد.

ماده ۵۱۹ - اگر قبل از تقسيم وجوهي كه از فروش اموال غير منقول حاصل شده وجهي از بابت دارائي منقول تقسيم شود طلبكارهائي كه نسبت باموال غير منقول حقوقي دارند و طلب آنها تصديق و اعتراف شده است بميزان كليه طلب خود جزو ساير غرما وارد و از وجوه مزبوره حصه ميبرندولي عندالاقتضاء مبلغ دريافتي در موقع تقسيم حاصل اموال غير منقول از طلب آنها موضوع ميشود. ماده ۵۲۰ - در مورد طلبكارهائي كه نسبت باموال غير منقول حقوقي دارند ولي بواسطه مقدم بودن ساير طلبكارها نميتوانند در حين تقسيم قيمت اموال غير منقول طلب خود را تماماً وصول كنند ترتيب ذيل مرعي خواهد بود:

اگر طلبكارهاي مزبور قبل از تقسيم حاصل اموال غير منقول از بابت طلب خود وجهي دريافت داشته باشند اين مبلغ از حصة كه از بابت اموال غيرمنقول بآنها تعلق ميگيرد موضوع و بحصة كه بايد بين طلبكارهاي معمولي تقسيم شود اضافه ميگردد و بقيه طلبكارهائي كه در اموال غيرمنقول ذيحق بودهاند براي بقيه طلب خود بنسبت آن بقيه جزو غرما محسوب شده حصه ميبرند.

ماده ۵۲۱ - اگر بواسطه مقدم بودن طلبكارهاي ديگر بعضي از طلبكارهائي كه نسبت باموال غير منقول حقي دارند وجهي دريافت نكنند طلب آنها جزو غرما محسوب و بدين سمت هر معاملة كه از بابت قرارداد ارفاقي و غيره با غرما ميشود با آنها نيز بعمل خواهد آمد.

فصل نهمر

در تقسیم بین طلبکارها و فروش اموال منقول

ماده ۵۲۲ - پس از وضع مخارج اداره امور ورشكستگي و اعانة كه ممكن است بتاجر ورشكسته داده شده باشد و وجوهي كه بايد بصاحبان مطالبات ممتازه تأديه گردد مجموع دارائي منقول بين طلبكارها بنسبت طلب آنها كه قبلاً تشخيص و تصديق شده است خواهد شد.

ماده ۵۲۳ - مدير تصفيه براي اجراي مقصود مذكور در ماده فوق ماهي يكمرتبه صورتحساب عمل ورشكستگي را با تعيين وجوه موجوده بعضو ناظر ميدهد. عضو مذكور در صورت لزوم امر بتقسيم وجوه مزبور بين طلبكارها داده مبلغ آنرا معين و مواظبت مينمايد كه بتمام طلبكارها اطلاع داده شـود.

ماده ۵۲۴ - در موقع تقسيم وجوه بين طلبكارها حصه طلبكارهاي مقيم ممالك خارجه بنسبت طلب آنها كه در صورت دارائي و قروض منظورشده است موضوع ميگردد. چنانچه مطالبات مزبور صحيحاً در صورت دارائي و قروض منظور نشده باشد عضو ناظر ميتواند حصه موضوعي را زياد كند. براي مطالباتي كه هنوز در باب آنها تصميم قطعي اتخاذ نشده است بايد مبلغي موضوع كـد.

ماده ۵۲۵ - وجوهیکه براي طلبکارهاي مقیم خارجه موضوع شده است تا مدتي که قانون براي آنها معین کرده بطور امانت بصندوق عدلیه سپرده خواهد شد - اگر طلبکارهاي مذکور مطابق این قانون مطالبات خود را بتصدیق نرسانند مبلغ مزبور بین طلبکارهائي که طلب آنها بتصدیقرسیده تقسیم میگردد.

وجوهي كه براي مطالبات تصديق نشده موضوع گرديده در صورت عدم تصديق آن مطالبات بين طلبكارهائي كه طلب آنها تصديق شده تقسيم ميشود.

ماده ۵۲۶ - هیچ طلبي را مدیر تصفیه نميپردازد مگر آنکه مدارك و اسناد آنرا قبلاً ملاحظه کرده باشـد مدیر تصفیه مبلغي را که پرداخته در روي سند قید میکند عضو ناظر در صورت عدم امکان ابراز سند میتواند اجازه دهد که بموجب صورتمجلسـي که طلب در آن تصدیق شـده وجهي پرداخته شـود در هر حال باید طلبکارها رسـید وجه را در ذیل صورت تقسـیم ذکر کنند.

ماده ۵۲۷ - ممکن است هیئت طلبکارها با استحضار تاجر ورشکسته از محکمه تحصیل اجازه نمایند که تمام یا قسمتی از حقوق و مطالبات تاجر ورشکسته را که هنوز وصول نشده بطوریکه صرفه و صلاح تاجر ورشکسته هم منظور شود خودشان قبول و مورد معامله قرار دهند در این صورتمدیر تصفیه اقدامات مقتضیه را بعمل خواهد آورد - در این خصوص هر طلبکاری میتواند بعضو ناظر مراجعه کرده تقاضا نماید که طلبکارهای دیگر را عودت نماید تا تصمیم خود را اتخاذ بنمایند.

فصل دهم - در دعوي استرداد

ماده ۵۲۸ - اگر قبل از ورشكستگي تاجر كسـي اوراق تجارتي باو داده باشـد كه وجه آنرا وصول و بحسـاب صاحب سـند نگاهدارد و يا بمصرف معيني برسـاند و وجه اوراق مزبور وصول يا تأديه نگشـته و اسـناد عيناً در حين ورشـكسـتگي در نزد تاجر ورشـكسـته موجود باشـد صاحبان آن ميتوانند عين اسـناد را اسـترداد كنند.

ماده ۵۲۹ - مالالتجارههائي که در نزد تاجر ورشکسته امانت بوده یا بمشارالیه داده شده است که بحساب صاحب مالالتجاره بفروش برساند مادام که عین آنها کلاً یا جزءً نزد تاجر ورشکسته موجود یا نزد شخص دیگری از طرف تاجر مزبور بامانت یا برای فروش گذارده شده و موجود باشد قابل استرداد است.

ماده ۵۳۰ - مالالتجارههائي که تاجر ورشکسته بحساب دیگري خریداري کرده و عین آن موجود است اگر قیمت آن پرداخته نشده باشد از طرف فروشنده و الا از طرف کسیکه بحساب او آن مال خریداري شده قابل استرداد است.

ماده ۵۳۱ - هر گاه تمام يا قسمتي از مالاالتجارة كه براي فروش بتاجر ورشكسته داده شده بود معامله شده و بهيچ نحوي بين خريدار و تاجرورشكسته احتساب نشده باشد از طرف صاحب مال قابل استرداد است اعم از اينكه نزد تاجر ورشكسته يا خريدار باشد و بطور كلي عين هر مال متعلق بديگري كه در نزد تاجر ورشكسته موجود باشد قابل استرداد است.

ماده ۵۳۲ - اگر مالالتجارة که براي تاجر ورشکسته حمل شده قبل از وصول از روي صورتحساب يا بارنامة که داراي امضاءِ ارسالکننده است بفروش رسيده و فروش صوري نباشد دعوي استرداد پذيرفته نميشود و الا موافق ماد۵۲۹ قابل استرداد است و استردادکننده بايد وجوهي را که بطور عليالحساب گرفته يا مساعدتاً از بابت کرايه حمل و حق کميسيون و بيمه و غيره تأديه شده يا از اين بابتها بايد تأديه بشود بطلبکارها بپردازند.

ماده ۵۳۳ - هر گاه کسی مالالتجارة بتاجر ورشکسته فروخته ولیکن هنوز آن جنس نه بخود تاجر ورشکسته تسلیم شده و نه بکس دیگر که بحساب او بیاورد آن کس میتواند باندازة که وجه آنرا نگرفته از تسلیم مالالتجاره امتناع کند.

ماده ۵۳۴ - در مورد دو ماده قبل مدیر تصفیه میتواند با اجازه عضو ناظر تسلیم مالالتجاره را تقاضا نماید ولی باید قیمتی را که بین فروشنده و تاجر ورشکسته مقرر شده است بپردازد.

ماده ۵۳۵ - مدیر تصفیه میتواند با تصویب عضو ناظر تقاضاي استرداد را قبول نماید و در صورت اختلاف محکمه پس از استماع عقیده عضو ناظرحکم مقتضي را میدهد.

فصل یازدهم - در طرق شکایت از احکام صادره راجع بورشکستگی

ماده ۵۳۶ - حكم اعلان ورشكستگي و همچنين حكمي كه بموجب آن تاريخ توقف تاجر در زماني قبل از اعلان ورشكستگي تشخيص شود قابل اعتراض است. ماده ۵۳۷ - اعتراض باید از طرف تاجر ورشکسته در ظرف ده روز و از طرف اشخاص ذینفع که در ایران مقیمند در ظرف یکماه و از طرف آنهائي که در خارجه اقامت دارند در ظرف دو ماه بعمل آید ابتداي مدتهاي مزبور از تاریخي است که احکام مذکوره اعلان میشود.

ماده ۵۳۸ - پس از انقضاي مهلتي كه براي تشخيص و تصديق مطالبات طلبكارها معين شده است ديگر هيچ تقاضائي از طرف طلبكارها راجع بتعيين تاريخ توقف بغير آن تاريخي كه بموجب حكم ورشكستگي يا حكم ديگري كه در اين باب صادر شده قبول نخواهد شد - همينكه مهلتهاي مزبور منقضي شد تاريخ توقف نسبت به طلبكارها قطعي و غير قابل تغيير خواهد بود.

ماده ۵۳۹ - مهلت استیناف از حکم ورشـکسـتگـي ده روز از تاریخ ابلاغ اسـت - باین مدت براي کسـاني که محل اقامت آنها از مقر محکمه بیش ازشـش فرسـخ فاصله دارد از قرار هر شـش فرسـخ یکروز اضافه میشـود.

ماده ۵۴۰ - قرارهاي ذيل قابل اعتراض و استيناف و تميز نيست:

- ۱) قرارهاي راجعه به تعيين يا تغيير عضو ناظر يا مدير تصفيه.
- ۲) قرارهاي راجعه به تقاضاي اعانه بجهت تاجر ورشكسته يا خانواده او.
  - ٣) قرارهاي فروش اسباب يا مالالتجارة كه متعلق بورشكسته است.
- ۴) قرارهائي كه قرارداد ارفاقي را موقتاً موقوف يا قبول موقتي مطالبات متنازعفيه را مقرر ميدارد.
- ۵) قرارهاي صادره در خصوص شکايت از اوامري که عضو ناظر در حدود صلاحيت خود صادر کرده است.

باب دوازدهم - در ورشکستگي بتقصیر و ورشکستگي بتقلب

فصل اول - در ورشکستگي بتقصیر

ماده ۵۴۱ - تاجر در موارد ذیل ورشکسته بتقصیر اعلان میشود:

- ۱) در صورتیکه محقق شود مخارج شخصي یا مخارج خانه مشارالیه در ایام عادي بالنسبه به عایدي او فوقالعاده بوده است.
  - ۲) در صورتیکه محقق شود که تاجر نسبت بسرمایه خود مبالغ عمده صرف معاملاتی کرده که در عرف تجارت موهوم یا نفع آن منوط به اتفاقمحض است.
- ٣) اگر بقصد تأخیر انداختن ورشکستگي خود خریدي بالاتر یا فروشي نازلتر از مظنه روز کرده باشد یا اگر بهمان قصد وسایلي که دور از صرفه است بکار برده تا تحصیل وجهي نماید اعم از اینکه از راه استقراض یا صدور برات یا بطریق دیگر باشد.
  - ۴) اگر یکي از طلبکارها را پس از تاریخ توقف بر سایرین ترجیح داده و طلب او را پرداخته باشد.

ماده ۵۴۲ - در موارد ذیل هر تاجر ورشکسته ممکن است ورشکسته به تقصیر اعلان شود:

۱) اگر بحساب دیگري و بدون آنکه در مقابل عوضي دریافت نماید تعهداتي کرده باشـد که نظر بوضعیت مالي او در حین انجام آنها آن تعهداتفوقالعاده باشـد. ۲) اگر عملیات تجارتي او متوقف شـده و مطابق ماده۴۱۳ این قانون رفتار نکرده باشـد.

۳) اگر از تاریخ اجراي قانون تجارت مصوب۲۵ دلو۱۳۰۳ و ۱۲ فروردین و۱۲ خرداد ۱۳۰۴ دفتر نداشته یا دفاتر او ناقص یا بيترتیب بوده یا درصورت دارائي وضعیت حقیقي خود را اعم از قروض و مطالبات بطور صحیح معین نکرده باشـد (مشـروط بر اینکه در این موارد مرتکب تقلبي نشـده باشـد.)

ماده ۵۴۳ - ورشکستگي به تقصير جنحه محسوب و مجازات آن از۶ ماه تا سه سال حبس تأديبي است.

ماده ۵۴۴ - رسیدگي بجرم فوق بر حسب تقاضاي مدیر تصفیه یا هر یك از طلبكارها یا تعقیب مدعيالعموم در محكمه جنحه بعمل میآید.

ماده ۵۴۵ - در صورتیکه تعقیب تاجر ورشکسته بتقصیر از طرف مدعیالعموم بعمل آمده باشد مخارج آنرا بهیچوجه نمیتوان بهیئت طلبکارها تحمیل نمود - در صورت انعقاد قرارداد ارفاقی مأمورین اجرا نمیتوانند اقدام بوصول این مخارج کنند مگر پس از انقضای مدتهای معینه درقرارداد.

ماده ۵۴۶ - مخارج تعقیبی که از طرف مدیر تصفیه بنام طلبکارها میشود در صورت برائت تاجر بعهدة هیئت طلبکارها و در صورتیکه محکوم شد بعهده دولت است لیکن دولت حق دارد مطابق ماده قبل به تاجر ورشکسته مراجعه نماید.

ماده ۵۴۷ - مدیر تصفیه نمیتواند تاجر ورشکسته را بعنوان ورشکستگی بتقصیر تعقیب کند یا از طرف هیئت طلبکارها مدعی خصوصي واقع شود مگر پس از تصویب اکثریت طلبکارهاي حاضر.

ماده ۵۴۸ - مخارج تعقیبی که از طرف یکی از طلبکارها بعمل میآید در صورت محکومیت تاجر ورشکسته بعهده دولت و در صورت برائت ذمه بعهده تعقیبکننده است.

فصل دوم - در ورشکستگي به تقلب

ماده ۵۴۹ - هر تاجر ورشكسته كه دفاتر خود را مفقود نموده يا قسمتي از دارائي خود را مخفي كرده و يا بطريق مواضعه و معاملات صوري ازميان برده و همچنين هر تاجر ورشكسته كه خود را بوسيله اسناد و يا بوسيله صورت دارائي و قروض بطور تقلب بميزاني كه در حقيقت مديون نميباشد مديون قلمداد نموده است ورشكسته به تقلب اعلام و مطابق قانون جزا مجازات ميشود.

ماده ۵۵۰ - راجع بتقاضاي تعقيب و مخارج آن در موارد ماده قبل مفاد مواد۵۴۵ تا ۵۴۸ لازمالرعايه است.

فصل سوم - در جنحه و جنایاتي که اشخاص غیر از تاجر ورشکسته در امر ورشکستگي مرتکب میشوند

ماده ۵۵۱ - در مورد ورشکستگي اشخاص ذیل مجرم محسوب و مطابق قانون جزا بمجازات ورشکسته بتقلب محکوم خواهند شد:

- ۱) اشخاصیکه عالماً بنفع تاجر ورشکسته تمام یا قسمتي از دارائي منقول یا غیر منقول او را از میان ببرند یا پیش خود نگاهدارند یا مخفي نمایند.
- ۲) اشخاصیکه بقصد تقلب باسم خود یا به اسم دیگري طلب غیر مواقعي را قلمداد کرده و مطابق ماد۴۶۷ التزام داده باشند.

ماده ۵۵۲ - اشخاصیکه باسم دیگری یا به اسم موهومی تجارت نموده و اعمال مندرجه در مادهٔ ۵۴ را مرتکب شدهاند بمجازاتیکه برای ورشکسته بتقلب مقرر است محکوم میباشند.

ماده ۵۵۳ - اگر اقوام شخص ورشکسته بدون شرکت مشارالیه اموال او را از میان ببرند یا مخفی نمایند یا پیش خود نگاهدارند بمجازاتی که برایسرقت معین است محکو*م* خواهند شد.

ماده ۵۵۴ - در موارد معینه در مواد قبل محکمة که رسیدگي میکند باید در خصوص مسائل ذیل ولو اینکه متهم تبرئه شده باشـد - حکم بدهد:

۱) راجع برد کلیه اموال و حقوقیکه موضوع جرم بوده است بهیئت طلبکارها - این حکم را محکمه در صورتیکه مدعی خصوصی هم نباشد باید صادر کند.

۲) راجع بضرر و خساراتي که ادعا شده است.

ماده ۵۵۵ - اگر مدیر تصفیه در حین تصدی بامور تاجر ورشکسته وجهی را حیف و میل کرده باشد به مجازات خیانت در امانت محکوم خواهدشد.

ماده ۵۵۶ - هر گاه مدیر تصفیه اعم از اینکه طلبکار باشد یا نباشد در مذاکرات راجعه بورشکستگي با شخص ورشکسته یا با دیگري تباني نماید یا قرارداد خصوصي منعقد کند که آن تباني یا قرارداد بنفع مرتکب و به ضرر طلبکارها یا بعضي از آنها باشد در محکمه جنحه بحبس تأدیبي از شش ماه تا دو سال محکوم ميشود.

ماده ۵۵۷ - كليه قراردادهائي كه پس از تاريخ توقف تاجر منعقد شده باشد نسبت بهر كس حتي خود تاجر ورشكسته محكوم به بطلان است -طرف قرارداد مجبور است كه وجوه يا اموالي را كه بموجب قرارداد باطل شده دريافت كرده است باشخاص ذيحق مسترد دارد.

ماده ۵۵۸ - هر حکم محکومیتي که بموجب این فصل یا بموجب فصول سابق صادر بشود باید بخرج محکومعلیه اعلان گردد.

فصل چهارم - در اداره كردن اموال تاجر ورشكسته در صورت ورشكستگي بتقصير يا تقلب

ماده ۵۵۹ - در تمام مواردي که کسي بواسطه ورشکستگي به تقصير يا به تقلب تعقيب و محکوم ميشود رسيدگي به کليه دعادي (دعاوي) حقوقي بغيراز آنچه در مادهٔ۵۵۴ مذکور است از صلاحيت محکمه جزا خارج خواهد بود.

ماده ۵۶۰ - مدير تصفيه مكلف است در صورت تقاضاي مدعيالعموم بدايت كليه اسناد و نوشتجات و اوراق و اطلاعات لازمه را باو بدهد.

باب سیزدهم - در اعاده اعتبار

ماده ۵۶۱ - هر تاجر ورشکسته که کلیه دیون خود را با متفرعات و مخارجي که به آن تعلق گرفته است کاملاً بپردازد حقاً اعاده اعتبار مينمايد.

ماده ۵۶۲ - طلبكارها نميتوانند از جهت تأخيري كه در اداءِ طلب آنها شده است براي بيش از پنجسال مطالبه متفرعات و خسارت نمايند و در هرحال متفرعاتي كه مطالبه ميشود در سال نبايد بيش از صدي هفت طلب باشد.

ماده ۵۶۳ - براي آنكه شريك ضامن يك شركت ورشكسته كه حكم ورشكستگي او نيز صادر شده بتواند حق اعاده اعتبار حاصل كند بايد ثابت نمايد كه به ترتيب فوق تمام ديون شركت را پرداخته است ولو اينكه نسبت بشخص او قرارداد ارفاقي مخصوصي وجود داشته باشد.

ماده ۵۶۴ - در صورتي كه يك يا چند نفر از طلبكارها مفقودالاثر يا غائب بوده يا اينكه از دريافت وجه امتناع نمايند تاجر ورشكسته بايد وجوهي راكه به آنها مديون است با اطلاع مدعيالعموم در صندوق عدليه بسپارد و همينكه تاجر معلوم كرد اين وجوه را سپرده است بريالذمه محسوب است.

ماده ۵۶۵ - تجار ورشکسته در دو مورد ذیل پس از اثبات صحت عمل در مدت پنجسال از تاریخ اعلان ورشکستگی میتوانند اعتبار خود را اعاده نمایند:

۱) تاجر ورشکستة که تحصیل قرارداد ارفاقي نموده و تمام وجوهي را که بموجب قرارداد بعهده گرفته است پرداخته باشد. این ترتیب در مورد شریك شرکت ورشکستة که شخصاً تحصیل قرارداد ارفاقي جداگانه نموده است نیز رعایت میشود.

۲) تاجر ورشکستة که کلیه طلبکاران ذمه او را بري کرده یا به اعاده اعتبار او رضایت دادهاند.

ماده ۵۶۶ - عرضحال اعاده اعتبار باید بانضمام اسناد مثبته آن بمدعيالعموم حوزه ابتدائي داده شود که اعلان ورشکستگي در آن حوزه واقعشده است.

ماده ۵۶۷ - سواد این عرضحال در مدت یکماه در اتاق جلسه محکمه ابتدائی و همچنین در اداره مدعیالعموم بدایت الصاق و اعلان میشود بعلاوه دفتردار محکمه باید مفاد عرضحال مزبور را بکلیه طلبکارهائی که مطالبات آنها در حین تصفیه عمل تاجر ورشکسته یا بعد از آن تصدیق شده وهنوز طلب خود را بر طبق موادا ۵۶ و ۵۶۲ کاملاً دریافت نکردهاند بوسیله مکتوب سفارشی اعلام دارد.

ماده ۵۶۸ - هر طلبكاري كه مطابق مقررات مواد ۵۶۱ و ۵۶۲ طلب خود را كاملاً دريافت نكرده ميتواند در مدت يكماه از تاريخ اعلام مذكور درماده قبل بعرضحال اعاده اعتبار اعتراض كند.

ماده ۵۶۹ - اعتراض بوسیله اظهارنامه که بضمیمه اسناد مثبته بدفتر محکمه بدایت داده میشود بعمل میآید - طلبکار معترض می تواند بموجب عرضحال در حین رسیدگی بدعوی اعاده اعتبار بطور شخص ثالث ورود کند. ماده ۵۷۰ - پس از انقضاي موعد نتيجه تحقيقاتي كه بتوسط مدعيالعموم بعمل آمده است بانضمام عرايض اعتراض برئيس محكمه داده ميشود رئيس مزبور در صورت لزوم مدعي و معترضين را بجلسه خصوصي محكمه احضار ميكند.

ماده ۵۷۱ - در مورد ماده ۵۶۱ محکمه فقط صحت مدارك را سنجیده در صورت موافقت آنها با قانون حکم اعاده اعتبار میدهد و در مورد ماده ۵۶۵ محکمه اوضاع و احوال را سنجیده بطوریکه مقتضي عدل و انصاف بداند حکم میدهد و در هر دو صورت حکم باید در جلسه علني صادرگردد.

ماده ۵۷۲ - مدعي اعاده اعتبار و همچنين مدعي عمومي و طلبكارهاي معترض ميتوانند در ظرف ده روز از تاريخ اعلام حكم بوسيله مكتوب سفارشي از حكمي كه در خصوص اعاده اعتبار صادر شده استيناف بخواهند - محكمه استيناف پس از رسيدگي بر حسب مقررات ماده ۵۷۱ حكم صادر ميكند.

ماده ۵۷۳ - اگر عرضحال اعاده اعتبار رد بشود تجدید ممکن نیست مگر پس از انقضای شش ماه.

ماده ۵۷۴ - اگر عرضحال قبول شود حكمي كه صادر ميگردد در دفتر مخصوصي كه در محكمه بدايت محل اقامت تاجر براي اينكار مقرر است ثبت خواهد شد.

اگر محل اقامت تاجر در حوزه محکمة که حکم میدهد نباشد در ستون ملاحظات دفتر ثبت اسامی ورشکستگان که در دائره ثبت اسناد محل موجود است مقابل اسم تاجر ورشکسته با مرکب قرمز بحکم مزبور اشاره میشود.

ماده ۵۷۵ - ورشكستگان بتقلب و همچنين اشخاصيكه براي سرقت يا كلاهبرداري يا خيانت در امانت محكوم شدهاند مادامي كه از جنبه جزائي اعاده حيثيت نكردهاند نميتوانند از جنبه تجارتي اعاده اعتبار كنند.

باب چهاردهم - اسم تجارتي

ماده ۵۷۶ - ثبت اسم تجارتي اختياري است مگر در موارديكه وزارتعدليه ثبت آنرا الزامي كند.

ماده ۵۷۷ - صاحب تجارتخانة که شریك در تجارتخانه ندارد نمیتواند اسمي براي تجارتخانه خود انتخاب کند که موهم وجود شریك باشـد.

ماده ۵۷۸ - اسم تجارتي ثبت شده را هيچ شخص ديگري در همان محل نميتواند اسم تجارتي خود قرار دهد ولو اينکه اسم تجارتي ثبت شده بااسم خانوادگي او يکي باشد.

ماده ۵۷۹ - اسم تجارتي قابل انتقال است.

ماده ۵۸۰ - مدت اعتبار ثبت اسم تجارتي پنجسال است.

ماده ۵۸۱ - در مواردیکه ثبت اسم تجارتی الزامی شده در موعد مقرر ثبت بعمل نیاید اداره ثبت اقدام بثبت کرده و سـه برابر حقالثبت مأخوذ خواهد داشت.

ماده ۵۸۲ - وزارتعدلیه بموجب نظامنامه ترتیب ثبت اسم تجارتي و اعلان آن و اصول محاکمات در دعاوي مربوطه باسم تجارتي را معینخواهد کرد.

باب پانزدهم - شخصیت حقوقي

فصل اول - اشخاص حقوقي

ماده ۵۸۳ - كليه شركتهاي تجارتي مذكور در اين قانون شخصيت حقوقي دارند.

ماده ۵۸۴ - تشکیلات و مؤسساتیکه براي مقاصد غیر تجارتي تأسیس شده یا بشوند از تاریخ ثبت در دفتر ثبت مخصوصي که وزارتعدلیه معینخواهد کرد شخصیت حقوقي پیدا میکنند.

ماده ۵۸۵ - شرایط ثبت مؤسسات و تشکیلات مذکور در ماده فوق بموجب نظامنامه وزارتعدلیه معین خواهد شد.

حقالثبت مؤسسات و تشكيلات مطابق نظامنامه از پنج ريال طلا تا پنج پهلوي و بعلاوه مشمول ماد۱۳۵ قانون ثبت اسناد و املاك است.

ماده ۵۸۶ - مؤسسات و تشكيلاتي را كه مقاصد آنها مخالف با انتظامات عمومي يا نامشروع است نميتوان ثبت كرد.

ماده ۵۸۷ - مؤسسات و تشكيلات دولتي و بلدي بمحض ايجاد و بدون احتياج بثبت داراي شخصيت حقوقي ميشوند.

فصل دوم - حقوق و وظائف و اقامتگاه و تابعیت شخص حقوقي

ماده ۵۸۸ - شخص حقوقي ميتواند داراي كليه حقوق و تكاليفي شود كه قانون براي افراد قائل است مگر حقوق و وظائفي كه بالطبيعه فقط انسان ممكن است داراي آن باشد مانند حقوق و وظايف ابّوت - نبوت و امثال ذالك.

ماده ۵۸۹ - تصمیمات شخص حقوقی بوسیله مقاماتیکه بموجب قانون یا اساسنامه صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند گرفته میشود.

ماده ۵۹۰ - اقامتگاه شخص حقوقي محلي است كه اداره شخص حقوقي در آنجا است.

ماده ۵۹۱ - اشخاص حقوقي تابعيت مملكتي را دارند كه اقامتگاه آنها در آن مملكت است.

باب شانزدهم - مقررات نهايي

ماده ۵۹۲ - در مورد معاملاتي كه سابقاً تجار يا شركتها و مؤسسات تجارتي باعتبار بيش از يك امضاء كردهاند خواه بعضي از امضاءكنندگان بعنوان ضامن امضاء كرده باشند خواه بعنوان ديگر طلبكار ميتواند بامضاءكنندگان مجتمعاً يا منفرداً رجوع نمايد.

ماده ۵۹۳ - در مورد ماده فوق مطالبه از هر یك از اشخاصي كه طلبكار حق رجوع بآنها دارد قاطع مرور زمان نسبت بدیگران نیز هست.

ماده ۵۹۴ - باستثناي شركت هاي سهامي و شركتهاي مختلط سهامي بكليه شركتهاي ايراني موجود كه بامور تجارتي اشتغال دارند تا اول تير ماه ۱۳۱ مهلت داده ميشود كه خود را با مقررات يكي از شركتهاي مذكور در اينقانون وفق داده و تقاضاي ثبت نمايند و الا نسبت بشركت متخلف مطابق ماده دوم قانون ثبت شركتها مصوب خرداد ماه ۱۳۱ رفتار خواهد شد.

ماده ۵۹۵ - هر گاه مدت مذكور در ماده فوق براي تهيه مقدمات ثبت كافي نباشـد ممكن اسـت تا شـشـماه ديگر از طرف محكمه صلاحيتدار مهلتاضافي داده شـود مشـروط بر اينكه در موقع تقاضاي تمديد نصف حقالثبت شـركت پرداخته شـود.

ماده ۵۹۶ - تاریخ اجرای ماده ۱۵ این قانون در آن قسمتی که مربوط بجزای نقدی است و تاریخ اجرای ماده ۲۰ و تبصره آن و قسمت اخیر ماده ۲۲ اول فروردین ۱۳۱۲ خواهد بود.

ماده ۵۹۷ - شرکتهاي مختلط سهامي موجود مکلف هستند که در ظرف۶ ماه از تاريخ اجراي اين قانون هيئت نظاري مطابق مقررات اين قانون تشکيل دهند و الا هر صاحب سهمي حق دارد انحلال شرکت را تقاضا کند.

ماده ۵۹۸ - طلبکاران تاجر متوقفی که قبل از تاریخ اجرای این قانون طلب خود را مطالبه کردهاند مشمول مقررات ماد۴۷۳ نبوده و از حقی که بموجب قانون سابق برای آنها مقرر بوده استفاده خواهند کرد.

ماده ۵۹۹ - نسبت بطلبكاراني كه در امور ورشكستگيهاي سابق قبل از تاريخ اجراي اين قانون طلب خود را مطالبه نكردهاند مدير تصفيه هرورشكسته اعلاني منتشر كرده و يكماه بآنها مهلت خواهد داد كه مطابق ماد۴۶۳ اينقانون رفتار كنند و الا مشمول مقررات ماده ۴۷۳ خواهند شد.

ماده ۶۰۰ - قوانین ذیل:

قانون تجارت مصوب۲۵ دلو۲۰۳۳ و دوازدهم فروردین و دوازدهم خرداد۲۰۴۳ - قانون اصلاح ماده۲۰۶ قانون تجارت راجع باعتراض عدم تأدیه مصوب۲ تیر ماه ۱۳۰۷ - قانون اجازه عدم رعایت ماده۲۷۰ و قسمتی از ماده۴۴ قانون تجارت نسبت بتشکیلات و اساسنامه شرکت سهامی بانك ملی و شرکت سهامی بانك پهلوی مصوب۳ تیر ماه ۱۳۰۷ از تاریخ اول خرداد ماه ۱۳۱۱ نسخ و این قانون از تاریخ مزبور بموقع اجرا گذاشته میشود.

چون بموجب قانون ۳۰ فروردین ۱۳۱۰ « وزیر عدلیه مجاز است لوایح قانوني را که بمجلس شوراي ملي پیشنهاد مینماید پس از تصویب کمیسیون قوانین عدلیه بموقع اجرا گذارده و پس از آزمایش آنها در عمل نواقصي را که در ضمن جریان ممکن است معلوم شود رفع و قوانين مزبوره را تكميل نموده ثانياً براي تصويب بمجلس شوراي ملي پيشنهاد نمايد » عليهذا (قانون تجارت) مشتمل بر ششصد ماده كه در تاريخ سيزدهم ارديبهشت ماه يكهزار و سيصد و يازده شمسي بتصويب كميسيون قوانين عدليه مجلس شوراي ملي رسيده است قابل اجراست.

رئيس مجلس شوراي ملي - دادگر